

## نگرشی بر وضعیت حقوقی معلولان در ایران

### (در پرتو حمایت های رفاهی و مدنی دولت)

سید محمدحسین نصیب، سید عبادالله جهان بین، سید فخرالدین جهان بین

منتشره در نشریه حقوق اساسی شماره 16 سال 1390)

**چکیده:** معلولان به عنوان طیفی از اقلیت های یک جامعه همواره به نوعی در معرض تضییع حقوق خود می باشند که ضرورت گذار از نگرش «ترحم محورانه» به «حق مدارانه» در فرایند زندگی اجتماعی و بسترهای مقررات گذاری به عنوان ضرورت مبنای آن لازم می آید. در این مقاله با توجه به فرضیه عدم رعایت اصل برابری و انصاف و همچنین عدم وجود ضمانت های اجرایی قوی برای قوانین و مقررات مربوطه، لزوم بازنگری آنها مورد بررسی و تاکید قرار گرفته است. بر این اساس بنا بر ضرورت، معلولیت و مفاهیم وابسته به آن، با توجه به نگرش قوانین داخلی برخی از کشورها و نیز اسناد حقوقی بین المللی جهت تبیین موضوع، بازتعریف شده است. سپس تکالیف دولت در دو بخش حمایت های رفاهی و مدنی با لحاظ بعضی ضرورت های حقوق بشری قواعد بین المللی، مقررات داخلی سایر کشورها، قانون اساسی و قوانین عادی و مقررات موجود در ایران، با نگاه به اصل بهره گیری برابر از فرصت ها، تبعیض مثبت و تمهیدات ارفاقی لازم در خصوص معلولان، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. نقاط ضعف و قوت آن در مراحل قانونگذاری و اجرایی، با استناد به قوانین و واقعیت های موجود در جامعه بررسی و شناسانده شده است. این نوشتار درصدد ارائه سازوکار ارتقای صیانت بیشتر از حقوق ناتوانان، بهینه کردن وضعیت موجود و تغییر در نگرش عمومی جامعه نسبت به این قشر می باشد و از سوی دیگر ضرورت اصلاح، تدوین و تهیه مقررات شایسته به نحوی که بتواند تضمین کننده حقوقشان باشد، آشکار می گردد.

واژگان کلیدی: معلولیت، توانبخشی، رفاه، برابری، تکالیف دولت، حقوق بشر

## درآمد

امروزه در جهان با تکیه بر اصول بنیادین حقوق بشری و ارزش های انسانی، برابری فرصت ها برای همه اقشار جامعه با شرایط ویژه و منحصر به فرد، یکی از دغدغه ها و اصول مهم در تبیین رویکردهای جدید قاعده سازی و مقرر گذاری می باشد که این رویکرد جدید و در حال تغییر باعث شده است تا با نگاهی جامع، جایگاه و نقش تک تک افراد درون جامعه بازتعریف شود.

ضرورت های و تغییرات اجتماعی جدید دائما پویاتر از قبل بر روند قاعده سازی تاثیر می گذارند که نگاه ویژه به برخی اقشار خاص جامعه نه از منظر «ترحم» و «حمایت»، بلکه با رویکرد «حق محورانه» گونه ای از می باشد. معلولان که با واقعیت موجود ناهنجاری های درونی (جسمی و روحی) و ناهنجاری های بیرونی (عرصه های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ...)، یکی از مهمترین اقشار ویژه درون جامعه هستند و بخش قابل توجهی از جامعه را تشکیل می دهند، اگر سازوکارهای حمایتی با نگرش حق محورانه (تبعیض مثبت) در جهت برابری برای آنها فراهم نگردد، نمی توانند حتی از حقوق اولیه خود برخوردار شوند.

در ایران با توجه به عدم توسعه یافتگی، این رویکرد علی رغم نگرش ارزش مدار ناشی از جهان بینی اسلامی حاکم بر فضای عمومی جامعه و ساختار سیاسی-حقوقی آن، چندان مورد توجه قرار نگرفته است و فقط با نگاه حمایت محورانه، در شرایط مختلفی قوانین و مقرراتی مختص معلولین تدوین و تصویب شده است که به دلایل مختلف نتوانسته در جهت تحقق اهداف مورد نظر مندرج در اسناد حقوق بشری و نیز برخی اهداف مندرج در اصول قانون اساسی و حتی آموزه های متعالی دینی، موثر واقع گردد.

در این مقاله سعی شده در پرتو اصول علمی و عملی رایج دنیا، مقایسه ای اجمالی در باب هنجارهای بین المللی حقوق بشری و برخی قواعد خاص نظام های حقوق داخلی کشورهای در خصوص معلولان، صورت پذیرد. ضمن شناسایی نقاط ضعف و قوت، جنبه های از تمهیدات ارفاقی معلولین در حقوق موضوعه ایران، جدیدترین نگرش های مبتنی بر برابری در موضوعات اساسی از جمله ضرورت بازتعریف مفاهیم، تبیین لزوم حمایت های رفاهی و مدنی دولت و بررسی خلاءهای موجود از منظر مقررات گذاری و نیز تضمین ضمانت اجراهای آن، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد." البته قابل ذکر است که مسائل حقوقی جانبازان انقلاب و

جنگ تحمیلی خود موضوعی گسترده است که در این مجال نمی گنجد، لذا در این مقاله فقط معلولین عادی مورد بررسی قرار می گیرد.

## 1- مفاهیم

1-1- معلولیت: کلمه معلولیت<sup>1</sup> از بازی شانسی تجاری قدیمی آنلگوساکسونی «دست در کلاه»<sup>2</sup> گرفته شده است. که با گذر زمان خود به خود منشأ «نقص» یا «معلولیت»<sup>3</sup> شده است. بسیاری از مدافعان حقوق معلولین از اصطلاح «handicap» بیزارند و ادعا می کنند این واژه پیشینه ی خوشایندی ندارد، چرا که لغت شناسان<sup>4</sup> ادعا دارند که معلولیت مشتق از اصطلاح «cap-in-hand» است که اشاره به تکیه گری در خیابان دارد.<sup>5</sup> اولین استفاده از این واژه، از یک نقل و قول به سال 1653 م. بر می گردد و در نهایت برای تعیین اختلال روانی یا جسمی نخستین بار به سال 1915 در مورد کودکان معلول ثبت شده است.<sup>6</sup>

با نگاهی دقیق، حقیقت شکل گیری این مفهوم را در حوادث سال 1504 م می توان یافت. در این سال بعد از یک سری جنگ های سخت مقارن با دوران پادشاهی هانری هفتم<sup>7</sup> در انگلستان، مجروحان جنگی بسیاری برای کشور به جا می ماند که قادر به انجام کار و فعالیت های اجتماعی نبودند، هانری هفتم برای تقویت و حمایت از آنها قانونی وضع نمود که ورود این سربازان مجروح (معلول) را به خیابان ها با کلاهی در دست جهت طلب یاری و مساعدت هموطنان به پاس خدماتشان، قانونی می نمود.<sup>8</sup> بنابراین این عمل در طول زمان ها مختص به اشخاصی بوده که نوعی نقص و ناتوانی<sup>9</sup> داشته اند و نیاز به جنبه های حمایتی داشته اند و لذا لذا توسعه مفهومی یافته است.

مفهوم و برداشت ذهنی متفاوت از واژه ها و اصطلاحات در جوامع گوناگون می تواند در تدوین قوانین و مقررات نقش مهمی را ایفا نماید. اگر این واژه ها با نگرش سطحی و عدم جامعیت و مانعیت مطلوب تعریف شوند، مانع تحقق اهداف قانونگذار در آن

<sup>1</sup> - Handicap/disablity

<sup>2</sup> - Hand – in – cap

<sup>3</sup> - disablity

<sup>4</sup> - morphophonemics

<sup>5</sup> - Amunds, Ron, "about the ,meaning of Handicap"، Dept of philosophy, university of hawaii at hilo, about the meaning of "Handicap" available at: [www.uhh.hawaii.edu/ronald/HandicapDefinition.html](http://www.uhh.hawaii.edu/ronald/HandicapDefinition.html)

<sup>6</sup> - <http://handicap.com>

<sup>7</sup> - Henry VII (1457-1509)

<sup>8</sup> - [http:// www.shopes.com/hanguage/offense/handicap.asp](http://www.shopes.com/hanguage/offense/handicap.asp)

<sup>9</sup> - disablity

موضوع می شوند. آنجایی که توسعه و تزییق مفهومی و مصداقی و دایره ی معلولیت در این راستا قابل تامل است، لذا توجه و مقایسه با قوانین و مقررات سایر کشورها لازم می باشد.

دیکشنری «وبستر» معلولیت را آن نوع از ناتوانی جسمی یا روانی می داند که مانع از مشارکت در فعالیت های معمول روزمره شخص می شود.<sup>10</sup> طرفداران حقوق اوتیسم<sup>11</sup> با استدلالی، عدم رشد و نمو را که توسط جامعه نوعی برچسب و انگ محسوب می شود را معلولیت می دانند.<sup>12</sup> قانون حمایتی معلولان استرالیا، معلولیت را مخدوش شدن تمامیت جسمی و روحی، ناهنجاری و اختلال در فرایند تفکر، درک از واقعیات، ابراز احساسات و قضاوت شخصی محسوب می کند،<sup>13</sup> با لحاظ نگاه فرهنگی جامعه، قانون حقوق بشر کانادا ضمن بر شمردن هرگونه ناتوانی روحی و جسمی در هر دوره ای از عمر، عارضه های ناشی از اعتیاد به الکل و مواد مخدر را نیز در زمره معلولیت دانسته است.<sup>14</sup> که قسمت متأخر این معلولیت نسبت به سایر قوانین منحصر به فرد می باشد. در نیوزیلند علاوه بر برشمردن برخی عارضه های روحی و جسمی، شخصی را که از ویلچر و یا سگ راهنما استفاده می نمایند، معلول به حساب می آورند.<sup>15</sup> در سوئد محدودیت های جسمی و روانی در برخورداری و روانی در برخورداری و کاربست ظرفیت های عملکردی شخص در هر مرحله از زندگی معلولیت قلمداد می شود.<sup>16</sup> قانون حمایت از معلولان چین، معلول را کسی می داند که دچار فقدان انجام وظایف روانی و ساختار بدنی باشد و به عارضه های شنوایی، گفتاری، معلولیت های چندگانه و ... دچار باشد.<sup>17</sup> قانون حمایتی هند ناتوانی های جسمی و روانی که نباید از 40 درصد پایین تر باشد و به تأیید پزشک صلاحیت دارد رسیده باشد را اطلاق معلولیت می داند.<sup>18</sup> قانون توانبخشی معلولین تایلند، اختلال در بهره مندی از پتانسیل های فکری و قدرت یادگیری را در کنار سایر اختلال های جسمی- حرکتی، مشخصه شخص معلول محسوب می کند.<sup>19</sup> قواعد استانداردسازی سازمان ملل در برابری فرصت های معلولین، با توجه به جوامع و کشورها، معلولیت را شامل خلاصه تعدادی از محدودیت های عملکردی افراد می داند که بر فعالیت های سازمان یافته ای چون ارتباطات و آموزش و پرورش در شرایط مساوی بتواند تأثیر بگذارد.<sup>20</sup> قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب 1383 قبل از تعریف و تبیین شرایط معلولیت، آن را منوط به تأیید مرجع صلاحیت دار "کمیسیون پزشکی

<sup>10</sup> - [www.merriam=Webster.com/dictionary/handicap](http://www.merriam=Webster.com/dictionary/handicap)

<sup>11</sup> - Autism rights movement

<sup>12</sup> - Solomon/Andrew, "The New wave of Autism Rights Activists" New york magazine, Retrieved October 30,2011,p.57

<sup>13</sup> - Australian Disability Discrimination Act 1992

<sup>14</sup> - Canadian Human Rights Act 1977

<sup>15</sup> - New Zealand Human Rights Act 1993

<sup>16</sup> - Sweden prohibiting Discrimination in working Life against persons with Disabilities 1999

<sup>17</sup> - Law on the protection of Disabled persons 1990

<sup>18</sup> - persons with Disabilities (Inda Equal opportunities Protection of Right and ful participation Act (1995)

<sup>19</sup> - Thailand Rehabilitation Disabled persons Act 1994

<sup>20</sup> -48/96/un, Standard Rules on the Equahization of opportunities for persons with Disabilities (1993)

سازمان بهزیستی<sup>21</sup> "نموده است و این تأیید را در ادامه منوط به ضایعه ی جسمی، ذهنی و روانی مستمر و قابل توجهی که مؤثر بر سلامت و کارائی عمومی شخص باشد و به نوعی تحدیدی بر استقلال فرد باشد می داند. در این قانون تنها جنبه ی فیزیکی و روانی افراد مورد توجه قرار گرفته است که نشان دهنده آن است که قانونگذار معلولیت را شرط کاهش استقلال فرد دانسته است و محدودیت های محیطی، اجتماعی و سیستمی را که باعث بروز معلولیت در فرد می شوند را مشمول قانون ننموده است، در حالی که این عوامل موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی می شود. همچنین میزان و حدود اختلال ها را منوط به تأمین نظر و تأیید مرجع صلاحیت دار نموده است.

## 2-1- توانبخشی<sup>21</sup>

توان بخشی و نوتوانی در علوم بهداشتی<sup>22</sup> فرآیندی است که در آن به فرد توان خواه کمک می شود تا توانایی از دست رفته خود را پس از یک واقعه، بیماری یا آسیبی که منجر به محدودیت عملکردی وی شده است مجدداً به دست آورد. در بازتوانی برخلاف پزشکی غالباً دارویی تجویز نمی شود و روند بازیافتن توانایی ها تدریجی است. در جرم شناسی و حقوق نوعی از اقدامات تأمینی و تربیتی است که با هدف تأدیب بزهکار و بازگردانی آن به چرخه طبیعی زندگی اجتماعی به جامعه صورت می پذیرد.

کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت<sup>23</sup> بدون تعریف توانبخشی در ماده 26 به تجویز برخی از وظایف "توانبخشی و بازتوانی"<sup>24</sup> برای دولت های عضو پرداخته است. سازمان بهداشت جهانی<sup>25</sup> با طرح موضوعات سه گانه اختلال<sup>26</sup> ناتوانی و معلولیت تقصیر در پدیده معلولیت را از فرد به جامعه منتقل نموده تا بدین وسیله ضمن تاکید بر توانمندی های افراد معلول، مشارکت او را در جامعه افزایش دهد.<sup>27</sup> و توانبخشی را مجموعه ای از اقدامات آموزشی، حرفه ای و ... در جهت بازتوانی فرد معلول، به منظور ارتقاء سطح کارایی او در بالاترین حد ممکن می داند. در درون برنامه توسعه جوامع یونسکو<sup>28</sup> و سازمان جهانی کار<sup>29</sup> توانبخشی مبتنی بر جامعه<sup>30</sup> راهبردی جهت عدالت اجتماعی و پیوستن تمامی افراد که دچار ناتوانی هستند، به جامعه است.<sup>31</sup> توان بخشی

<sup>21</sup> - Rehabilitation

<sup>22</sup> - Health Sciences

<sup>23</sup> - Convention on the Rights of Persons with Disabilities (2006)

<sup>24</sup> - Habilitation and rehabilitation

<sup>25</sup> - world Health organization (WHO)

<sup>26</sup> - Impairment

<sup>27</sup> - نودهی مقدم، افسون، مبانی توانبخشی، زیر نظر دکتر محمد تقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، زمستان 1372، ص 98

<sup>28</sup> - unesco

<sup>29</sup> - world work organization

<sup>30</sup> - community Based Rehabilitation

<sup>31</sup> - فرهنگ، مؤگان، توانبخشی مبتنی بر جامعه و آموزش و پرورش فراگیر، نشریه روان شناسی و علوم تربیتی، شماره 8، 1382، ص 145

مبتنی بر جامعه (CBR) علاوه بر بیان مؤلفه های همکاری و تعاون اجتماعی و تمرکز بر ارزش ها جامعه و خانواده، خودمراقبتی را مهم ترین وظیفه می داند و اصول و چارچوب های مرتبط با مراقبت های بهداشت خانگی را نیز ارائه می نماید.<sup>32</sup> سازمان بهداشت جهانی در برنامه «بهداشت برای همه»<sup>33</sup> دولت ها را موظف به رعایت مراقبت های اولیه بهداشتی<sup>34</sup> که شامل چهار جزء ارتقاء بهداشت، پیشگیری، خدمات درمانی و توانبخشی است، می نماید.<sup>35</sup>

در ایران قدمت توانبخشی به طب فیزیکی بوعلی سینا، حرارت های ماساژی که برای درد ستون فقرات تجویز می نمود و همچنین استفاده از آب های معدنی برای تسکین دردها می رسد.<sup>36</sup> تا چند دهه قبل توجه به امور معلولان جنبه ی مذهبی داشت که با تصویب قانون سال 1347 و تکلیف دولت بر دایر نمودن انجمن توانبخشی در وزارت کار و امور اجتماعی، امور معلولان به عرصه قوانین و مقررات کشور ورود پیدا کرد. با انحلال این وزارتخانه در سال 1355 انجمن مذکور به وزارت بهداشتی و بهزیستی انتقال یافت و از سال 1358 تاکنون برنامه ها و فعالیت های توانبخشی به معاونت تخصصی در سازمان بهزیستی که هم اکنون بخشی از وزارت رفاه می باشد محول شده است.

در کانادا برنامه های اجتماعی زیادی برای معلولین از راهکارهای تأمین درآمد، تا حمایت ها از کار افتادگی و کمک های استخدامی برای افراد معلول در نظر گرفته شده است. با تقسیم مسئولیت ها، وظیفه اجرای برنامه های توانبخشی در راستای افزایش درآمدهای معلولین عمدتاً به دولت فدرال و مسئولیت های رفاهی، آموزشی، بهداشتی و همچنین برنامه های اجتماعی به دولت های محلی واگذار شده است.<sup>37</sup>

### 3-1-رفاه<sup>38</sup>

مفهوم رفاه در ابتدا شامل اقدامات متفرقه خیریه و تعاونی های ابتدایی به منظور کمک به هممنوع و در قالب همیاری ها و دگریاری ها برای تأمین نیازهای اولیه خانواده ها و گروه های محلی بود. در دهه 1980 به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون

<sup>32</sup> - Hoeman shirhey Pollock (1992) "umbrella for Health care" Holistic nursing practice, vol6, Issue 2pp.32-33.

<sup>33</sup> - Health for all

<sup>34</sup> - Primary health care

<sup>35</sup> - هلاندر ، اینار؛ راهنمای برنامه ریزی ملی توانبخشی ؛ ترجمه دکتر علی چابک ، تهران نشر دانژه ، چاپ اول، 1383

<sup>36</sup> - نودهی مقدم، همان، ص12

<sup>37</sup> - Riggat, T.f & maki Denniser, handbook of rehabilitation Counseling, Springer Publishing company New york, 2004,p.82

<sup>38</sup> - welfare

اجتماعی در جهت ارضای نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی اطلاق می‌شود. در حال حاضر «رفاه اجتماعی به مجموعه شرایطی اطلاق می‌شود که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است»<sup>39</sup>

بر اساس این نگرش رفاه اجتماعی مجموعه شرایطی است که در آن مسائل اجتماعی حل و یا کنترل شده‌اند، نیازهای اولیه انسانی ارضاء شده است و فرصت‌های اجتماعی به حداکثر رسیده‌اند.<sup>40</sup> تحول ایجاد شده در این مفهوم قابل توجه است یعنی رفاه اجتماعی از پدیده‌هایی از جنس فعالیت و خدمات به پدیده‌های از جنس شرایط و حالات تبدیل شده است. علاوه بر این مفهوم جدیدی نظیر فرصت‌های اجتماعی و رضایت اجتماعی نیز به آن وارد شده است. بر اساس این مفهوم، رفاه اجتماعی را می‌توان در سطح افراد، خانواده‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها، اجتماعات محلی و بطور کلی جامعه در نظر گرفت. این مفهوم همچنین می‌تواند در برگیرنده گروهی از کشورها، مناطق بین‌المللی و یا جهان به طور کلی باشد. این مفاهیم در مواد 22 و 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند نیز به نحوی انعکاس پیدا کرده است.<sup>41</sup>

## 2- حمایت‌های رفاهی دولت:

از نظرگاه حقوق بشر دو جنبه از حق‌ها، یعنی حق‌های رفاهی و حقوق و آزادی‌های اساسی باید مورد توجه قرار گیرد. حق‌های مثبت در جهت تضمین حیات جسمانی همراه با حیثیت انسانی فرد می‌باشد که حق مطالبه‌ی<sup>42</sup> فرد بر مداخله‌ی دولت<sup>43</sup>، ستون فقرات حق‌های رفاهی است. «برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستلزم دخالت جدی دست‌اندرکاران خدمات عمومی همراه با کمک مالی حقوق، سازمانی و اجرائی دولت است.»<sup>44</sup> این حق‌ها باید از نوع آزادی یا رهایی از احتیاج<sup>45</sup>

<sup>39</sup> - شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور، به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی، انتشارات بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، چاپ اول، سال 1379، ص 12

<sup>40</sup> - همان، ص 12

<sup>41</sup> - طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، سال 1382، ص 269-270

<sup>42</sup> - claim - right

<sup>43</sup> - حق‌های بشری در نظام حقوق بشر معاصر، از مقوله حق مطالبه‌هایی هستند بر ضد دولت. که لازمه‌ی آن وضعیت تعهدی دولت در مقابل آن است: معلول دارنده‌ی حق است و دولت مکلف. حق مطالبه‌ای همانا حق به معنای مضیق آن است. در این رابطه حقوقی، شخص محق است و ماهیت این حق مطالبه است. به زبان دقیق‌تر حقوقی می‌توان گفت که لازمه‌ی حق مطالبه، وجود وظیفه‌ای در طرف مقابل است. نگاه کنید به: قاری سید فاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، ص 43 و دفتر دوم ص 383، انتشارات شهردانش و لیکس، برایان، فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ، نشرنی، 1389، صص 408-406

<sup>44</sup> - هاشمی، سید محمد، حقوق و آزادیهای سیاسی، نشر میزان، چاپ اول، 1384، ص 166

<sup>45</sup> - Freedom of want

محسوب شوند که از نظر قانونگذاری و کدگذاری<sup>46</sup> همزمان با قواعد نسل اول (حق های مدنی) اما شناسایی آنها به لحاظ فلسفی و نظری متأخر از آن بوده است.

اصل عدم تبعیض به عنوان بنیادی ترین اصل حقوق بشر اقتضا دارد که وضعیت تعهد دولت در مقابل معلولان با سایر شهروندان تفاوتی نداشته باشد. با این حال «این حق ها هم قابلیت تخصیص افرادی دارند و هم امکان تغییر احوالی».<sup>47</sup> ماده 2 کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت با لحاظ «تبعیض بر مبنای معلولیت»<sup>48</sup> حمایت مثبت از معلولان<sup>49</sup> در جهت جبران نابرابری ها را - که از مصادیق تبعیض معکوس است - لازم می داند.

«عدول از مفهوم ارسطویی «رفتار برابر» به مفهوم نوین و حقوق بشری «رفتار به مثابه برابر» راه را برای «تبعیض مثبت» و یا «تبعیض معکوس» که اسناد نوین حقوق بشر معاصر در اقدامات افزون حمایتی از کشورهای کم توان تر جامعه است، باز می کند»<sup>50</sup> بنابراین «رفتار به مثابه برابر» در خصوص معلولان باید جایگزین «رفتار برابر» شود. لذا دخالت<sup>51</sup>، نظارت<sup>52</sup> و حراست<sup>53</sup> دولت به منظور تأمین رفاه و آسایش عمومی اقشار کم توان جامعه، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این قسمت برخی از تکالیف رفاهی دولت در مقابل معلولان با نگاه به قوانین و مقررات از منظر گذرانده می شود.

## 1-2- آموزش<sup>54</sup>

حق آموزش به عنوان حقی از حق های بشری در اسناد بشردوستانه از جمله میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>55</sup> حقی آزاد و همگانی در تمام سطوح و در مقطع ابتدایی اجباری قلمداد می شود. منشور جهانی حقوق کودک<sup>56</sup> نیز که در سال 1994م. به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، ضمن بیان حق برخورداری «همه کودکان» از حق آموزش، کودکان دارای نقایص جسمی، روانی و اجتماعی را در برخورداری از حق یکسان نسبت به بهره گیری از امکانات یادگیری با حداکثر

<sup>46</sup> - Legislation and coding

<sup>47</sup> - قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم نشر شهردانش، چاپ دوم، 1389، ص 383

<sup>48</sup> - Discrimination on the basis of disability

<sup>49</sup> - تبعیض بر مبنای معلولیت به معنای هر گونه تمایز، استثناء و یا محدودیت بر پایه معلولیت است که هدف یا تأثیر آن ایجاد اختلال یا از میان بردن حق شناسایی، بهره مندی یا احقاق کلیه حقوق بشر و آزادی های بنیادین بر مبنای برابر با سایرین در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. همچنین در برگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله عدم مناسب سازی نیز می گردد.

<sup>50</sup> - قاری سید فاطمی، همان، دفتر دوم، صص 383-384

<sup>51</sup> - interference

<sup>52</sup> - Supervision

<sup>53</sup> - Protection

<sup>54</sup> - education

<sup>55</sup> - International convention on Economic, Social and cultural Rights

<sup>56</sup> - convention on the Rights of child.



استعدادها و توانایی های خود مد نظر قرار می دهد. همچنین ماده 4 کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، با توسعه این حق به سنین بزرگسالی استمرار آموزش مادام العمر را از تکالیف دولت های عضو می داند.

در بخش حقوق ملت، بند 9 نهم اصل سوم قانون اساسی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه را بر عهده دولت می داند، همچنین اصل سی ام دولت را موظف به فراهم آوردن امکانات لازم برای «همه ملت» تا پایان دوره متوسطه دانسته و فراتر از آن را نیز تا سرحد خودکفایی کشور لازم نموده است. ماده واحده قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مصوب 1369 امر تعلیم و تربیت دانش آموزان معلول را به این سازمان محول می نماید. ماده 2 اساسنامه تصویبی این سازمان به سال 1370، کلیه خدمات آموزشی، توانبخشی و پیشگیری از بروز ناتوانی های جسمی و ذهنی قبل و بعد از تولد را تکلیف این سازمان می داند. بند 3 ماده 2 اساسنامه آخرین مقطع تحصیلی مدنظر برای معلولین را دوره متوسطه ذکر کرده در حالی که اکثر دانش آموزان معلول، توانایی تحصیلی در سطوح بالاتر را دارند که برای این سازمان بر اساس اساسنامه نهادی دیگر موازی آن، در خصوص آموزش عالی معلولان وظیفه ای تعریف نشده است. این اساسنامه (بند 4 ماده 2) بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در زمینه ی بروز معلولیت ها و خصوصیات کودکان استثنایی را بدون ارائه راهکار عملیاتی به این سازمان آموزشی محول نموده است در حالی که این عمل مستلزم خدمات توان پزشکی و پزشکی می باشد و علی القاعده باید توسط وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی صورت پذیرد. محوریت آموزشی این سازمان بر دانش آموزان 6 تا 21 سال قرار دارد و ضمن بیان لزوم ضرورت های آموزش حرفه ای، حرفه آموزی و مهارت های شغلی، در عرصه اجرای عینیت آنها مملوس نمی باشد.

قانون حمایت از معلولان چین، 9 ماده را به مسئله آموزش اختصاص داده و دولت را در سطوح مختلف و تمامی جنبه ها موظف می نماید، آموزش را به دو دسته عادی و حرفه ای دسته بندی کند. آموزش بزرگسالان را مد نظر دارد و آنها را ترغیب به بروز استعدادها جهت اشتغال می نماید. قانون حمایت از حقوق مشارکت ها و فرصت های برابر معلولان در هند، مدارس مخصوص به همراه تسهیلات و ابزار حرفه ای در نظر گرفته است و حق برخوردارگی از آموزش رایگان را هم در مدارس خاص و هم در مدارس عادی برای همه تا سن 18 سالگی اعلام می نماید.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ماده 8 مقرر می دارد: «معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارت خانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان آموزش پزشکی و دیگر دستگاههای دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی بهره مند گردند». با وجود تصویب

آیین نامه اجرائی این ماده در سال 1384، هنوز این قانون به مرحله اجرا در نیامده است. اما سازمان بهزیستی یکسری کمک هزینه های آموزشی و خدمات تحصیلی برای تمام مقاطع تحصیلی در اختیار توان خواهان قرار می دهد.<sup>57</sup>

## 2-2- توانبخشی

### 2-2-2 خدمات تخصصی توانبخشی:

فرآیند توانبخشی معلولان شامل توانبخشی پزشکی، توان بخشی اجتماعی<sup>58</sup> و توانبخشی حرفه ای<sup>59</sup> می باشد. ماده 26 کنوانسیون اشخاص دارای معلولیت و سازمان بین المللی کار در بخش 5 نظام پیشنهادات توانبخشی حرفه ای معلولان<sup>60</sup> اقدامات ثمر بخشی و مناسبی را جهت توانمندسازی افراد کم توان به دولت ها توصیه می نماید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول نوزدهم تا بیست و یکم، سی ام، چهل و سوم و ... زمینه ی ایجاد برابری را در جامعه بوجود آورده است و صریحاً مواردی از این برابری ها را بیان می نماید، اما لازمه تحقق عدم تبعیض ها توجه به وضع و اعمال آن در هرم نرم های قانونگذاری در سطوح پایین تر می باشد. برای رسیدن به برابری و برخورداری از همه فرصت ها، معلولان همانند سایرین باید از یکسری شرایط و خدمات خاصی برخوردار گردند که ارائه خدمات توانبخشی مهم ترین وظیفه ی دولت ها در جهت ایجاد فرصت برابر برای توان خواهان تعریف شده است.<sup>61</sup> بنابراین براساس ماده واحده تشکیل سازمان بهزیستی کشور (مصوب 1359، شورای انقلاب) و ماده 3 قانون جامع معلولان، سازمان بهزیستی مکلف به ارائه خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه ای با مشارکت خانواده ها و همکاری بخش غیر دولتی و پرداخت یارانه به مراکز غیر دولتی و خانواده ها می باشد.

### 2-2-2- مناسب سازی<sup>62</sup>

بی شک بخش مهمی از نیروهای انسانی هر جامعه ای را معلولان تشکیل می دهند که حضور آنها در عرصه های گوناگون مستلزم فراهم آوردن شرایط مناسب محیطی می باشد. سازمان ملل متحد با نگرش برخورداری از فرصت های برابر جهت زیست و شکوفایی مطلوب معلولان اشعار می دارد که محیط فیزیکی باید برای همه از جمله اشخاص معلول قابل دسترسی باشد، جنبه های

<sup>57</sup> - دستور العمل شماره 11-800/1311 مورخه 85/4/13 جدول شماره 2، سازمان بهزیستی کشور

<sup>58</sup> - Social Rehabilitation

<sup>59</sup> - Vocational Rehabilitation

<sup>60</sup> - Vocational Rehabilitation (Disabled) Recommendation, 1955(No,99)

<sup>61</sup> - منصوری، 1376، ص 52

<sup>62</sup> - Accommodation

مختلف دسترسی باید در برنامه ریزی اسکان جمعیت از جمله برنامه های مناطق روستایی رعایت شود. به افراد معلول باید اطمینان داده شود که دسترسی آنها به تمام ساختمان های عمومی و مجموعه های مسکونی و وسائل حمل و نقل فراهم می شود.<sup>63</sup> در هر یک دستورالعمل های مدل استاندارد سازی شده مبسوطی را جهت بهبود شرایط حضور معلولین در محیط فیزیکی،<sup>64</sup> حین طراحی،<sup>64</sup> ساخت و ساز<sup>65</sup> و تغییرات ساختمانی<sup>66</sup> در سطح دولت های فدرالی و محلی برای بخش های عمومی و خصوصی پیش بینی شده است.<sup>67</sup>

شورای عالی معماری و شهرسازی ایران به استناد بند 5 مصوبه<sup>68</sup> (مورخ 68/3/8) خود در خصوص «ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی - حرکتی»، پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی در ارتباط با بازنگری مصوبه مذکور و پیوست آن را (مورخ 78/9/22) به تصویب رسانده و جایگزین مصوبه قبل می نماید.<sup>69</sup> «بندج» ماده 193 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب 79/11/17) به ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات توانبخشی توجه نموده و با هدف مشارکت معلولین در جامعه در توجه به مناسب سازی اماکن عمومی (خصوصی و دولتی) تنظیم گردیده است. آیین نامه اجرائی این بند (مصوب هیأت وزیران، مورخ 79/11/26) تنها به ذکر کلیات وظایف دستگاه ها و سازمان ها و مالکان ساختمان های با مصارف عمومی می پردازد. تکالیف آنها را در این راستا به طول کامل بیان نمی نماید و نحوه اجرای آن را نیز به سایر مقررات قانونی ارجاع نمی دهد. قانون جامع حمایت از معلولان (مصوب 1383) در ماده 2، نهادهای عمومی را موظف به رعایت ضوابط مناسب سازی می نماید. همچنین تبصره 2 این ماده در صدور پروانه احداث و یا پایان کار اماکن عمومی، شهرداری ها را موظف به اعمال استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان می داند و تبصره 3 این ماده سازمان بهزیستی را در مقام ناظر و گزارش اقدامات مجاز (و نه موظف) می داند. با توجه به رشد فرآیند خصوصی سازی و لزوم بهره مندی معلولین از این بخش، به

<sup>63</sup> - بابایی اهری، مهدی، آیین نامه برابری فرصت های معلولان سازمان ملل متحد، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، پاییز 1373، ص 22-23

<sup>64</sup> - design

<sup>65</sup> - construction

<sup>66</sup> - alterations

<sup>67</sup> - ADA Standards for accessible design (2010) & standards for state and local government facilities (2010)

<sup>68</sup> - بند 5 مصوبه، وزارت مسکن و شهرسازی موظف است حداکثر هر 5 سال یکبار با جلب نظر سازمان بهزیستی و بنیاد جانبازان ضوابط و مقررات موضوع این مصوبه را مورد بازنگری و تطبیق با شرایط و امکانات جدید قرار داده و برای تصویب به شورای عالی شهرسازی و معماری پیشنهاد نماید.

<sup>69</sup> - می توان گفت این مصوبه جامع ترین مقررۀ قانونی حمایتی در اعمال ضوابط و شرایط فضای های فیزیکی مناسب حال معلولان می باشد که شامل چگونگی طراحی و ساخت و ساز مجتمع های مسکونی و ساختمانی سراسر کشور اعم از دستگاه های دولتی وابسته به دولت، شهرداری ها و یا بخش خصوصی است. در مورد اماکن عمومی همچون رستوران ها، وضعیت تخت خواب هتل ها، چاپخانه ها، معابر عمومی کتابخانه های عمومی و ... همچنین نصب سیستم های هشدار دهنده شنیداری و دیداری در کلیه ساختمان های عمومی و ... با ذکر جزئیات کامل و حتی مقیاس های لازم استاندارد مناسب حال معلولین توجه شده است. از جهت ذکر مقررات و مقیاس های لازم تا حدودی مشابهت های زیادی با استانداردهای (ADA) آمریکا دارد. البته در (ADA) علاوه بر ذکر مقیاس های نمونه اشکال و پلان های توجیهی پیوست می باشد.

خصوص مجتمعات های مسکونی بزرگ و ... نقصی را که می توان بر این قانون وارد دانست عدم توجه به رعایت استانداردهای لازم در این بخش می باشد. شورای اسلامی شهر تهران در راستای الزامی نمودن اجرای قوانین مزبور مصوبه ای (مورخ 84/2/22) داشته است که ضمن توصیه در باب استانداردهای مناسب سازی، ردیف اعتباری خاص مناسب سازی فضای شهری را برای جانبازان و معلولین پیش بینی می کند. این در حالی است که هنوز ساختمان های عمومی نامناسب به جای خود باقی مانده اند و ایستگاه های مدرن مترو بدون در نظر گرفتن دسترسی همگانی ساخته می شوند. در استرالیا استانداردهای حمل و نقل<sup>70</sup> مناسب سازی محیطی معلولان را مشمول تمامی انواع وسائط نقلیه؛ تراموا، قمار، اتوبوس، تاکسی، کشتی و هواپیما می داند و رعایت الزامات استانداردهای تعیین شده را در ساختمان فیزیکی و نحوه بهره وری بهتر معلولان از این وسایل را شامل؛ مسیرهای دسترسی<sup>71</sup>، اختصاصی کردن فضاها<sup>72</sup>، درگاه<sup>73</sup>، نمادها و نشانه ها<sup>74</sup>، دسترسی به اطلاعات درباره حمل و نقل<sup>75</sup> و نحوه پرداخت کرایه<sup>76</sup> می داند.

### 2-3- اشتغال معلولین

ماده 23 اعلامیه جهان حقوق بشر ضمن اشاره به «حق داشتن کار» برای همه به شرایط منصفانه آن توجه نموده است. ماده 6 ميثاق بين المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای طرف میثاق را موظف به اقدامات مقتضی در جهت پاسداشت این حق شامل تربیت فنی و حرفه ای، طرح برنامه ها و تدابیر فنی دانسته است. توصیه نامه شماره 92 کنفرانس بین المللی کار (مصوب 1955) تأثیر زیادی بر حوزه داخلی کشورها داشته و مورد قبول ایران نیز واقع گردیده است.<sup>77</sup> این توصیه نامه توانبخشی حرفه ای را راهکار توانمندسازی معلولین می داند که جهت توسعه و بازگرداندن قدرت کار معلولین فارغ از نوع معلولیت آنها ضروری می باشد. بنابر اعلامیه مربوط به حقوق استخدامی معلولان در اتیوپی<sup>78</sup> شخص معلول در صورت داشتن شرایط شغلی حق انتخاب و رقابت با سایر اشخاص را دارد و همچنین اشعار می دارد که جایگاه های مناسب حال معلولین باید در نهادهای عمومی و دستگاه های تحت نظارت دولت شناسایی شود و تنها معلولین قابلیت رقابت برای تصدی آن را داشته باشند.

<sup>70</sup> - Australian disability Standards for accessible Public transport (2002)

<sup>71</sup> - access paths

<sup>72</sup> - allocated spaces

<sup>73</sup> - door ways

<sup>74</sup> - Symbols and Signs

<sup>75</sup> - access to information about transport Service

<sup>76</sup> - the payment of fares

<sup>77</sup> - نودهی مقدم، ص 161

<sup>78</sup> - ethiopian proclamation concerning the rights of disabled persons to employment. (proclamation No. 101/1994 of 26 August 1994)

در آمریکا از طریق «آموزش و استخدام فراگیر» که بوسیله سازمان های مختلف کشوری اداره می شود در امر اشتغال معلولین کمک های فراوانی به عمل می آید. در استرالیا خط مشی اشتغال معلولین توسط «جنبش همکاری ناتوان ها»<sup>79</sup> انجام می گیرد، در هندوستان شرکت ها و مؤسسات خصوصی و عمومی موظف به استخدام درصد معینی از نیروهای کاری اداره ها از بین معلولین هستند و بهزیستی هندوستان بر این امر نظارت دارد.<sup>80</sup>

اصل 28 قانون اساسی ایران دولت را موظف به تأمین شرایط مساوی برای احراز مشاغل دانسته است که لازمه ی برخورداری معلولین از این شرایط، توانمند ساختن آنها از طریق آموزش و حرفه آموزی می باشد. در این ارتباط مواد 107 و 108 و تبصره های 2 و 3 ماده 119 قانون کار جمهوری اسلامی ایران، دولت را مکلف کرده اند که امکانات آموزشی لازم را برای جویندگان کار فراهم سازد و اقدام به ایجاد مراکز کارآموزی خاص معلولین و جانبازان با همکاری وزارتخانه ها و سازمان های ذیربط نماید. تبصره 4 ماده 7 قانون جامع نیز سازمان آموزش فنی و حرفه ای را موظف کرده تا آموزش های لازم را متناسب با بازار کار برای معلولان به صورت رایگان و تلفیقی تأمین نماید و بند «د» ماده 3 همین، قانون سازمان بهزیستی را مسئول گسترش کارگاه های آموزشی، حمایتی و تولیدی جهت توانمند سازی معلولان می داند.

قانون ماده واحده 1364 مجلس شورای اسلامی دستگاه ها را موظف می نماید تا با هماهنگی سازمان بهزیستی 3 درصد از معلولین عادی را در مشاغل متناسب با رعایت مقررات جذب نمایند. بند «الف» ماده 7 قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (1383) نیز 3 درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی و کارگری) دستگاه های عمومی و دولتی که از بودجه عمومی کشور استفاده می نمایند را به افراد معلول واجد شرایط اختصاصی می دهد.<sup>81</sup> بی تردید اجرای این قوانین و مقررات مستلزم وجود ضمانت های اجرایی کافی در قانون می باشد. به عنوان مثال در ژاپن و آلمان کارفرمایانی که کمتر از حد نصاب سهمیه پیش بینی شده به نسبت تعداد فرصت های شغلی در استخدام اشخاص ناتوان تعلل می ورزند. جریمه می شوند که این هزینه ها صرف هزینه های مالی کارگاه های حمایت شده یا اعطای پاداش به آن دسته از کارفرمایانی خواهد شد که اشخاص شدیداً ناتوان را آموزش داده و به استخدام خود در می آورند.<sup>82</sup> به طور کلی سیاست های رایج دنیا در حوزه دفاع از حقوق معلولان به دو گروه تشویقی و

<sup>79</sup> - disability movement

<sup>80</sup> - عراقی، سیدعزت اله، حقوق کار(1)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، سمت، سال 1372، ص 283

<sup>81</sup> - تبصره 1 ماده 7 کلیه وزارتخانه ها و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی را مجاز می داند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را رأساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند. همچنین تبصره 3 این ماده سازمان بهزیستی را مجاز (و نه موظف) می داند تا در قالب اعتبارات مصوب خود صندوق فرصت های شغلی معلولان را دائر نماید.

<sup>82</sup> - علوی، سیدامین اله/رشید کابلی، مجید، اشتغال معلولین، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، 1381، ص 60.

تنبیهی تقسیم می شود. بیشتر سیاست های تنبیهی مبتنی بر جریمه های واریزی به صندوق های رفاهی - حمایتی معلولان است. به نظر می رسد در ایران، سازمان های حامی حقوق معلولان، علاقه ای به اجرای سیاست های تنبیهی ندارند. در حوزه سیاست های تشویقی رویکرد تمرکز بر علاقه مند کردن بخش خصوصی به استخدام معلولان - با پرداخت سهم بیمه کارفرمایی کارگران معلول توسط سازمان بهزیستی - مورد توجه قرار گرفته است.

ماده 7 لایحه حمایت از اشتغال معلولین که انتظار می رود پس از تصویب در هیأت دولت برای تصویب نهایی به مجلس ارسال شود مقرر می دارد؛ «خودداری مسؤلین از اجرای مفاد قوانین راجع به لزوم استخدام درصدی از معلولین تخلف اداری محسوب می شود و موجب برخورد قانونی خواهد شد». مؤسسات دولتی مشمول مکلفند بابت هر مورد تخلف از درصد مقرر، نیز ماهیانه مبلغی را به عنوان جریمه برای توسعه اشتغال به سازمان بهزیستی بپردازند. در ایران عدم وجود ضمانت های اجرایی لازم مانع تحقق سهمیه های مقرر شده است، به عنوان مثال وزارت آموزش و پرورش در آزمون استخدامی سال 1389 از اجرای سهمیه 3 درصدی امتناع ورزید که به استناد رای وحدت رویه شماره 25-24 مورخ 1391/1/28 محکوم گردیده است که تا زمان نگارش این مطلب پاسخی در خصوص اجرای دادنامه از طرف این وزارتخانه ارائه شده است.

#### 4-2- رفاه اجتماعی:

رفاه اجتماعی<sup>83</sup> تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی ها از اهداف آن است. پیش تر رفاه اجتماعی به مجموعه شرایطی اطلاق می شد که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح می شد.<sup>84</sup> با تنوع زندگی انسان ها در سال های اخیر «رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه ها و سیاست هایی است که مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می کنند تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد»<sup>85</sup> که این تعریف مقبولیت بیشتری دارد. این تعریف با بعد حقوقی الگوهای رفاه اجتماعی که شامل قوانین حمایتی از گروه های آسیب دیده و آسیب پذیر می باشد، قرابت بیشتری دارد. شاخص های رفاه اجتماعی در جوامع مبناهای متفاوتی دارند. در ایران شاخص هایی که برای رفاه

<sup>83</sup> - Social welfare

<sup>84</sup> - مارکارو، دیوید، رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد) ترجمه محمد تقی جغتالی و فریده همتی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، 1378، ص 10

<sup>85</sup> - زاهدی اصل، محمد، رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، 1381، ص 6

اجتماعی در نظر گرفته می شود عبارتند از: بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی و ... که در این قسمت بار رویکرد گزینشی به برخی از این شاخصه ها در ارتباط با وضعیت معلولین از منظر مقررات حقوقی می پردازیم.

#### 1-4-2- تأمین اجتماعی

برطبق بند اول ماده 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق برخورداری از سطح مناسب زندگی و رفاه اجتماعی را دارد، همچنین حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه گی، پیری یا تمام مواردی که به عللی خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود. ماده 11 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز داشتن سطح زندگی در خورشان خانواده را لازم می داند. کنوانسیون حقوق معلولان در ماده 28 تحت عنوان «استاندارد زیستی مناسب و تأمین اجتماعی»<sup>86</sup> با لحاظ جنبه های مختلف تأمین اجتماعی مبسوط ترین سند بین المللی در تأمین استاندارد زندگی معلولان می باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل 29، ضمن بر شمردن برخی از حقوق اجتماعی افراد، دولت را مکلف به ارائه این خدمات از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم می نماید. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ماده 5 به بیمه خدمات درمانی و بیمه مکمل درمانی معلولان به عنوان وظیفه سازمان بهزیستی توجه می نماید. بند «الف» ماده 3 این قانون، نیز به پرداخت یارانه های آموزشی و فرهنگی معلولان می پردازد. نحوه بازنشستگی معلولین در ماده واحده (مصوب 67/9/1) بیان شده است.<sup>87</sup> در ماده 72 قانون تأمین اجتماعی و ماده 31 قانون کار نحوه پرداخت مستمری از کارافتادگی و سایر مزایای قانونی آن تعیین شده است. ماده واحده تشکیل سازمان بهزیستی (مصوب 1359/4/25)، این سازمان را موظف به ارائه خدمات و امکانات پیشگیری و توانبخشی حرفه ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی می نماید.

با نگاه به مقررات مضمولی معلولان در ایران در بخش تأمین اجتماعی، خلأ قانونگذاری جامع و مناسب به خوبی قابل توجه است. حتی قانون جامع حمایت از معلولان نیز چندان جنبه های حقوقی تأمین اجتماعی معلولین را در بر نمی گیرد. اگر چه از ضمانت اجرای کافی نیز برخوردار نمی باشد. به عنوان مثال مستمری مقرر قانونی بر اساس دستورالعمل های سازمان بهزیستی از یک پنجم حداقل حقوق پایین تر است که ناقض تأمین حداقل زندگی شهروندان که در قوانین به آن اشاره شده می باشد. در مجموع مستمری معلولان در ایران بخش ناچیزی از هزینه خدمات عمومی دولت را در بر می گیرد در حالی که این مبلغ در

<sup>86</sup> - adequate Standard of living an social protection

کشوری توسعه یافته چون اسپانیا 25 درصد هزینه خدمات عمومی را در بر می گیرد به گونه ای که بسیاری از افراد سالم جهت برخورداری از آن خود را به تمارض می زنند.<sup>88</sup>

## 2-4-2- مسکن مناسب

از منظر حقوق بشر و حقوق اساسی، حق مسکن<sup>89</sup> یک حق اجتماعی و رفاهی می باشد. امروزه حق های رفاهی - اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار شده اند. در این معنا ممکن است فرد به تنهایی قادر به تأمین برخی از نیازهای خود مانند مسکن نباشد و لازم است تا جامعه به یاری فرد بشتابد.<sup>90</sup> ماده 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن مفروض دانستن این حق، تأمین شرایط لازم برای افراد جامعه در راستای تأمین مسکن مناسب را وظیفه دولت ها می داند. ماده 11 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به آن پرداخته است. اصل سی و یکم قانون اساسی ایران نیز بر لزوم توجه به این حق برای عموم تأکید دارد. لذا از بابت تبعیض مثبت از منظر تمهیدات ارفاقی افراد ناتوان، نیازمند یک سری حمایت ها و شرایط ویژه ای هستند که در مورد آنها باید به اجرا درآورده شود.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ماده 9 سازمان بهزیستی، وزارت مسکن، بانک ها و بنیاد مسکن را موظف به اقدامات مناسب جهت تأمین مسکن معلولان می نماید. این قانون به علت عدم ضمانت اجرای کافی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در مجموع می توان گفت نه تنها مجموعه مقررات داخلی بلکه اسناد بین المللی به «حق بر مسکن» معلولین توجه ننموده اند به گونه ای که در کنوانسیون حقوق اشخاص معلول که جامع ترین مقررۀ جهانی در حراست از حقوق معلولان می باشد این حق به فراموشی سپرده شده است.

## 3- حمایت های مدنی دولت

نخستین نسل حقوق بشر در واقع حقوق مدنی و سیاسی هستند که ریشه در ارزشهای لیبرالیسم کلاسیک دارند و قواعد مطروحه در این نسل از جمله حقوقی بوده اند که برای نخستین بار در نظام حقوق موضوعه به شکل حقوقی مورد شناسایی قرار

<sup>88</sup> - [http://www.Presstv.ir/detail\\_fa/275877.html](http://www.Presstv.ir/detail_fa/275877.html)

<sup>89</sup> - Right to housing

<sup>90</sup> - بهمنی قاجار، محمد علی، حق مسکن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 283، بهار 1390، ص 276



گرفته و از جایگاه حقوقی بر خوردارند.<sup>91</sup> کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال 1993 تصریح می دارد که کلیه حقوق بشر جهانی هستند و بدون استثناء این حقوق شامل اشخاص دارای معلولیت نیز می شوند.

معلولان از یک سو به دلیل انسان بودنشان موضوع تمامی اسناد عام و اسناد خاص حقوق بشری اعم از بین المللی و منطقه ای هستند و از سوی دیگر به دلیل مقتضیات خاص جسمی و ذهنی شان ممکن است نیازمند رفتارها و یا حمایت های ویژه ای باشند. باید توجه داشت که منطق حمایتی حاکم بر حقوق معلولان اقتضا دارد در صورتی که دامنه حق ها و آزادی های مقرر در سایر اسناد حقوق بشری از حق ها و آزادی های مقرر در کنواسیون حقوق معلولان و سایر اسناد داخلی و بین المللی بیشتر باشد، معلولان از حمایت گسترده تر مقرر در سایر اسناد بهره مند شوند.<sup>92</sup> این دسته از حقوق بشر اصالتاً در زمره حق های منفی<sup>93</sup> قلمداد می گردند که عدم مداخله دولت ها، ضرورت تحقق آنها می باشد، اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهت تحقق این حقوق نیاز به حضور دولت احساس می شود. در مورد معلولان تا حدود بیشتری می توان گفت که جنبه حمایتی و مداخله گر دولت جهت مهیا نمودن تحقق آنها ضروری به نظر می رسد و لذا باید از جنبه صرف حق منفی بودن به سمت حق مثبت<sup>94</sup> در حمایت از شخصیت معلولان گذار نمود. این حق ها، فهرستی نسبتاً طولانی دارند که در اعلامیه ها و اسناد حقوق بشری به تناسب بیان شده اند، اما در این نوشته با رویکردی گزینشی به برخی از این حق ها و ارتباط آن با وضعیت معلولین پرداخته می شود.

### 1-3-ار تقای نگاه انسانی کرامت محور:

یکی از ویژگیهای جامعه دین مدار، اخلاق اجتماعی «کرامت محور» است به گونه ای که می توان حفظ کرامت دیگران را اساسی ترین رکن در اخلاق اجتماعی انسان دین دار دانست. از منظر قرآن کریم کرامت انسان همزاد و همراه با خلقت جسمانی اوست یعنی نوع انسان «کریم» خلق شده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است حفظ و توسعه کرامت او در گرو ارتباطات جمعی و گروهی است.<sup>95</sup> محیط (اجتماعی، فرهنگی و ...) جامعه باید به گونه ای رشد یافته باشد تا نگرش های تحقیرآمیز تحقیرآمیز (و یا ترحم آمیز) به اقلیت ها (اعم از رنگین پوستان، زنان، معلولان و ...) نتواند حجاب حضور آنها در فضای عمومی جامعه شود. انگشت اشاره و نگاه ها، برچسپ ها، تمایز ها و نقص ها نباید بر شخصیت و کرامت ذاتی نوع انسان تأثیر بگذارد و حضور فعال آنها را در عرصه اجتماعی جامعه مخدوش نماید.

<sup>91</sup> - ذاکریان مهدی، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، نشر میزان، 1383، صص 220-219

<sup>92</sup> - قاری سید فاطمی، جلد دوم، همان، صص 399-398

<sup>93</sup> - Negative rights

<sup>94</sup> - positive rights

<sup>95</sup> - فاضلیان، سید محمد جواد، اخلاق اجتماعی کرامت محور، مجله بشارت، شماره 60، مرداد و شهریور 1386، صص 13

خیابان های شهر، پارک ها، سینماها، تئاتر و سایر اماکن عمومی بهترین گواه احترام به حقوق، شخصیت و کرامت کم توانان جسمی و ذهنی است. نیازی نیست به قوانین و مقررات یک کشور مراجعه کنیم تا دریابیم تا چه میزان جامعه ای و کشوری حرمت کم توانان جسمی و یا ذهنی خود را پاس می دارد، میزان حضور و یا عدم حضور معلولان در این مکان ها مؤید این مطلب است.<sup>96</sup>

در سطح شهرهای کشورهای توسعه یافته تعداد افراد دارای ناتوانی های جسمی و ذهنی نسبت به جامعه ما به مراتب بیشتر به چشم می خورند. تفاوت این کشورها با ما در این است که به دلیل امکانات رفاهی از یک سو و تغییر نگرش مردم از نگاه ترحم آمیز به رویکرد انسانی کرامت محور از منظر انسانی برابر، باعث شده که این افراد همانند سایرین ظهور و بروز اجتماعی نسبتاً عادی داشته باشند. در گذار از «نگاه ترحم محورانه» به «رویکرد حق مدارانه» تصویب «کنوانسیون مرتبط با حق های اشخاص دارای معلولیت» نقطه عطفی است در تاریخ تمدن انسانی. اجتناب از به کارگیری اصطلاح حقوقی «حمایت از...» گواه این گذر گفتمانی از «ترحم» به «حق» است. «نگاه بیمار مدارانه که حاصل آن «تلقی شیئیستی» از ناتوانان و کم توانان بود، جای خود را به «رویکرد شخص مدارانه» که نتیجه آن تلقی «شخصیتی» است داد.<sup>97</sup>

بعد از حق حیات و تعیین سرنوشت، مهم ترین حق انسان، کرامت و ارزش ذاتی اوست. در ایران به علت فقدان رویکرد مناسب انسانی کرامت محور در خصوص معلولان، تا حدودی این حق مغفول مانده است. قواعد و مقررات حمایتی از معلولان به احیای این حق چندان توجه ننموده اند، ضمن آنکه نگرش جامعه خود به خود به آن حد مطلوب از پذیرش این اقلیت، ارتقا نیافته است. ماده 12 قانون جامع حمایت از معلولان<sup>98</sup> 2 ساعت از برنامه های هفتگی سازمان صدا و سیما را به موضوع آشنایی مردم با توانمندی های معلولان اختصاص می دهد. با نگاه به این قانون در می یابیم که آن میزان وقت کم برای آشنایی مردم با توانمندی های معلولین و معرفی برنامه های سازمان بهزیستی ناچیز خواهد بود، به گونه ای که در میان حجم زیاد برنامه های رادیویی و تلویزیونی نمی تواند مخاطب قابل توجهی از جامعه را به خود معطوف نماید. نکته قابل توجه اینکه مقررۀ قانونی مذکور متعرض تبیین حق های معلولین و تکالیف جامعه و دولت در قبال آنها نمی شود و تنها معرفی توانمندی های آنها مد نظر قانونگذار است.

<sup>96</sup> - قاری سید فاطمی، حقوق بشر، جلد 2، صص 373-371

<sup>97</sup> - بنا بر گزارش سازمان ملل متحد بیش از ششصد میلیون نفر یعنی حدود 10% از جمعیت جهان گرفتار گونه ای از معلولیت و کم توانی جسمی و یا ذهنی هستند که دو سوم آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. حدود 98% کودکان دچار کم توانی جسمی و یا ذهنی در کشورهای در حال توسعه از دریافت هر گونه آموزش و پرورش و امکانات توانبخشی محروم هستند (نگ: قاری سید فاطمی، محمد، حقوق بشر، جلد 2، صص 372). با وجود این آمار زیاد، در فضای عمومی جامعه شاهد عکس این مطلب می باشیم چرا که در کشورهای در حال توسعه بستگان و پرستاران به علت نبود امکانات مناسب یا از سر شرم و گریز از ترحم های دیگران و یا به جهت رهایی از زحمت جا به جایی، معلولان را در خانه و یا مراکز نگهداری باقی می گذارند.

<sup>98</sup> - ماده 12 قانون جامع حمایت از معلولان: سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل دو ساعت از برنامه های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی های معلولین اختصاص دهد.

به علاوه نقش سایر رسانه های دیداری و شنیداری، مجلات، نشریات، کتاب های درسی و ... در سوی این اثر گذاری قابل ذکر می باشد. لذا بستر سازی اجتماعی و فرهنگی در جهت ارتقای نگرش های عمومی به این حق، نیاز به سازوکارهای قانونی شایسته و سیاست گذاری عمومی دولتی دارد که غفلت از آن، استمرار نگاه ترحم آمیز فارغ از کرامت را در پی دارد و همواره آنها و سرپرستانشان خجل از حضور در جامعه می باشند. عمده ترین ضعف سازوکارهای قانونی که سبب نادیده گرفتن این حق و سایر حق های معلولان شده می توان در «نگاه ترحم محورانه» و نه «رویکرد حق مدارانه» در این زمینه دانست که به تبع آن همواره عناوین مقررات قانونی را با واژه «حمایت» آغاز می کنند.

## 2-3- پاسداشت حریم خصوصی

انسان شناس آمریکایی ادوارد هال<sup>99</sup> در بحث «فواصل در انسان» چهار فاصله برای حریم انسان مشخص می کند که انتخاب آنها بستگی به کنش متقابل ارتباط افراد و واکنشگر، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می دهند، دارد؛ فاصله صمیمی<sup>100</sup>، فاصله شخصی<sup>101</sup> فاصله اجتماعی<sup>102</sup>، فاصله عمومی<sup>103</sup> و نوع فرهنگ ها، داده های حسی و شرایط محیطی، نقش تعیین کننده ای در سیستم درک فاصله دارد.<sup>104</sup> قدرت تمیز فرد از حریم شخصی را حدود سه یا چهار سالگی می دانند. حریم خصوصی یعنی اینکه یک فرد یا گروه (با لحاظ فواصل مفروض) بتواند خود و یا اطلاعاتش را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار سازد. از نقطه نظر حقوقی این اصطلاح به مفهوم حوزه ای خصوصی و تعرض ناپذیر از حیات فردی انسان است که در رابطه اشخاص با حکومت و روابط میان مردم مصون از تعرض است. در این مفهوم اصطلاح حریم خصوص معادل عبارت Privacy right با عبارت The right to Privacy در زبان انگلیسی می باشد.<sup>105</sup> حریم خصوصی به دو دسته مادی<sup>106</sup> و معنوی<sup>107</sup> تقسیم می شود. حریم

<sup>99</sup> - Edward hall

<sup>100</sup> - Intimate Space

<sup>101</sup> - Personal Space

<sup>102</sup> - Social Space

<sup>103</sup> - Public Space

<sup>104</sup> - پورجعفر، محمدرضا، درک انسان از فضای شخصی و اجتماعی (معرفی کتاب بعد پنهان، نوشته ادوارد هال)، کتاب ماه هنر، شماره 155، مرداد 1390، ص2

<sup>105</sup> - نمکدوست، حسین، اخلاق حرفه ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری، شماره 66، تابستان 1385، صص 202-203

<sup>106</sup> - Privacy materially

<sup>107</sup> - privacy spiritual

خصوصی مادی به مکانی<sup>108</sup> و جسمانی<sup>109</sup> تقسیم می شود. حریم خصوصی معنوی هم که وابسته و قائم به شخص است و همیشه همراه اوست و هیچ گونه استلزامی با حریم خصوصی مادی ندارد.

الگوهای مختلف حمایت از حریم خصوصی در مقررات جامع و یا موردی بین المللی<sup>110</sup> و قواعد حقوق کشورها<sup>111</sup> مورد توجه قرار گرفته است. قواعد حقوقی داخلی عناوین مختلف احترام و التزام به حراست از حریم خصوصی را مد نظر قرار داده است. مستندات آن عبارتند از: اصول 22 و 23 قانون اساسی، مواد 580 و 582 قانون مجازات اسلامی، ماده 24 آیین دادرسی کیفری، مواد 97، 98، 100، 133 و 139 قانون مدنی. قواعد حقوقی مذکور عموم جامعه را دربرمی گیرند که با لحاظ اصل تبعیض مثبت باید در خصوص معلولان، دست بالا اعمال شوند.

براساس بند 1 ماده 29 کنواسیون حقوق معلولین حیثیت، عقاید و باورداشتهای معلولان در پرتو مقررات حقوقی داخلی و بین المللی، همچون افراد عادی باید محترم شمرده شود. بند 2 این ماده با نگرش به حریم خصوصی پزشکی، حفاظت از اطلاعات فردی بهداشتی و بازتوانی افراد کم توان را به میزان برابر با سایرین، تکلیف دولت ها می داند. رعایت حریم خصوصی پزشکی معلولان به خصوص معلولین ذهنی حائز اهمیت است. در این حوزه مقررۀ مستقل حمایتی از معلولان وجود ندارد. به طور عمومی ماده 4 آیین نامه انتظامی پزشکی (مصوب 1348) به آن می پردازد که مواد 220 قانون مجازات عمومی سابق و 648 قانون مجازات اسلامی مجازات تعقیبی آن را معین می نماید. از نقطه نظر حفظ حریم خصوصی پزشکی در آمریکا نه در خصوص معلولین بلکه به طور عام قانونی تحت عنوان (HIPAA)<sup>112</sup> وضع شده است.

پیدایش و پیشرفت تکنولوژی ها و فناوری های نوین ضمن انکسار، تبدل و تغییر حریم های مرسوم، عرصه های جدیدی از تحدید و تهدید قلمروهای اشخاص را پدید آورده است. از طرف دیگر با رشد و توسعه مفاهیم حقوق بشری و آگاهی و آموزش شهروندان در برخورداری از این مفاهیم، انسان استعلایی معاصر را هوشمند نموده است. با چنین شناختی قلمرو جسمانی و معنوی انسان ها به هنگام تعرض باعث عکس العمل می شود در حالی که به علت عدم قدرت تشخیص و تمیز در حدود و تهدید این حوزه

<sup>108</sup> - Territorial privacy

<sup>109</sup> - bodily privacy

<sup>110</sup> - قرآن کریم، آیات 27 و 28 سوره نور، ماده 12 اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 17 میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده 18 اعلامیه اسلامی حقوق بشر - <sup>111</sup> به لحاظ شکلی تقریباً بخش حقوق ملت کلیه قوانین اساسی کشورها از جمله؛ اصل 4 قانون اساسی الجزایر اصل 22 قانون اساسی تاجیکستان، اصول 19، 22 و 23 قانون اساسی مشروطیت (مصوب 1325 هـ.ق)، اصل 18 قانون اساسی اسپانیا و...

<sup>112</sup> - Health Insuraco Portability and Accountability ACT9

ها قادر به واکنش و دفاع از خود نمی باشند. لذا در راستای حراست از حقوق معلولین، ضرورت قواعدگذاری خاص در عرصه های بین المللی و داخلی کشورها، اجتناب ناپذیر است.

### 3-3- حق برخورداری از دادرسی منصفانه:

یکی از حقوق مهم افراد در جامعه، برخورداری از نظام دادرسی منصفانه و عادلانه است. دادرسی منصفانه<sup>113</sup> مجموعه ای از اصول و قواعدی است که در کنار یکدیگر قرار می گیرند و ترکیب این موارد دادرسی منصفانه را تشکیل می دهد. حق بر دادرسی منصفانه یک بحث حقوق بشری است که به مبانی اخلاقی (برخلاف اصول دادرسی عادلانه که صرفاً بر مبنای حقوق تکیه می کند) توجه دارد.<sup>114</sup> از جمله عناصر وارکان اصول دادرسی منصفانه برابری اشخاص نزد نهاد قضایی، برابری دسترسی به نهادهای قضایی و حق برخورداری از وکیل است. مواد 9، 10 و 11 اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد 14 و 15 میثاق حقوق مدنی و سیاسی مواردی از اصول دادرسی منصفانه را بیان می نماید. ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>115</sup> مجموعه ای از تضمینات مربوط به آیین دادرسی منصفانه را که برای طرفین دعوا (مثل حق برخورداری از مترجم) در نظر گرفته است، مورد اشاره قرار می دهد.<sup>116</sup>

بدیهی است، تحقق بسیاری از اصول دادرسی در خصوص معلولان نیازمند حمایت و مداخله بیشتر دولت ها می باشد. بند 2 ماده 13 کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت به منظور کمک به دسترسی ثمربخش افراد کم توان به محاکم، دولت های عضو را موظف به ارائه آموزش های لازم برای کارکنان حوزه های قضایی می داند. ماده 13 قانون جامع حمایت از معلولان، سازمان بهزیستی را موظف به ایجاد سازوکار مناسب نسبت به قیمومیت معلولان، تعیین وکیل در محاکم و حتی طرح دعوا می نماید. دادگاه ها نیز مکلفند در نصب و عزل قیم، صرفاً از طریق این سازمان اقدام و مبادرت به صدور حکم نمایند. چنانچه پیش تر بیان شد، وظیفه دولت در زمینه حمایت از حقوق معلولین همان برابری فرصت هاست (که به فراخور با تمهیدات ترمیمی یا ارفاقی و یا تدابیر ضد تبعیض به آن دست می یابد). ماده قانونی مذکور دادگاه ها را موظف به نصب قیم از طریق سازمان بهزیستی می داند در حالی که به نظر می آید که قصد قانونگذار کسب اطلاع در جهت نصب قیم از طریق این سازمان بوده است، چرا که ماده 3 آیین نامه اجرایی مشترک بین وزارت دادگستری و سازمان بهزیستی اشعار می دارد: «مراقبت، نگهداری و توانمندسازی معلولان و

<sup>113</sup> - The right to a fair Trial

<sup>114</sup> - بهمنی قاجار، محمد علی، دادرسی عادلانه بر پایه قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 239 و 240، مرداد و شهریور 1386، صص 134-135

<sup>115</sup> - European Convention on Human Rights (ECHR)

<sup>116</sup> - یآوری، اسدالله، حق برخورداری از آیین دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، تابستان 1383-صص 257

همچنین نمایندگی قانونی آنها در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی تا زمان نصب قیّم توسط دادگاه با سازمان بهزیستی کشور خواهد بود».

قانون مدنی در مواد 1207 تا 1217 مواردی را در باب حقوق اشخاص محجور بیان می کند. اگر بخواهیم معلولین را جزء اشخاص محجور بدانیم فقط معلولین ذهنی و بیماران روانی و سالمندان را می توان مشمول این قانون دانست. در حقوق، معلول گاهی مجنون قلمداد می شود درحالی که عکس آن به طور کامل صادق است یعنی کلیه مجنون ها (دائم و ادواری) معلول قلمداد می شوند. با این توصیف روشن می شود که قانون، مجنون را حمایت می کند نه معلول را. اگر چه گاهی این حمایت نسبت به معلولان هم پوشانی دارد. در مجموعه مقررات قضایی داخلی، قواعد حمایتی از معلولان نیز به چشم نمی خورد. شایسته است که در جهت تحقق اصول دادرسی منصفانه مبتنی بر اخلاق، با توجه به شرایط خاص معلولین در مراحل سه گانه (قبل دادرسی، حین دادرسی و بعد از دادرسی) قوانین و مقررات متفاوت حمایتی و تضمینی وضع شود. و اصول دادرسی افتراقی که موید منصفانه بودن فرآیند دادرسی با نگرش تبعیضی مثبت می باشد اعمال گردد. شیوه احضار و ابلاغ اوراق قضایی، وجود وکیل و مترجم در دادگاه، مکان مناسب حین محاکمه و... نکات قابل توجه می باشند. در مرحله پایانی فرآیند دادرسی لزوم افتراقی شدن اجرای حکم به عنوان مهم ترین مرحله ضروری است. همچون کودکان که به جای زندان به کانون های اصلاح مخصوص به خود، انتقال می یابند تا محلی با شرایط خاص جهت مجازات در نظر گرفته شود. بایسته است که با توجه به همگن بودن شرایط کودکان، محجوران و معلولان، وحدت آیین دادرسی منصفانه در مورد آنها لحاظ شود و مقررات حقوقی منسجم برای این سه گروه تدوین گردد.

## برآمد

از مجموع آن چه در این نوشتار آمد، نتایج و راهکارهای اجرایی زیر مستفاد است:

1- تعریف حقوقی هر موضوعی باید به گونه ای ارائه شود که بتواند جامعیت مسائل را دربرآورد، قانون گذاری را در مسیر صحیح خود قرار دهد و نگرش مثبت علمی و منطقی را در جامعه نسبت به موضوع بوجود آورد. از این رو مفاهیم و کلید واژه های اصلی مربوط به وضعیت معلولان در ایران باید با نگاه درخور، دقیق و مبتنی بر کرامت انسانی بازتعریف گردد، تا پرداختن به آن در حقوق موضوعه از جامعیت لازم حق مدارانه ماهوی و شکلی برخوردار شود.

2- با لحاظ حق ها و تضمینات ماهوی و رویه ای اسناد حقوق بشری، وضعیت موجود در حقوق موضوعه ایران نمی تواند زمینه برابری فرصت ها را برای معلولین فراهم نماید و تا رسیدن به وضعیت موصوف در این اسناد، فاصله زیادی دارد. قوانین و مقررات تکلیفی دولت در دو حوزه مدنی و رفاهی، در زمینه های مختلف توانبخشی، آموزشی، اشتغال، تامین اجتماعی و... به دلیل فراگیر نبودن و هزینه های بالا و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و عدم وجود نظارت، ارزشیابی، کنترل و ضمانت اجرایی کافی نتوانسته شرایط برابر و منصفانه ای را برای زندگی و مشارکت این قشر از جامعه فراهم آورد.

3- دولت باید با حمایت و تامین حداقل نیازهای زندگی معلولین در جامعه زمینه تحقق عدالت و برابری اجتماعی را فراهم آورد. در ایران با توجه به محدودیت منابع مالی و ضعف ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و حقوقی جامعه، این مهم مورد توجه جدی قرار نگرفته و مشکلات عدیده معلولین لاینحل باقی مانده است، تامین حداقل های زندگی برای آنها دشوار می نماید.

4- بررسی وضعیت معلولین از جنبه های مختلف در ایران حاکی از وجود نابرابری های زیادی در برخورداری از شرایط زندگی مطلوب معلولان می باشد و نشان دهنده عدم کفایت قوانین و مقررات با رویکرد حق مدارانه در حمایت از معلولین است و این شرایط با اصل عدالت و انصاف که همه افراد جامعه را در برخورداری از حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برابر می داند، سازگار نیست. لازم است تدابیری جامع و فراگیر اندیشیده شود تا گذر از نگاه ترحم آمیز به رویکرد انسانی کرامت محور و از منظر انسانی برابر اتفاق افتد و بتوان شاهد تحقق ظهور و بروز اجتماعی و حقوقی شایسته معلولان در جامعه بود.

# منشور حقوق معلولان

توصیه‌های امام علی علیه السلام به مالک اشتر

علی نوری



انتشارات توابندان  
Tavanmandan Publications



# منشور حقوق معلولان

توصیه‌های امام علی (ع) به مالک اشتر

به اهتمام:

علی نوری



انتشارات توانمندان  
Tavanmandan Publications



## فهرست

۷	.....	طلیعه
۱۱	.....	آغاز
۱۲	.....	حقوق الهی و هویت اجتماعی
۱۶	.....	حقوق مددجویان و وظایف حاکمیت
۳۴	.....	ضرورت گسترش این منشور
۳۵	.....	تقنین بر اساس سخنان امام علی (ع)
۳۷	.....	متن عهدنامه
۴۰	.....	مآخذ

## طلیعه

متون اسلامی شامل قرآن کریم و تفاسیر آن؛ سیره نبوی و سیره ائمه اطهار علیهم السلام و کتب فقهی، حقوقی، کلامی، تاریخی و ادبی شامل قطعه‌ها و نکته‌های زیبا و جذاب درباره حقوق معلولان است. اسلام به مثابه انسان به معلولین می‌نگرد. هیچ‌گاه به تحقیر آنان نمی‌پردازد بلکه مردم را ترغیب می‌کند، رفتار انسانی با معلولین داشته باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله، نابینایی را به هنگام سفر به عنوان قائم مقام خودش در مدینه منصوب کرد. آن هم بیست و دو مرتبه. قرآن کریم در معرفی انبیاپی مانند حضرت یعقوب، حضرت ایوب، حضرت اسحاق و حضرت شعیب که سال‌هایی از عمرشان به نوعی به معلولیت جسمی دچار بودند، هیچ‌گاه آنان را کوچک نشمرده بلکه از فضایل، محاسن اخلاقی، کارایی اجتماعی و موفقیت‌های آنان می‌گوید. در واقع الگوهای موفق برای معلولان از انبیاء مطرح کرده است. نیز در سوره عَبَسَ، روی برگرداندن یکی از مشاهیر قریش از نابینایی را به شدت نکوهش کرده و از نابینا دفاع جانانه‌ای می‌نماید.

وقت آن رسیده که ادبیات و فرهنگ اسلامی از منظر معلولان بازخوانی شود و مردم و مسئولین، معلولان را از طریق متون اسلامی بشناسند و در رفتار و دیدگاه‌های خود بعضاً تجدیدنظر نمایند.

این مجموعه شامل قسمتی از فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر و مشتمل بر اهمّ حقوق مددجویان است. البته این حقوق دو وجهی است: یک رویه آن به مددجویان صاحب حق، اشاره دارد و دیگر رویه آن مدیریت جامعه و حاکمیت به عنوان مجری حقوق است. از این رو مخاطب امام از یک سو معلولین و از دیگر سو حاکمان و در آن زمان مالک اشتر به عنوان استاندار مصر است. البته آموزه‌های دینی، قابلیت تعمیم دارد و در همه دوره‌های زمانی و جوامع انسانی قابل اجرا و انطباق است.

حضرت علی علیه السلام به عنوان شخصیت مؤثر در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله، به ویژه در دوره مدینه و استقرار دولت نبوی، سپس در مقام راهنما و مشاور در دوره پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بالاخره به عنوان رهبر در دوره حکومت علوی، تجارب مهم به دست آمده را در عهدنامه مالک اشتر آورده است. حضرت چون جامعه شناسی آب‌دیده در کوران حوادث؛ بسان یک کارشناس خبره در امور معلولین و همچون یک حقوق‌دان مجرب، خاستگاه‌های مددجویان را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیان کرده و مجموعه جامع و کارآمد حقوقی تدوین نموده است. این مجموعه قوانین شامل سی بند است و در مقایسه با قانون‌های مترقی کنونی جهان، پیشرفته‌تر می‌باشد.

متأسفانه جامعه، نهادهای مردمی و دولتی به ویژه مدیران دولتی مرتبط با معلولان کمتر با متون دینی آشنایی دارند. از این رو این کتاب در «دفتر فرهنگ معلولین» تدوین و به توصیه و پیشنهاد معاون فرهنگی سازمان بهزیستی کشور آقای سید محمدی برای چاپ و نشر برای ریاست سازمان ارسال گردید. اما متأسفانه بعد از هشت ماه گذشته شد امکانات مالی برای نشر این اثر نداریم.

لازم به تذکار است که در کارنامه سازمان بهزیستی تألیفات انگشت شماری با موضوع دینی می‌یابیم، و همین نکته یکی از علل ناکارآمدی سازمان در بخش فرهنگ است. زیرا بین جامعه هدف به دلیل مسلمان بودن و اقدامات متولی

امور آنها گسست و فاصله عمیقی وجود دارد. وقتی سازمان موفق خواهد شد که دغدغه‌ها و باورهای جامعه هدف را محترم شمرده و بر اساس نیازهای جامعه تلاش کند. سازمان بهزیستی در زمینه توانبخشی جسمی فعالیت‌های خوبی انجام می‌دهد ولی در زمینه توانبخشی معنوی و فرهنگی بسیار ضعف دارد. کتاب حاضر بر مبنای منابع دست اول تدوین شده و درصدد است حقوق معلولان را از نگاه حضرت علی علیه السلام تبیین نماید. انتظار هست نخبگان با نقدها و راهنمایی‌های خود بر غنا و استحکام این اثر بیفزایند.

علی نوری

## آغاز

بخشی از عهدنامه مالک اشتر (به نام فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر؛ میثاق امام و مالک هم معروف است) به معلولین اختصاص دارد. فارغ از جنبه‌های ادبی و فصاحت و بلاغت آن، از متون مهم حقوقی است که به تبیین حقوق اساسی و قواعد حاکم بر روابط مردم و حاکمیت می‌پردازد. امام وظایف متقابل و دو سویه حاکمیت و هر یک از گروه‌های اجتماعی از جمله معلولین را توضیح می‌دهد.

علی بن ابیطالب(ع) به دلیل دیدگاه‌های عالمانه‌اش نه فقط بین شیعیان، بلکه بین همه مذاهب اسلامی و نه فقط بین مسلمانان، بلکه بین همه ملل مثل یهودیان و مسیحیان هم به عنوان اسوه عدالت، مظهر انسانیت، مقتدای محاسن اخلاقی و کرامت انسانی و انسان‌شناسی آگاه به علل موفقیت، مشهور است. وقتی مردم با او به عنوان رهبر بیعت کردند و با رأی مردم بر منصب خلافت تکیه زد، شیوه و رفتار معدلت آمیز و ضد تبعیض پیشه کرد، و در سال‌های حکومت علوی، به رغم موانع و مشکلات قاسطین، مارقین و ناکثین جامعه اسلامی به درجه‌ای از ترقی و عدالت رسید که تاریخ هیچ مانندی برای او سراغ ندارد.

حضرت انسان‌های شایسته‌ای را بر استان‌ها گمارد؛ از جمله مالک اشتر را فرمان داد تا استاندار مصر شود. اما تعیین مسئولین را به شیوه مشروط انجام می‌داد و می‌فرمود باید در چارچوب ضوابط و قوانین فعالیت کنی و از خودرایی و استبداد و خودکامگی پرهیزی.

وظایف مالک را بند به بند نوشت و آیین‌نامه‌ای دقیق و جامع به دست او داد. وظایف مالک نسبت به همه طبقات و قشرها را معین کرد؛ از جمله به

معلولین هم پرداخت و حقوق آنان را چون حقوق دانی مجرب و نظریه پرداز تبیین کرده است.

از این رو نهج البلاغه چون دیگر متون اسلامی دارای مضامین و آموزه‌های انسانی بسیار به ویژه درباره افراد دارای معلولیت است. متأسفانه این میراث عظیم به جهان معرفی نشده و نخبگان دیگر ادیان و ملل کمتر از این متون اطلاع دارند. از این رو درصدد برآمدیم با انتشار بخش معلولیتی این عهدنامه، زمینه‌ای فراهم گردد تا آحاد مردم عزیز بیش از پیش، دل به این میراث بسپارند. در ادامه، با ترجمه به زبان‌های زنده جهان، علاقه‌مندان را جذب آموزه‌های الهی مندرج در این میراث کنیم.

### حقوق الهی و هویت اجتماعی

حضرت برای مددجویان حقوق خاصی قائل است، البته می‌فرماید این حقوق منتسب به خداوند است: و احفظ لله ما استحفظک من حقه فیهم؛ یعنی به خاطر خدا، پاسدار حقوقی باش که خداوند برای مددجویان تعیین کرده؛ نیز از تو خواسته حافظ این حقوق باشی.

حضرت در این جمله به چند نکته کلیدی اشاره می‌فرماید:

۱- حافظ حقوق معلولین باش (احفظ). دولت اسلامی و متولی جامعه اسلامی مشمول دستور و فرمان حضرت و موظف به حراست و نگاهبانی از حقوق آنان است.

۲- این حق و حقوق تعلق به خداوند دارد و خدا این حقوق را به مددجویان داده است (من حقه فیهم). از طرف دیگر مددجویان صاحب حق از دولت خواهان حفاظت از حقوق‌شان هستند (استحفظک). سهم مددجویان از بیت‌المال، حقی است که در اصل متعلق به خداوند است؛ چون خداوند مالک همه ثروت‌ها است؛ ولی خداوند این حق را به معلولین واگذار کرده؛ نیز متولی



جامعه موظف حفاظت یعنی تأمین این خواسته معلولین است. بنابراین حضرت برای معلولین، نوعی حقوق الهی قائل است که به عنوان حق الناس برای آنان معین شده است. این دیدگاه اگر به حقوق فطری تعبیر شود، اشکالی ندارد؛ زیرا به موجب آیه فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره رم آیه ۳۰) گویای الهی بودن فطرت انسان است.

۳- خداوند از متولی جامعه (دولت) درخواست حفاظت این حقوق را کرده است (استحفظک). بنابراین متولی جامعه، تنها مقامی است که رسماً از طرف خداوند برای پاسداری و حفاظت از حقوق معلولین انتخاب و تعیین شده است. اکنون بر اساس قوانین ایران این وظیفه به هیئت دولت و سازمان بهزیستی سپرده شده است.

۴- حضرت کلمه «لله» را استفاده کرده است. یعنی حافظ حقوق معلولین باید با انگیزه خدایی و اخلاقی به اجرای این وظیفه اقدام کند. تأمین حقوق مددجویان نباید از سر سود مادی، منافع دنیوی، برای پُست و مقام و امثال این‌ها باشد، بلکه صرفاً از سر انجام وظایف معنوی است. از اینرو کسانی که با انگیزه‌های غیر الهی در زمینه حقوق معلولین فعالیت دارند، عمل‌شان مقبول نیست.

حضرت علی(ع) پس از توضیح درباره ضرورت تقوا و عدالت حاکم، راه‌های موفقیت، قواعد و قوانین جنگ و لزوم صلح، به کار گرفتن افراد متقی و صلاحیت‌دار، پرهیز از عیب‌جویی مردم و لزوم گذشت و تساهل به تقسیم جامعه به دو طبقه حاکمان و مردم و مردم را به هفت طبقه زیر تقسیم می‌نماید:

- نظامی‌ها و سربازان

- نویسندگان عمومی و منشیان خصوصی (دیوانیان)

- قاضیان

- کارگزاران دولتی

- اهل ذمه و پیروان دیگر ادیان

-بازرگانان و صنعت پیشگان

- طبقه آسیب‌پذیر و افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی

حضرت می‌فرماید این هفت طبقه حق و حقوقی دارند که در قرآن و سنت نبوی بیان شده است و متولی و حاکم مسئول اجرای حقوق این طبقات است. اما به نظر امام این طبقات تغییرپذیر و قابل جابجایی می‌باشند. بر خلاف نظام پادشاهی در ایران باستان و روم باستان که افراد هر طبقه نمی‌توانستند به طبقه دیگر راه پیدا کنند و مادام‌العمر و به صورت جبری در طبقه خودشان می‌ماندند. حضرت می‌فرماید افراد آزاد هستند از طبقه‌ای به طبقه دیگر بروند. حتی قشر آسیب‌پذیر می‌توانند با تلاش و کوشش به طبقه عالی و رهبری جامعه راه پیدا کنند. افراد آسیب‌پذیر با رسیدگی به امور آن‌ها ارتقاء یافته و می‌توانند صاحب شغل و رفاه شده و زندگی آبرومندی داشته و به مقامات و پست‌های مدیریتی کلان برسند.

حضرت وضعیت و حقوق هر یک از طبقات را توضیح می‌دهد تا به طبقه آسیب‌پذیر می‌رسد. سپس مثل یک جامعه‌شناس تحلیل‌گر، ویژگی‌های جامعه مددجویان را این‌گونه معرفی کرده است:

اللّٰهُ اللّٰهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَىٰ مِنَ الدِّينِ لِاحْيَاةِ لِهَمِّ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمَحْتَاغِينَ وَ اهل البؤسىٰ وَ الزمْنىٰ 'فَانَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مَعْتَرًا.

به تو هشدار می‌دهم در مورد جامعه‌ای که مشکلات روزگار آنان را فرودست نموده است. اینان شامل چهار گروه فاقد نیروی حرکتی (معلول حرکتی یا زَمْنى)، پریشان خاطر (معلول ذهنی یا بؤسى)، افراد دارای احتیاجات خاص به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی (محتاجین) و بالاخره افراد نابینای دارای سکون و فاقد حرکت و تحرک کافی (مساکین) می‌باشند.

در دوره جدید هم معلولین را به چهار گروه اصلی، معلولین حرکتی، معلولین ذهنی، ناشنویان و نابینایان تقسیم می‌کنند. حضرت هم از چهار گروه با الفاظ مستعمل و متداول در فرهنگ آن دوره یاد کرده و به این نکات می‌پردازد:

۱- چون درصدد، سخن گفتن از موضوع مهمی است. از این رو سخن خود را با الله الله شروع می‌کند. این اصطلاح در موردی به کار می‌رود که گوینده و سخنران درصدد بیان مطلب مهم همراه با هشدار است.

۲- مددجویان را طبقه یا گروه اجتماعی خرد یا جامعه فرودست معرفی می‌کند که ذاتاً سافل و فرودست نیستند بلکه روزگار و وضعیت موجود آنان را فرودست نموده است. به طوری که مشکلات روزگار آن چنان آنان را تحت فشار قرار داده که چاره‌ای جز تن دادن به وضعیت موجود ندارند. (الطبقه السفلی من الذین لاحیلة لهم).

حضرت درصدد بیان واقعیت‌های اجتماعی بوده و نخواستہ با سخنان غیر واقعی و مدح‌آمیز، اطلاعات غیرواقعی بدهد و مردم را فریب دهد. از این رو به روش مدح، آنان را بهترین و بالاترین گروه جامعه معرفی نکرده است. برعکس اطلاعات درست و حقیقی به آن‌ها داده و مرتبه اجتماعی‌شان را برایشان تبیین کرده است.

البته آنان فکر می‌کنند باید این وضعیت را جبراً بپذیرند و هیچ راهی غیر از تن دادن جبری به این وضعیت را ندارند. اما حضرت با عبارت الذین لا حيلة لهم، می‌خواهد به معلولین بفهماند، این فکر شما است که بی چاره هستید و راه کار ندارید. چون فعلی مثل فکروا در تقدیر است و اصل جمله «الذین فکروا لا حيلة لهم» بوده است. در حالی که شما سرمایه عظیمی مثل حقوق الهی دارید و با این سرمایه می‌توانید به مدارج عالی برسید.

۳- از نظر امام این جامعه شامل چهار گروه است: مساکین (کسانی که به دلیل فقدان حس بینایی، سکون داشته و مستقلاً نمی‌توانند حرکت کنند)؛ محتاجین (کسانی که به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی نیازمند رابط و مترجم‌اند تا خواسته‌های آنان را به مخاطبان تفهیم کند)؛ اهل البؤسی (کسانی که فکر و خاطر معیوب داشته و به نام معلول ذهنی مشهوراند)؛ و

بالاخره زَمَنی' (افرادی که به دلیل ضایعات نخاعی یا فلج اعضاء و جوارح زمین گیر بوده و اکنون به نام معلول حرکتی شناخته می شوند).

۴- پس از تقسیم بندی جامعه معلولین به لحاظ نوع معلولیت و دسته بندی معلولین به چهار گروه، از نظر اخلاقی و جامعه شناسی آنان را به دو گروه قانع و معتر تقسیم می کند. و می فرماید عده ای از معلولین قناعت پیشه اند و در محدوده دارایی ها و داشته های خود زندگی می کنند. به عبارت دیگر تمشیت امور و مدیریت زندگی خود را عاقلانه و بدون زیاده روی و افراط و تفریط اجرا می نمایند. گروه دیگر اعترار دارند و معتر هستند. یعنی با افراط در خوراک، پوشاک و دیگر نیازمندی ها، به فقر افتاده و فقیر شده اند. اینان در نهایت مجبور می شوند به گدایی و تکدی گری بپردازند. حضرت به درستی به ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه توجه دارد و تحولات را مثل یک جامعه شناس تحلیل می کند. سپس بسان یک حقوق دان به تحلیل حقوق مددجویان می پردازد.

### حقوق مددجویان و وظایف حاکمیت

حضرت پس از معرفی جامعه معلولین و تقسیمات آن، به حقوق آنان و مشروعیت و اثبات این حقوق می پردازد و در مجموع سی ماده حقوقی برای معلولین بر می شمارد. با شمردن و تجزیه و تحلیل این حقوق درصدد آگاه کردن معلولان نسبت به حقوق شان و وادار کردن استانداردها مالک اشتر برای این حقوق است. اکنون به بررسی این حقوق می پردازیم:

#### ۱- تعیین حقوق مالی مشخص برای معلولین

و اجعل لهم قسماً من بیت مالک. بخشی از بیت المال را برای آنان قرار بده.

حضرت اولین حق معلولین را اقتصادی و تعیین مقرری رسمی از بیت المال می داند. چون مهم ترین مشکل یک معلول و اولین دغدغه او طعام و تأمین لباس و

پوشاک و دیگر ضروریات زندگی است. از این رو باید مبلغی به مددجویان به طور منظم پرداخت شود. اگر مددجویان دغدغه‌های اولیه نداشته باشند، به دلیل خلاقیت و ابتکاری که در ذات آن‌ها هست، می‌توانند مشارکت خلاقانه اجتماعی داشته باشند.

### ۲- تأمین خوراک معلولین

و اجعل قسماً من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد. بخشی از غله‌ها (گندم و جو و برنج) از سرزمین‌های خالصه و غنیمتی مسلمانان در همه جهان اسلام را به معلولین اختصاص بده.

صوافی یعنی خالص‌ها، زمین صوافی یعنی زمین‌های خالص پادشاه و دربار اما غلات صوافی الاسلام یعنی غلاتی که از زمین‌های خالصه فتح شده به روش صلح به حکومت واصل می‌شود. امام می‌فرماید قسمتی از این غلات به مددجویان تعلق دارد.

### ۳- ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

فَأَنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى، تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن‌ها مثل نزدیک‌ترین آن‌ها است. هر آنچه به آنان تعلق می‌گیرد و حقوقی که به آنان می‌خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیرخودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

### ۴- رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

وَكُلًّا قَدْ اسْتَرَعَيْتَ حَقَّهُ. حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را مطالبه کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت کل و تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق

دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند. بلکه فرمود کل و همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوقشان مراعات گردد.

#### ۵- ممنوعیت غفلت از مددجویان

فلا یشغلنک عنهم بَطْر. رفاه و خوشی موجب غفلت از معلولین نشود. به نظر بعضی جامعه شناسان، جوامع در حال پیشرفت، توسعه و رفاه اجتماعی، گاه موجب فراموشی اقشار آسیب پذیر می شود. از این رو تأکید می کنند، حقوق اولیه این قشرها اقتضا می کند دولت به آنها توجه نماید و مانع نابودی آنان زیر چرخ های توسعه شود. برخی متون به جای بَطْر، نظر دارد. یعنی هیچ فکری تو را از رسیدگی به آنان مشغول نکند.

۶- ممنوعیت تضييع حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت دار  
فَإِنَّكَ لَا تُعَدُّرُ بِتَضْيِيعِ الصَّغِيرِ لِاحْكَامِ الْكَثِيرِ الْمَهْمِّ. انجام کارهای زیاد و مهم عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی تواند باشد.

مدیران نپرداختن به امور مددجویان متعلق به اقشار پایین جامعه را این گونه توجیه می کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم عذرآور نمی باشد و از مسئولیت استاندار برای رسیدگی به امور مددجویان دون پایه نمی گاهد. زیرا موجب تضييع حق آنان و کرامت انسان های مددخواه و نیازمند مساعدت می گردد. حضرت نمی فرماید تضييع مال یا تضييع آبرو یا تضييع زندگی آنها می شود؛ بلکه می فرماید «تضييع الصَّغِيرِ» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می دهند. برخی از نسخه های چاپی مثل نهج البلاغه صبحی صالح اینگونه آمده است:

فانك لا تعدُّ بتضييق التافة، و معنای آن اینگونه می‌شود همانا مجاز نیستی با تحقیر خود را ضایع کنی. یعنی حضرت پیش از این به مالک اشتر درباره غرور و تکبر هشدار داد و الآن درباره خود کوچک بینی و حقارت پیشگی، هشدار می‌دهد. حاکمی بیش از حد خودش را کوچک می‌نماید، ابهت خود را از دست می‌دهد. در نتیجه افراد فرصت طلب از این وضع سوء استفاده می‌کنند. از این رو در چنین جامعه‌ای حقوق معلولین تضییع می‌گردد.

ادامه سخن حضرت که فرمود: لأحكام الكثیر المہم را می‌توان اینگونه تفسیر نمود: حاکم برای تحکیم جایگاه خود در جامعه باید کارهای مهم بسیار انجام دهد. با اجرای طرح‌های مهم و ابتکاری مردم به استواری، اقتدار و استحکام قدرت حاکم پی برده و او را شایسته این مقام می‌دانند. معلولین در اینگونه جامعه می‌توانند به نیازها و حقوق خود برسند.

#### ۷- همت و اهتمام به امور آنان

فلا تُشخِصْ همَّك عنهم. اهتمام خود را از آنان دریغ مکن. رسیدگی متولیان جامعه به وضع زندگی معلولین و اهتمام به امور آنان از دیگر حقوق اجتماعی معلولین است. مسئولین به دلائل گوناگون ممکن است، اهتمام خود را از معلولین دریغ کنند. از جمله با این توجیه که طرح حقوق آنان موجب توقع و بالا رفتن سطح مطالبات آنان شود، به امور آنان همت نمایند. امام به طور کلی از هر گونه همت نکردن در جهت امور آنان را نهی کرده است.

#### ۸- عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولین و تعامل انسانی با آنان

و لا تُصعِّرْ خدك لهم. به معلولین فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان.

یکی از حقوق معلولین این است که جامعه، به ویژه مسئولین رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با آنان با کبر و نخوت برخورد نمایند.

گویا حضرت این سخنش را از قرآن کریم اقتباس کرده است. در سوره لقمان از وصایا و توصیه‌های لقمان به پسرش، این است: لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ مَرْحاً ان الله لا يحب كل مختار فخور (آیه ۱۸ سوره لقمان). چهره از مردم بر مگردان و در زمین خرامان راه نرو، همانا خداوند انسان‌های خودپسند و متکبر را دوست نمی‌دارد.

قرآن کریم می‌فرماید هنگامی که نابینایی آمد، کسی با چهره عبوس روی برگرداند (عبس و تولى ان جاءه الاعمى، سوره عبس، آیات ۱ و ۲) در ادامه این رفتار را به شدت مذمت کرده است. در منطق قرآنی و در فرهنگ الهی، نابینا و کلاً معلولین کرامت دارند و کسی حق ندارد از آن‌ها رو برگرداند.

#### ۹- ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

و تواضع لله یرفعك الله. به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد. حضرت تواضع حاکم را با بزرگی او در ارتباط قرار داده است. حاکمی که نسبت به مردم و مددجویان تواضع داشته باشد، مقام رفیع و مقبولیت گسترده پیدا خواهد کرد. بر عکس حاکمی که تکبر داشته و نسبت به مردم متکبر و مستبد باشد، جلال و شکوه هم پیدا نمی‌کند. در حدیث معروف آمده: من استبد برأیه هلك یعنی کسی که مستبد و خودرأی باشد و به افکار عمومی احترام نگذارد نابود می‌شود. زیرا اقتدار و قدرت واقعی در جامعه است، حاکم با نزدیک شدن به جامعه و احترام به اقشار اجتماعی، از قدرت و اقتدار لایزال مردمی بهره‌مند می‌گردد، مردم هم به او یاری رسانده و در دل‌های مردم نفوذ یافته و مردم با همه وجود در سختی‌ها و بحران‌ها یاور او خواهند بود. بنابراین وظیفه دو طرف حاکمیت و مددجویان در این قطعه از سخن حضرت این است که حاکم متواضع باشد نه به صورت ظاهری و برای فریب مردم بلکه واقعاً و از سر عشق و اخلاص به مردم؛ مددجویان هم در رفعت حاکم نقش‌آفرین باشند.

۱۰- امکانات و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن



و أُخْفِصُ جِنَاحَكَ لِلضَعْفَاءِ. بال‌های خود را برای ضعیفان پهن کن.

بال پهن کردن به دو جور تفسیر شده است:

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانانِ توان‌خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن‌ها را به اقویاء، پولدارها و ثروت‌مندان بدهد بلکه حاکم باید فرصت‌ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت‌ها آن هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

### ۱۱- نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت آنان

و اَرْبِهِم اِلی ذَلِك مَنْك حَاجَةٌ. به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی. به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت‌ها به مددجویان کارش تمام نمی‌شود بلکه باید برنامه فرهنگ‌سازی اقناعی و اطلاع‌رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

### ۱۲- رسیدگی به امور معلولین منزوی و دور از دسترس

و تَقَفَّدُ اُمُورَ مَنْ لَا یَصِلُ اِلَیْکَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَضِیْهِ الْعِیُونُ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ. امور معلولینی را که درخواست‌های آن‌ها به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان‌اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته‌اند.

مدیران فقط نسبت به مراجعه‌کنندگان و کسانی که در فهرست ثبت شده‌اند رسیدگی می‌کنند. اما معلولینی هستند که در حاشیه‌اند؛ اساساً نمی‌دانند کسی و تشکیلاتی برای رسیدگی به امور آنان هست یا مددجویانی هستند که به هر دلیل تحقیر شده و آنان را کنار گذاشته‌اند یا در بازداشت هستند یا به بهانه سوء سابقه، حذف شده‌اند؛ همه اینان مصداق سخن حضرت می‌باشند و به حاکم امر می‌فرماید که باید به امور آنان رسیدگی کنی.

### ۱۳- تعیین مددکارهای متواضع و دارای محاسن اخلاقی به عنوان معتمدین

#### حکومت

فَقْرُعْ لَوْلَاكَ ثَقَّتْكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَّاضِعِ فَلَيرْفَعُ إِلَيْكَ أَمُورَهُمْ وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ. معتمد خداترس و متواضع بر معلولین بگمار تا امور آنان را نزد تو آورد، اگر چه اجرای این دستور برای والیان سنگین است.

سازمان بهزیستی با اجرایی طرح نظارت بر مددجویان در واقع همین دستور حضرت را عملی ساخته است. متولی جامعه و استاندار منطقه نمی تواند شخصاً به همه مسائل و امور معلولین رسیدگی کند، از این رو لازم است کسانی را به عنوان نماینده و واسطه انتخاب کند. اما این افراد باید صفات نفسانی مثل تقوا داشته باشند تا در عمل برای حاکمیت مشکل ایجاد نکنند.

این بند از فرمان گویای این است که معلولین حق دارند نیازمندی‌ها و مشکلات خود را به گوش مسئول برسانند و حاکم وظیفه دارد به آن‌ها رسیدگی کند. اما مدیریت نمی تواند بهانه آورده و بگوید کثرت معلولین مانع است و نمی توان عملاً به همه آن‌ها رسیدگی کرد. زیرا حضرت راه کار عرضه کرده و می فرماید لازم نیست خودت به همه امور رسیدگی کنی بلکه معتمدی تعیین کن تا به امور آن‌ها رسیدگی کند.

امام بر چند نکته تأکید دارد: ۱- واژه ثقتک (معتمد خودت) گویای این است که مددکارها و گزارش کنندگان امور معلولین باید زیر نظر حاکم باشند. به عبارت دیگر تشکیلاتی شامل معتمدین رسیدگی کننده به امور مددجویان، نباید خارج از حوزه ریاست کل باشد. ۲- معتمدین حداقل باید دو ویژگی خشیت و تواضع داشته باشند. نسبت به رئیس جامعه خاشع و نسبت به معلولین متواضع باشند. خشوع غیر از خوف است و به نگرانی آگاهانه گفته می شود. معتمد در مقابل مددجویان، فروتن و در مقابل حاکمیت ضمن آگاهی از مشکلات، نگران اجراشدن برنامه‌ها و اوامر ریاست است. ۳- پایان این فقره عبارتی درباره ثقل و سختی به کارگیری معتمدی با این خصوصیات است.

#### ۱۴- اجرا کردن منصفانه امور مددجویان تا رسیدن به معافیت در دادگاه

##### عدل الهی

ثُمَّ اِعْمَلْ فِيهِمْ بِالْعَدْلِ اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَاِنَّ هَوْلًا اِحْوَجُ اِلَى الْاِنصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ كُلُّ فَاْعَدِزٍ اِلَى اللّٰهِ فِى تَاْدِيَةِ حَقِّهِ اِلَيْهِ. به گونه‌ای با مددجویان رفتار کن که در قیامت نزد خداوند رو سفید باشی، اینان نسبت به دیگر اقشار جامعه به دادرسی نیازمندتراند؛ بنابراین با ادای حقوق همگانی نزد خداوند مأجور و معذور خواهی شد.

معلولان نیازمند عمل نه شعار و حرف، آن هم عمل عادلانه و منصفانه و با رعایت ضوابط اخلاقی و حقوقی و شرعی به طوری که مدیر مددکار حتی در قیامت و نزد خداوند معذور و معاف از تنبیه گردد.

حضرت رسیدگی به امور معلولین را با سعادت اخروی هم سنگ دانسته؛ همچنین کار برای آنان را همان رعایت انصاف و دادرسی می‌داند. از این رو حاکم باید به آنان به چشم انسان‌های بی‌پناه بنگرد و درصدد برآورده شدن همه حقوق آنان باشد تا معذور گردد.

#### ۱۵- رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

وَ تَعَهَّدْ اَهْلَ الْيَتِيْمِ وَ الرِّمَانَةَ وَ الرِّقَّةَ فِى السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِيْلَةَ لَهُ وَ لَا يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ. نسبت به افراد دارای معلولیت‌های شدید یعنی زمین‌گیرها، کهنسالان و آسیب‌مندان درمانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته‌های شخصی خود را هم نمی‌توانند برآورده سازند.

وظیفه‌شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می‌رسد، می‌فرماید متولی جامعه حتماً باید وظیفه شناس باشد. اهل الیتیم یعنی افرادی که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب‌مند» جامعه شده‌اند؛ زمانه یعنی افرادی که به دلیل ناتوانی و معلولیت شدید زمین‌گیر شده‌اند؛ و بالاخره الرقّة فی السن یعنی کسانی که به دلیل کهولت و سن زیاد، توان تحرک

ندارند. این سه دسته را حضرت به طور ویژه رسیدگی کرده و حقوق ویژه برای آنان بر می‌شمارد. زیرا اینان چون توان اجابت خواسته‌های شخصی خود را ندارند، حاکمیت باید برای آنان برنامه و تدبیر ویژه داشته باشد. سازمان بهزیستی با اجرای «طرح رسیدگی در خانه» در واقع درصد اجرای همین فرمان است.

### ۱۶- اجرای طرح ارزاق و رهاسازی از مشکلات برای افراد دارای معلولیت

#### شدید

فَأَجْرِ لَهُمْ ارزاقاً فَإِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ فَتَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتَخَلُّصِهِمْ. برای آنان ارزاق بفرست؛ چون آنان بندگان خدا هستند و با رهایی آنان از مشکلات و زندگی فلاکت بار، نزد خداوند تقرب پیدا کن.

حضرت از واژه أَجْرٍ (فعل امر اجری جری) به معنای اجرایی و عملیاتی کردن مصوبه‌ی ارزاق برای افراد دارای معلولیت شدید، استفاده کرده است. یعنی احتیاجات اولیه معلولین شدید را مصوب و به صورت مقررری ثابت اجرایی کن. در ادامه تَخَلُّصٌ و رهایی معلولین از این وضعیت را همان تقرب الهی دانسته و امور اجتماعی معلولین را با تقرب الهی برابر می‌داند.

### ۱۷- ضرورت استقرار آنان در جایگاه مناسب حالشان با حقوق مکفی

و وَضَعَهُمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَانِهِمْ وَحُقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخَلِّصُ بِصَدَقِ النِّيَّاتِ. با تأمین نیازهای ضروری و حقوق اولیه مددجویان، وضعیت آنان را تثبیت کن؛ خلوص این اعمال بستگی به صداقت و نیت پاک تو دارد.

معلولان با تأمین نیازها و حقوق‌شان در جایگاه و مواضع واقعی‌شان قرار می‌گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان در میان باشد، نمی‌توان آن را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است به آن‌ها صحیح داده نمی‌شود.

### ۱۸- پرهیز از مخفی کاری و ادای حقوق با شفافیت

انه لا تسكن نفوس الناس او بعضهم الى أنك قد قضيت حقوقهم بظهر الغيب دون مشافهتك بالحاجات وذلك على الولاة ثقيل والحق كُله ثقيل. مردم يا بعضی از آنان به صرف ادای حقوق شان به روش مخفیانه راضی نخواهند شد و خواستار حضور در جریان امور و شفافیت هستند.

حضرت روش اداره معلولین را معرفی و عکس العمل مددجویان را هم تبیین می‌کند. مدیران مددکاری معمولاً دوست دارند به روش مخفی و به دور از انظار فعالیت کنند و علاقه‌ای به بیان آمار و ارقام و اطلاع‌رسانی شفاف ندارند. فعالیت برای تأمین حقوق را می‌خواهند مخفی باشد. در مقابل بعضی از مددجویان بدبین هستند و ادای حقوق خود را صرفاً نمی‌خواهند بلکه حقوق شان را با شفافیت، مشارکت و حضور در اجرای مراحل تأدیه حقوق خواستاراند. در حالی که اجرای این شیوه برای مدیران سخت و سنگین است. البته اجرای همه جانبه حق مشکل است. از نظر امام، حق با دادن ارزاق و تأمین نیازهای مددجویان تمام نمی‌شود؛ بلکه فراگیرتر و جامع‌تر است و شامل شیوه اجرای حق و تأمین مایحتاج هم می‌شود و مددجویان باید در جریان چگونگی تأمین حقوق شان قرار گیرند. از طرف دیگر مدیران باید با اطلاع‌رسانی و شفافیت و جلب مشارکت و حضور معلولین اعتماد آنان را جلب نمایند. این شیوه مشکل و پیچیده، چون موجب فرهنگ سازی و شخصیت سازی معلولان می‌شود، سودمند است.

**۱۹- ضرورت تدبیر و برنامه، درخواست برای شکیبایی همگانی در برابر**

**ناملایمات و اطمینان به آینده**

وقد يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا نَفْسَهُمْ وَوَتَّقُوا بِصَدَقِ مَوْعِدِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ فَمَنْ مِنْهُمْ وَاسْتَعْنَى بِاللَّهِ. خداوند سنگینی حق را بر برخی اقوامی آسان می‌گرداند که با تدبیر و هدفمند کار می‌کنند، با خودسازی آحاد جامعه را وادار به شکیبایی کرده و به وعده‌های الهی در مورد صابرين و محتسبين اعتماد دارند. از اینرو از این گروه باش و از خداوند استعانت بخواه.

پس از معرفی حق به عنوان برنامه سنگین و سخت، راه کاری برای آسان سازی اجرای حق عرضه می کند و می فرماید: خداوند تحت شرایطی مشکلات و موانع بر سر اجرای حق را برداشته و راه حق طلبی را آسان می نماید؛ به شرط اینکه مدیران عاقبت طلب باشند و هدفمند کار کنند. یعنی برای کارهایشان و از جمله برای اجرای حق و تأمین حقوق معلولین طرح، برنامه و خطمشی داشته باشند. اما صرف داشتن طرح و برنامه و هدف کافی نیست و نیاز به صبیر و درخواست همگانی برای صبر در مقابل ناملایمات و پرهیز از عاقبت طلبی هم هست. از طرف دیگر به وعده های الهی در مورد صابریین و محتسبیین هم اعتماد و اطمینان باید داشته باشند. محتسبیین یا مدیران منفعت سنج و حساب گر و با تدبیر، از مشکلات هراس ندارند و صابراند مورد توجه خداوند بوده و خداوند در قرآن کریم، وعده داده آنان را مساعدت می کند تا موفق شوند. بنابراین مدیرانی می توانند کل حق یا همه ابعاد و جوانب حقوق معلولین را تأمین نمایند که سه ویژگی مزبور را داشته باشند و خداوند اجرای حقوق معلولین را بر آنان آسان می گرداند.

#### ۲۰- تأسیس اداره ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

و اجعل لذوی الحاجات منک قسماً تَفَرِّغُ لَهُمْ فیه شخصک. برای افراد دارای معلولیت (ذوی الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن.

به نظر حضرت، حق معلولین است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه معلولین تأسیس شود و نماینده عالی ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به عنوان عالی ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد به اینکه، سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود. و برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

حضرت نکات ریز ولی پرمعنایی در این عبارات به کار برده است. واژه «منک» یعنی متولی باید تشکل معلولین را خودش ایجاد کند و در واقع زیر نظر خودش باشد، به دیگران یا به سازمان‌های زیر مجموعه‌ای دولت نسپارد. گویا سازمان بهزیستی بر اساس همین دستورات حضرت تأسیس شده است. و در قانون جدید حمایت از معلولان هم همین نکته مورد توجه است. بعضی از نسخه‌ها اینگونه دارد تفرغ لهم فیه شخصک و ذهنک فی کل شغل (تحف العقول، ص ۲۸۶). وقتی به این سازمان آمدی، خودت و ذهنت را از همه مشغله‌ها آزاد و فقط به امور مددجویان رسیدگی کن. برخی مترجمین قسم را وقت معنا کرده‌اند (همان).

## ۲۱- تشکیل جلسات عمومی گفت‌وگو و مناظره

و تجلس لهم مجلساً عاماً. نشست عمومی با آن‌ها داشته باش. حضرت به مالک اشتر می‌فرماید: تو به عنوان متولی و استاندار در کنار معلولین مصر بنشین و با آنان نشست عمومی و فراگیر داشته باش. یعنی حق افراد دارای معلولیت است که استاندار و متولی امور با آن‌ها تشکیل جلسه دهد به درد و دل آن‌ها گوش بسپارد، سخنان آنان را بشنود و به خواسته‌های آن‌ها رسیدگی کند. جلسه خصوصی و نشست‌های دو نفره با معلولین داشتن هدف امام نیست بلکه تأکید به تشکیل جلسه عمومی دارد. در گفت‌وگوی عمومی، تضارب آراء پدید می‌آید، نقد و انتقاد می‌شود، معارفه و شناخت یکدیگر و بالاخره هم افزایی و رشد پدید می‌آید. معلولان به دلیل روان‌شناسی خاصی که دارند، نیاز مبرم به گفت‌وگو و جلسات عمومی دارند. اساساً این تدبیر به یک شیوه درمانی و سازندگی برای آنان است.

کسانی مثل عبدالله ابن ام مکتوم نابینا در آن دوره حضور داشتند. اینان نخبگان جامعه بودند و نشستن با این افراد، در واقع استفاده از تجارب و دیدگاه‌های آن‌ها بود. از این‌رو جلسه داشتن با معلولین فقط با هدف رسیدگی به نیازمندی‌های آن‌ها نبوده بلکه تأثیرهای این چنین هم داشته است.

در نسخه دیگر این فرمان به این صورت آمده است: ثم تأذَنُ لَهمْ علیک و تجلس لَهمْ مجلساً. یعنی اجازه بام عام دادن به آنان خواهی داد و با آنان در مجلس خواهی نشست (تحف العقول، ص ۲۸۶). واژه عام که بعد از مجلس در نسخه صبحی صالح آمده همان تأذَن لَهمْ علیک است و این دو یک معنا دارند. از این رو در هر دو نسخه معنا یکی است.

## ۲۲- فروتنی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

فتواضع فیهِ لِلَّهِ الذی خلقک. در مجلس معلولین به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن.

فردی مثل مالک اشتر که خداوند او را در کمال صحت و با بدنی کامل آفریده، نباید نسبت به کسانی که نقصی مثل فقدان حس بینایی دارند، غرور و تکبر داشته باشد. چون معلولین هر چند فاقد حسی هستند ولی جنبه‌های دیگر جسمی آنان قوی‌تر است. نابینایان گرچه فاقد حس بینایی هستند ولی در لمس و در شنوایی و در حافظه از انسان‌های عادی برتر می‌باشند.

حضرت می‌فرماید: ای مالک به خاطر اینکه خداوند تو را کامل آفریده، نسبت به افراد دارای معلولیت تکبر و غرور نداشته باش بلکه تواضع نما. بنابراین از جمله حقوق معلولین تواضع متولی و مدیران ارشد نسبت به آنان است.

تواضع یعنی انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و دیگران را کوچک و خوار شمارد. اصلی‌ترین مشکل معلولین در همین نکته است. افراد عادی و بعضی از مدیران جامعه در سخن یا در رفتار یا در عمل آنان را کوچک شمرده و تحقیر کرده‌اند. کوچک شمردن معلولین زمینه‌ساز تبعیض علیه آنان می‌شود و بسیاری از مشکلات از همین جا نشئت می‌گیرد.

اما مصداق تواضع در اینجا یعنی در جلسه عمومی، یکه تاز و متکلم وحده نباشد؛ اجازه بدهند حضار هم مشارکت داشته و سخن بگویند. تریبون و میکروفن را به آنان بسپارد و خودش مستمع باشد. نیز آداب مباحثه را رعایت کند. اگر کسی انتقادی مطرح کرد و حتی به رئیس دولت پرخاش نمود، او را



تهدید نکند، اجازه دهد حرفش را بزند و بعد با استدلال و منطق پاسخ بدهد. البته معلولین هم با ادب و اخلاق نیک با رئیس برخورد کنند. فرصت طلبی نکرده و هر آنچه در دل دارند بر سر رئیس بریزند. اما در نسخه دیگر این فرمان اینگونه آمده است: تتواضعُ فيه لله الذي رفعك (تحف العقول، ص ۲۸۶). یعنی به جای خلقت، رفعت آمده است.

### ۲۳- دسترسی آسان مددجویان به مسئولین دولتی با حذف نگرهبانان

و تَقَعِدُ عنهم جندک واعوانک من احراسک وشرطک. پاسداران، پاسبانها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آنها دور کن.

حق معلولین است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولین که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای امنیتی و انتظامی نیست. از این رو معلولین باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند و مسئولین هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

### ۲۴- لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه

#### رئیس با آنان با آغوش باز

تَحْفُضُ لهم فی مجلسک ذلک جناحک و تلینُ لهم کنفک فی مراجعتک و وجهک. جلسه‌ای فاخر برای آنان تشکیل می‌دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم‌خوبی آنان را در آغوش می‌کشی.

تخفص لهم جناحک مثل آیه اخفص لهما جناح، اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با فروتنی است. تلین لهم کنفک نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

تخفص لهم جناحک در اصل به معنای گشودن و پهن کردن بال‌ها و کنایه از برخورد محبت آمیز است. تلین لهم کنفک به معنای در آغوش کشیدن و کنایه

از نشان دادن علاقه و دوستی به مخاطب با برخورد ملایم و نرم با او است. خلاصه حضرت از چند اصطلاح و تعبیر استفاده کرده تا ضرورت تشکیل جلسات آن چنانی فاخر را بفهماند. جلساتی که مدیر باید امکانات خود را مثل بال بگستراند تا مددجویان با اطمینان در کنار ریاست قرار گیرند. رئیس هم با آغوش باز و لین از آنان استقبال نماید. حضرت با این تعبیر درصدد بیان روابط نزدیک مددجویان و مددکاران و علاقه‌های دو طرف به هم بوده است.

### ۲۵- ارتباط و مناسبات تنگاتنگ و انسانی مددجو و مددکار

حَتَّىٰ يُكَلِّمَكَ مَتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُتَّعِعٍ. تا اینکه سخنگوی مددجویان بدون اضطراب با تو سخن بگوید.

همه مددجویان نمی‌توانند با متولی جامعه سخن بگویند، از اینرو باید سخنگویی به عنوان نماینده انتخاب کنند. سخنگویی که امین آنان است باید بتواند نیازها و خواسته‌های آنان را به گوش متولی جامعه برساند.

این بند بیانگر یکی دیگر از حقوق معلولین است. آنان حق دارند با مقامات و مدیران ارشد جامعه به راحتی و آرامش سخن بگویند و از طرف دیگر مسئولین و مدیران باید شرایط ارتباط سالم و سازنده خودشان با مددجویان را فراهم نمایند. امام علی (ع) در اینجا به روایتی از رسول خدا (ص) استناد می‌کند و می‌فرماید بارها از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَّعِعٍ. یعنی جامعه‌ای که نتواند حقوق ضعیف را از قوی بدون هراس بگیرد، هرگز رستگار نخواهد شد.

### ۲۶- تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

ثُمَّ احْتَمَلِ الْحَرْقَ مِنْهُمْ وَ الْعِيَّ. درشتی و سخنان غیرمطلوب معلولین را تحمل کن.

معلولین به دلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات گاه عرصه بر آنها تنگ شده و رفتارهای غیرمتعارف یا سخنان خلاف عادت و درشت از آنها بروز

می‌کند. آیا باید آنان را محاکمه و مجازات کرد یا باید با آنان به تسامح رفتار نمود؟ امام به مسئولین امور دستور داده که رفتار و سخنان درشت و غیرمطلوب آنان را تحمل کرده و آنان را مجازات ننمایند. هر چند در جاهای دیگر از معلولین هم خواسته شده ادب و نزاکت و محسنات اخلاقی را رعایت کنند. بهر حال از حقوق معلولین این است که رفتارهای غیرمتعارف آنان عفو و بخشیده شده و متولیان قضایی و مسئولین انتظامی باید نسبت به آنان گذشت داشته و با رأفت و رحمت با آنان برخورد نمایند.

### ۲۷- روابط مددجویان و مددکاران بدون خشونت و استبداد

و نَحَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَلْفَ. دور کن از معلولین استبداد و خشونت را. به نظر حضرت دو آفت استبداد و خشونت آثار منفی بسیار در پی دارد و به مالک دستور می‌دهد این آفات را از جامعه و فرهنگ معلولین بزداید. متولی و حاکم اگر به جای باز کردن فضا و آزادی دادن به مردم و اجرای شیوه‌های تساهلی و تسامحی، فضای جامعه را ضیق و بسته کند، مردم را زیر انواع فشارهای امنیتی و پلیسی نگه دارد و به روش خشونت‌آمیز با مردم رفتار نماید، نخبگان از این جامعه کوچ خواهند کرد، ابتکار و خلاقیت متفکران نابود خواهد شد، شادی و امید به زندگی و روحیه امیدواری از بین می‌رود و خلاصه ده‌ها پیامد منفی خواهد داشت. به نظر حضرت، حق معلولین است که در جامعه‌ای آزاد و با طراوت و به دور از خشونت زندگی کنند و متولی جامعه وظیفه دارد چنین شرایطی را برای آنان فراهم آورد.

حضرت در ادامه می‌فرماید: بیسَطِ اللَّهُ عَلَيْكَ بَذْلَكَ اِكْتِنَافَ رَحْمَتِهِ وَ يُوَجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ. یعنی در جامعه بدون خشونت و استبداد و ظلم، در رحمت‌های الهی باز شده و در همه جای آن رفاه و پیشرفت بسط پیدا می‌کند. همچنین فرهنگ دینی و اطاعت از دستورات الهی تحقق می‌یابد.

### ۲۸- سرویس‌دهی و خدمات‌رسانی به شیوه انسانی و کریمانه

فَاعْطِ مَا أُعْطِيََتْ هَنِيئاً. آن چه می‌دهی، با بزرگ‌منشی اعطا کن.

حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید تو به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر مایحتاج زندگی اعطا خواهی کرد، این‌ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن‌چه اعطا می‌کنی باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانه اعطا نمایی. امام شیوه ایده‌آل خدمات‌رسانی به معلولین را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت‌المال، سرویس دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می‌فرماید این‌ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت انسانی مددجویان انجام بدهی.

### ۲۹- تعطیلی خدمات رسانی به مددجویان همراه با بیان موانع و اطلاع‌رسانی و معذرت‌خواهی

وامنّع فی اجمال و اعدار. خدمات رسانی را به دلیل کمبودها ممنوع کن البته همراه با معذرت‌خواهی. حضرت در فرمان پیش فرمود عطا کن و خدمات رسانی داشته باش البته با بزرگواری و به روش انسانی و اینجا می‌فرماید اگر در اجمال بودی و وضعیت طوری بود که توانایی خدمات رسانی نداشتی، خدمات را تعطیل کن اما همراه با اعدار و بیان موانع.

چند نکته در این سخن هست: ۱- خدمات دهی به مددجویان یک قانون واصل است و بدون دلیل نباید تعطیل گردد، مگر اینکه امکانات به اندازه کافی نباشد. ۲- هرگاه خدمات رسانی را خواستی تعطیل کنی، حتماً اعدار کن و موانع پیش رو و واقعیت‌ها را با مردم در میان بگذار. با مردم شفاف باش و اطلاع‌رسانی درست و به هنگام داشته باش. ۳- هر جا نتوانستی نیازها و خواسته‌های معلولین را کاملاً انجام دهی و به دلیل موانع، نیازهایشان نیمه‌کاره رها شد و به تمامی برآورده نشد؛ با مهربانی معذرت‌خواهی کن. اینان حق دارند امور آنها به تمامی و کمال اجرا گردد. اما اگر به هر دلیل اجرا نشد، باید متولیان امور از آنان معذرت‌خواهی کنند. متأسفانه معذرت‌خواهی در جامعه ما یک عرف نشده

است. اگر مسئولین و متولیان امور معلولین به سخن مولا علی (ع) گوش بسپارند و به آن عمل کنند، بسیاری از مشکلات موجود هم مرتفع می‌گردد.

### ۳۰- تعیین معاونان و مدیران شایسته با اخلاقیات انسانی عالی و تجربیات کارآمد

و تواضع هناك فإن الله يحب المتواضعین ولیکن أكرم أعمالک علیک الینهم جانباً و أحسنهم مراجعةً والطفهم بالضعفاء. در مقابل مددجویان تواضع کن چون خداوند متواضعان را دوست دارد. لیکن فروتنی منحصر به خودت نیست و دستیاران و معاونان هم باید کریم‌تر، نرم‌خوتر، خوش برخوردتر و ضعیف نوازتر باشند.

این آخرین بند از مجموعه توصیه‌ها و حقوقی است که حضرت برای مددجویان بر شمرده است. مالک را از تکبر و خود بزرگ بینی نهی کرده و در عوض به فروتنی و تواضع فرمان داده است. نیز در مورد مدیران و عوامل زیر دست حاکم نیز شایسته سالاری را توصیه می‌کند، نه اینکه افرادی را به دلیل روابط و مناسبات به سر کار بگماری؛ بلکه کسانی که کریم‌تر، نرم‌خوتر، خوش رفتارتر و دارای لطف و مرحمت بیشتر نسبت به ضعیفان هستند به کار می‌گماری.

تشکیلات معلولین اگر مدیرانی با این چهار ویژگی داشته باشد، تمامی مشکلات و معضلات مرتفع خواهد شد. این چهار ویژگی عبارت‌اند از: معاونان حاکم دارای کرامت بیشتر؛ لین و نرم‌خوترین افراد نسبت به مخالفین و نافرمانان؛ دارای زیباترین صفات اخلاقی و رفتار انسانی نسبت به ارباب رجوع و بالاخره لطیف‌ترین و با لطف و مرحمت‌ترین کسان نسبت به ضعیفا. اگر چنین افرادی در رأس سازمان معلولین قرار گیرند، کارآمدترین نهاد خواهد شد.

### ضرورت گسترش این منشور

توصیه‌های سی‌گانه امام علی (ع) به مالک اشتر، سخنان صرفاً تاریخی یا اخلاقی نیست بلکه منشوری است که هم وظایف مددجویان و مددکارها را روشن ساخته و هم راز و رمزهای موفقیت جامعه معلولان را با استدلال و برهان تبیین کرده است. فقط مجموعه قوانین نیست بلکه علاوه بر قانون، عاملان به این قوانین را هم توجیه و آگاه کرده است.

امام از مالک اشتر به عنوان متولی جامعه مصر خواسته تا این حقوق را اجرایی و عملیاتی کند و شرایط و بستر تحقق آن‌ها را فراهم آورد. در غیر این صورت مشروعیت حکومتش مخدوش می‌شود. امام چه زیبا می‌فرماید: فان هولاء من بین الرعیة احوج الی الانصاف من غیرهم. معلولین در بین همه اقشار جامعه اسلامی به عدالت محتاج‌تراند. زیرا تا کنون درباره آن‌ها تبعیض و ظلم روا رفته و در شرایط تأسف‌آور زندگی کرده‌اند. به عبارت دیگر اولویت دستگاه اجرایی، رفع ظلم و تبعیض از این قشر است. گویا در آن دوره هم شرایط به گونه‌ای بوده که ناشنوایان، نابینایان، معلولین حرکتی و ذهنی دچار تبعیض و بی‌انصافی بوده‌اند. امام با قلبی آکنده از محبت معلولان می‌فرماید: کل فاعذر الی الله فی تأدیه حقّه الیه. از خداوند به خاطر عدم تأدیه حقوق آنان معذرت بخواه.

مجموعه حقوق مزبور مشتمل بر سی فرمان و توصیه، می‌تواند در جهان مدرن امروزی هم، کارآیی و مقبولیت داشته باشد. زیرا مشتمل بر نکات بدیع و استوار است. متأسفانه تا کنون این مجموعه به جهان معرفی نشده است. با اینکه سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوقی جهان اگر متوجه شوند در پانزده سده پیش چنین سخنانی گفته شده، حتماً استقبال خواهند کرد.

امیدوارم با تلاش‌های متفکران و رسانه‌ها زمینه‌های شرح و بسط، نیز تدریس این منشور در همه مراکز آموزشی، تربیتی و تحقیقاتی فراهم شود. به ویژه در مدارس استثنایی به صورت کتاب درسی در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

### تقنین بر اساس سخنان امام علی (ع)

اینگونه سخنان معصومین (ع) و نیز آیات قرآن که بیانگر شوون، مناسبات و قواعد حاکم بر جامعه مددجویان است، لزوماً باید به عنوان منبع و مصدر اولیه در قانون نویسی و قانون‌گذاری استفاده شود. اما پس از تحقیق و بررسی فراوان متوجه شدم چنین نبوده است و در جریان قانون‌گذاری به اینگونه اسناد و مدارک تا کنون اهمیتی نشده است. با اینکه مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع است. نخستین قانون ویژه معلولین یعنی قانون مناسب سازی در ۱۳۶۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و نخستین مجموعه قوانین جامع معلولین ایران در سال ۱۳۸۳ در همان مجلس تصویب شد. در سال ۱۳۸۷ قانون الحاق به کنوانسیون جهانی حمایت از معلولین تصویب شد و بالاخره از سال ۱۳۹۲ تا کنون دولت و مجلس درصدد قانون جامع دیگری هستند. در همه این مراحل لزوماً باید آیات و احادیث به عنوان متن راهنما و مرجع اصلی مورد توجه قرار می‌گرفت. تدوین و تهیه این کتاب مشتمل بر قطعه‌ای از عهدنامه مالک اشتر، باید در همه بخش‌های اداری سازمان بهزیستی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. به ویژه از کارشناسان سازمان بهزیستی و دیگر نهادهایی که درگیر تقنین برای معلولین هستند تمنا می‌کنم اول و پیش از همه به این کتاب عنایت ویژه داشته باشند.

درس‌های مهم که می‌توانیم از فرمایشات امام فرا بگیریم عبارت‌اند از:

۱- ایجاد نظام حمایتی و راه‌اندازی نظام تأمین اجتماعی برای معلولین یک اصل است.

- ۲- کل جامعه و جامعه مددجویان به عنوان جامعه خرد ضرورتاً نیاز به قانون دارد.
- ۳- ایجاد تشکل و سازمان برای اجرایی کردن قوانین لازم است.
- ۴- قانون گذاری و قانون پذیری و نیز جامعه پذیری یک اصل مهم است.
- ۵- جامعه صرفاً با توصیه های اخلاقی اصلاح نمی شود و حتماً نیاز به قانون دارد.
- ۶- جامعه بدون خطمشی هدف دار و تدبیر اصلاح نمی شود و نیاز به برنامه ریزی دارد.

۷- حضرت، سطر اول عهدنامه به خطمشی کلان دولتش می پردازد و چهار هدف اصلی را به این صورت بر شمرده است: اصلاح جامعه، آبادانی مملکت، دفع دشمنان و جمع آوری مالیات جهت امور اقتصادی. این اهداف بر جامعه معلولین هم انطباق دارد.

۸- امام در این عهدنامه جامعه را به هفت گروه و طبقه از جمله معلولین تقسیم می کند. اولاً این طبقات به یکدیگر احتیاج دارند و بدون مساعدت و مشارکت دیگر طبقات، معلولین سامان و اصلاح نمی یابند. از این رو نظریه ضرورت تقسیم بندی امور اجتماعی و تقسیم کار در جامعه را متذکر شده ولی استقلال آن ها را نمی پذیرد بلکه وابستگی آن ها را قطعی می شمارد.

۹- حضرت می فرماید هر طبقه سهمی از وظایف اجتماعی و مشارکت مدنی و حقوق خاصی دارد. نیز مقررات و قوانین هر طبقه از جمله معلولین در قرآن کریم و سنت نبوی و پیمان محفوظ نزد امام بیان شده است (كُلًّا قَدْ سَمِيَ اللَّهُ لَهُ سَهْمُهُ وَ وَضَعَ عَلَيَّ حَدَّ فَرِيضَتِهِ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةَ نَبِيِّهِ (ص) وَعَهْدُهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا).

بنابراین قواعد و ضوابط جامعه مددجویی در سه منبع قرآن، سنت نبوی و عترت درج شده است. در این دوره عالمان و کارشناسان موظفاند این موارد را کشف و در اختیار دستگاه قانون گذاری قرار دهند.

۱۰- مردم ایران به دلیل مسلمان بودن از نهادهای تقنینی و اجرایی انتظار دارند، به هنگام تصمیم سازی و اقدامات کلان حقوقی به منابع و مصادر



اسلامی اهتمام داشته باشند. و همه ما باید به این خواست مردم عنایت داشته و آن را محترم بشماریم.  
این نکات راه‌گشای امور افراد دارای معلولیت و موجب حلّ معضلات آن‌ها، نیز بهره‌مندی جامعه از توانایی‌ها و خلاقیت‌های آنان می‌تواند باشد.

### متن عهدنامه

این متن در نهج‌البلاغه‌های مختلف که افراد محقق تحقیق کرده‌اند و نیز در مجامع روایی مثل بحارالانوار و تحف العقول در برخی جملات، اندک اختلافاتی دارد. تلاش کردیم از کامل‌ترین متن استفاده شود. از این‌رو متن تحف العقول را که همراه با تحقیق و ترجمه آیت‌الله احمد جنتی منتشر شده، اصل قرار دادیم. به هنگام ترجمه واژه‌ها و عبارات‌ها، تلاش شد همه ترجمه‌ها دیده شود و بر اساس فرهنگ معلولیتی برگردان انجام شود. زیرا حضرت به دلیل سیطره بر علوم مختلف، از اصطلاحات و تعابیر تخصصی استفاده نموده است.

### عَهْدُهُ (ع) إِلَى الْأَشْتَرِ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرَ وَأَعْمَالَهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرَ، جِبَايَةَ خَرَاجِهَا وَمُجَاهِدَةَ عُدُوِّهَا وَإِسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا.  
ثُمَّ أَعْلَمَ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غَنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَمِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ، وَمِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ، وَمِنْهَا عُمَّالُ الْإِنْصَافِ وَالرُّفُقِ، وَمِنْهَا أَهْلُ الْجِرْيَةِ وَالْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ، وَمِنْهَا التُّجَّارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ دَوَى الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَكَلَّا قَدْ

سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَضَعَ عَلَى حَدِّ فَرِيضَتِهِ فِي كِتَابِهِ أَوْ سَنَةِ نَبِيِّهِ (ص) وَعَهْدًا عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَدَوَى الْبُؤْسِ وَ الرُّمَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا فَاحْفَظِ اللَّهَ مَا اسْتَحْفَظْتَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهَا وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى. وَ كَلَّا قَدْ اسْتُرْعِيَتْ حَقَّهُ فَلَا يَشْعَلْنِكَ عَنْهُمْ نَظْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِ الصَّغِيرِ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ، فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ وَ تَوَاضَعْ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلصُّعْفَاءِ وَارْبِهِمْ إِلَى ذَلِكَ مِنْكَ حَاجَةٌ وَ تَقَعُدُ أُمُورَهُمْ مَا لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعَيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ تَقَاتِكَ مِنْ أَهْلِ الْحَشِيَّةِ وَ التَّوَاضَعْ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ، ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَحْوَجُ إِلَى الإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ كُلُّ فَاغْدِرُ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيبِهِ حَقَّهُ إِلَيْهِ. وَ تَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَ الرِّمَانَةَ وَ الرِّقَّةَ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَ لَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ فَأَجْرِلَهُمْ أَرْزَاقًا فَإِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ فَتَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتَخْلِصِهِمْ وَ وَضْعِهِمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَ حُقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الأَعْمَالَ تَخْلُصُ بِصِدْقِ النِّيَّاتِ. ثُمَّ إِنَّهُ لَا تَسْكُنُ نُفُوسُ النَّاسِ أَوْ بَعْضُهُمْ إِلَى أَنْكَ قَدْ قَضَيْتَ حُقُوقَهُمْ بِظَهْرِ الْعَيْبِ مُشَافِهَتِكَ بِالْحَاجَاتِ وَ ذَلِكَ عَلَى الأَوْلَادِ ثَقِيلٌ. وَ الْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ. وَ قَدْ يُحَفِّقُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا نُفُوسَهُمْ وَ وَثِقُوا بِصِدْقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ فُكُنْ مِنْهُمْ وَ اسْتَعِنْ بِاللَّهِ. وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا وَ ذَهَنَكَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ، ثُمَّ تَأَدَّنْ لَهُمْ عَلَيْكَ وَ تَجَلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا تَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي رَفَعَكَ. وَ تَقَعُدْ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ تَخْفِضُ لَهُمْ فِي مَجْلِسِكَ ذَلِكَ جَنَاحَكَ وَ تَلِينُ لَهُمْ كَنَفَكَ فِي مُرَاجَعَتِكَ وَ وَجْهَكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعَبٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلصَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعَبٍ». ثُمَّ

إِحْتِمَالِ الْخُرْقِ مِنْهُمْ وَ الْعِيِّ وَ نَحَّ عَنْكَ الصِّيقَ وَ الْأَثْفَ يَبْسُطِ اللَّهُ عَلَيْكَ أَكْنَافَ  
 رَحْمَتِهِ وَ يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ، فَأَعْطِ مَا أُعْطِيتَ هَيِّنًا وَ أَمْنَعِ فِي إِجْمَالٍ وَ إِغْدَارٍ وَ  
 نَوَاضِعٍ هُنَاكَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ. وَ لِيَكُنْ أَكْرَمَ أَغْوَانِكَ عَلَيْكَ أَلَيْبُهُمْ جَانِبًا  
 وَ أَحْسَنُهُمْ مُرَاجِعَةً وَ أَلَطْفَهُمْ بِالضُّعْفَاءِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

## مآخذ

قرآن کریم؛ تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۷، ص ۲۸۴-۲۸۹؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، چاپ پنجم، ج ۲۰، ص ۳۲۳؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۶؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ اول، ج ۲۶، ص ۱۲۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۹؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۱۴؛ روح المعانی، ج ۳۰، ص ۳۹؛ سوره روشندان: تکریم ناینایان در قرآن کریم، قدرت الله عفتی، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰؛ مجمع البیان، جلد ۱۰، ص ۴۳۷؛ نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، بیروت، ۱۳۸۷/۱۹۶۷ق، ص ۴۳۸-۴۴۰؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۸۵، فراز ۷؛ نهج البلاغه، به کوشش سید صادق موسوی، شیخ محمد عساف و خرید السید، مشهد مقدس، مؤسسه الامام صاحب‌الزمان، ۱۴۱۸ق، ص ۹۳۳-۹۳۵.

## منشور حقوق معلولان

توصیه‌های امام علی (ع) به مالک اشتر

Disabled Rights Charter

Imam Ali's (pbuh) recommendations to Malek Ashtar

علی نوری | Ali Nouri

### رؤوس برنامه امام علی (ع) برای اصلاح و سامان‌دهی امور معلولان

امام علی علیه السلام به عنوان رئیس دولت به هنگام معرفی طبقات و گروه‌های اجتماعی افراد دارای معلولیت که در فرهنگ عربی به نام ذوی‌الحاجات هم خوانده می‌شوند اینگونه معرفی می‌فرماید:

ثُمَّ أَطَبَقَهُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رَفْدُهُمْ وَفِي فِئَةِ اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ وَ لِكُلِّ عَلِيٍّ الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ يُصْلِحُهُ وَ لَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةٍ مَا الزَّيْمَةُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ وَ تَوَطُّبِنِ نَفْسِهِ عَلَى لُزُومِ الْحَقِّ وَ الصَّبْرِ فِيمَا خَفَّ عَلَيْهِ وَ ثَقُلَ (تحف العقول، ص ۲۶۴-۲۶۵).

- ۱- الذين يحقُّ رفدُهُم: مددجویان باید مورد حمایت حکومت قرار گیرند.
- ۲- فی فِئَةِ اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ: تأسیس صندوق مالی برای تأمین همه نیازهایشان.
- ۳- لکل علی الوالی حق بقدر یصلحه: حکومت باید متناسب با استعداد هر فرد، امکانات و حقوقش را تأمین کند.
- ۴- لیس یخرج الوالی من حقیقة ما الزمه الله: حکومت نباید خارج از سنت‌ها و قواعد الهی برنامه‌ریزی کند.
- ۵- الاهتمام: تدبیر و کوشش برای امور معلولان.
- ۶- الاستعانة بالله: خدا محوری و خدا گرایی در اجرای برنامه‌ها.
- ۷- توطین نفسه علی لزوم الحق: خودسازی و روی پای خود ایستادن جهت اجرای حقوق.
- ۸- الصبر فیما خفَّ علیه و ثقل: تحمل کمبودها و بردباری در مقابل موانع سخت.

**توضیح:** حضرت نخست طبقات اجتماعی از جمله معلولان را معرفی کرده، سپس به تفصیل هر طبقه را توضیح داده است. بخش اجمالی اینجا و بخش تفصیلی در متن کتاب آمده است.



انتشارات توانمندان  
Tavannandan Publications



دفتر فرهنگ معلولین  
دائرة الثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center



سازمان بحسبیرتی کشور  
معاونت امور توانبخشی

## چگونگی تعامل با افراد معلول

نویسندگان:

دکتر سید علی محمد یکتامرام

رضا غلامی سلطان مرادی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار.....
۹	برخورد منطقی با افراد معلول.....
۱۳	افراد با مشکلات گفتاری.....
۱۷	افراد با مشکلات شنوایی.....
۲۲	افراد با مشکلات حرکتی.....
۲۶	افراد با مشکلات بینائی.....
۳۰	افراد با مشکلات روانی.....
۳۴	افراد با مشکلات ذهنی.....
۳۹	منابع.....

افراد معلول مانند سایر افراد جامعه خواهان احترام متقابل هستند .  
این کمترین چیز است که طلب می کنند.  
و با آنها طوری رفتار کنید که انتظار دارید  
با شما رفتار کنند

## پیشگفتار

ناتوانی و معلولیت حقیقتی انکارناپذیر است. به نظر میرسد سابقه حضور معلولان در جامعه به دوران بسیار قدیم باز می‌گردد. در منابع تاریخی سخن‌های بسیاری از نحوه برخورد با معلولین اعم از کشتن، قربانی کردن، ترحم و نگهداری آنان در مراکز ویژه و جدا از جامعه سخن به میان آمده است. با ظهور ادیان و پیشرفت فرهنگی جوامع، به تدریج از شدت برخوردهای ناگوار با معلولین کاسته شده است به طوری که در جوامع پیشرفته امروزی سخن از برابری حقوق انسانی، اجتماعی افراد دارای معلولیت با دیگر افراد جامعه مطرح می‌گردد. یکی از عوامل مهم تمدن هر ملتی به تربیت اجتماعی و میزان توجه آنان به اصول صحیح معاشرت و رعایت حقوق دیگران ارتباط دارد. تحقیقات اجتماعی نشان داده است که شرایط زمان و مکان در چگونگی قواعد اخلاقی نقش مهمی دارد. هر کشوری دارای آداب و رسوم خاصی است که زائیده شرایط زندگی مردم آن منطقه است ولی به طور کل می‌توان گفت در بین همه ملت‌ها اصول کلی اخلاقی مشترکی وجود دارد که باید به عنوان یک فرهنگ در بین مردم رعایت گردد. احترام به حقوق و آزادی انسانها بدون در نظر داشتن بعضی تبعیضات به عنوان قاعده‌ای اساسی در برنامه حقوق بشر بین‌المللی است که در این رابطه مکرراً سازمان‌های معتبری مانند سازمان بهداشت جهانی ضمن تدوین و تصویب قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌های مربوطه، دولت‌ها را موظف به از بین بردن عوامل نامطلوب تبعیض نژادی و تدوین برنامه‌هایی در زمینه گسترش فرهنگ محترم شمردن دیگران نموده‌اند. علم روانشناسی بر این باور است



که احترام به خود و دیگران، فرد را به یک نوع آسایش عاطفی می‌رساند که برای درک هدف‌های زندگی‌اش بسیار مفید است. این آسایش عاطفی با عوامل زیر ارتباط نزدیک دارد:

– اطمینان و اعتقاد به خوب بودن با دیگران و پذیرش ویژگی‌های مثبت آنان.

– توانایی در ایجاد برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با دیگران.

اگر چه افراد معلول با توجه به نوع و شدت معلولیت با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه هستند ولی این بدان معنا نیست که با آنان بدور از احترام و با دید ترحم و دلسوزی برخورد گردد. معلولین در بسیاری موارد مقتدرانه نشان داده‌اند که در کنار برخی محدودیت‌ها از توانمندیهای فراوانی نیز برخوردارند. در این مکتوب تلاش شده است که در مورد نحوه برخورد مناسب با عزیزان معلول به مطالبی هر چند مختصر اشاره گردد که امید است مورد استفاده و بهره‌برداری آحاد گوناگون جامعه به ویژه عزیزانی که به صورت مستقیم با معلولین ارتباط دارند قرار گیرد.

**دکتر سید علی محمد یکتامرام**

## برخورد منطقی با افراد معلول

انسان موجودی است اجتماعی که برای ادامه حیات و تأمین نیازهای اولیه خود نیازمند برقراری ارتباط متقابل با دیگران است. یکی از عوامل مؤثر در زندگی فردی و



اجتماعی هر کس تأمین نیازهای اوست. انسان به جز نیازهای اولیه خود (لباس، غذا، خواب، مسکن و ...) نیازهای دیگری هم دارد که نقش مهمی در زندگی او ایفا

می نماید (نیاز به محبت کردن، محبت دیدن، مصاحبت با دیگران و ...). بدیهی است تأمین این نیازها منجر به تأمین بهداشت روانی افراد خواهد شد. آمار و اطلاعات نشان می دهد که درصدی از افراد هر جامعه در اثر عوامل گوناگون ارثی یا محیطی به معلولیت و ناتوانی گرفتار می شوند. (در آمریکا از هر ۵ نفر یک نفر با ناتوانی مواجه است که رقمی حدود ۴۹ میلیون نفر را شامل می شود) معلولین نیز به عنوان یکی از اعضای گروه های متعلق به جامعه از این قاعده مستثنی نبوده و علیرغم وجود مشکلات و معضلات اجتماعی از قبیل موانع فیزیکی، عدم اشتغال مناسب، نداشتن شرایط ازدواج و ... علاقه مند هستند تا با دیگران ارتباطی منطقی و معقول داشته باشند. یکی از تنگناهای عمده عزیزان معلول، ارتباط دیگران با آنهاست. اکثریت افراد جامعه متأسفانه بدون در نظر گرفتن شرایط و توانمندی های معلولین به طور خواسته یا ناخواسته و بیشتر با هدف دلسوزی و ترحم

افراطی با آنان رفتار کرده که این امر ضربات روحی جبران ناپذیری را به آنان وارد می‌سازد. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت آن است که افراد معلول در کنار محدودیت‌های خود از توانمندی‌هایی نیز برخوردارند که در صورت ایجاد بستر مناسب می‌تواند تقویت گردد.

در رابطه با معلولیت به توصیه‌های ذیل توجه داشته باشید:

- به خاطر داشته باشید که هیچگاه به عدم توانایی افراد توجه نکنید. مطمئن باشید هر کس دارای توانایی‌هایی است که باید شرایط بروز آن فراهم گردد.
- افراد معلول مانند سایر افراد جامعه خواهان احترام متقابل هستند، باید دقت داشت که با آنها برخورد مناسب شود.
- با وقار، متواضع و با احترام باشید و با دیگران طوری رفتار کنید که انتظار دارید با شما رفتار کنند.
- در هنگام برخورد با افراد معلول در کنار ناتوانایی به توانمندی آنها هم توجه داشته باشید.
- در لحظه برخورد با افراد معلول با آنان به صورت واضح، شفاف و ساده صحبت کنید. از ادا کردن جملات به صورت دست و پا شکسته و نامفهوم اجتناب ورزید.
- اگر در برقراری ارتباط با افراد معلول مشکل دارید، موضوع را با آنان مطرح نموده و از آنها در این خصوص کمک بگیرید. چنانچه تا کنون عمل

اشتباهی انجام داده اید با شهامت عذر خواهی کنید و تلاش کنید آن رفتار را اصلاح کنید.

● از طریق ظاهر افراد معلول در مورد توانایی یا ناتوانی آنان قضاوت عجولانه نکنید، به خاطر داشته باشید برخی از ناتوانی ها در ظاهر افراد مشخص نبوده و امکان دارد شما نتوانید تصمیمات درستی را اتخاذ کنید.

● بدون اجازه و هماهنگی لازم از وسایل کمک توانبخشی افراد معلول (صندلی چرخدار، عصا و...) استفاده نکنید و یا آن را جا به جا ننمایید.

● در هنگام مواجه شدن با افراد معلول بدون توجه به سن و جنسیت آنان رفتاری معقول و مناسب داشته باشید.

● افراد عادی جامعه هنگام مواجه شدن با یکدیگر و بروز احساسات مثبت، با یکدیگر دست می دهند. در هنگام برخورد با افراد معلول به دلیل وجود برخی از محدودیت ها در دست دادن به آنها عجله نکنید و اجازه دهید اول آنها در این امر پیش قدم گردند. بدون دادن دست، با نشان دادن چهره بشاش و خندان هم می توان در برقراری ارتباط سازنده و دوستانه موفق بود.

● هیچگاه در مورد چگونگی بروز معلولیت از افراد معلول سؤال نکنید. چنانچه ضرورتی در آن احساس می کنید بهتر است ابتدا شرایط مناسبی را آماده کنید تا فرد معلول با رغبت به سؤالات شما پاسخ دهد.

- در هنگام مصاحبت با افراد معلول از گفتن کلمات منفی و تحریک آمیز اجتناب ورزید مثلاً در هنگام روبرو شدن با فردی که ام اس دارد، به جای گفتن کلماتی مانند ام اسی است و ... به صورت شفاف بگویید که این شخص بیماری ام اس دارد.
- به یاد داشته باشید که معلولیت به معنی از کار افتادگی و منزوی شدن نیست، بسیاری از افراد معلول در بسیاری زمینه ها توانمند بوده و می توانند در صورت مناسب بودن شرایط به طور مستقل زندگی کنند.
- در هنگام مکالمه با افراد معلول به ویژه افراد با محدودیت های گفتاری باید زمان بیشتری جهت پاسخ گویی در اختیار آنان قرار داشته باشد.
- معلولیت و ناتوانی همیشه خود را به صورت واضح نشان نمی دهد، افرادی که دارای بیماریهایی مانند دیابت، صرع، انواع سرطان ها، نارسایی کلیوی، بیماریهای عروقی و ... هستند نیز به نوعی با ناتوانی روبرو می باشند، لذا لازم است در هنگام برخورد با آنان نیز رفتاری مناسب داشت.
- معلولین در برخی موارد به دلیل عوارض ناشی از معلولیت از قبیل داشتن درد، استفاده از داروها، عوارض جانبی داروها و ... به نوعی بی قراری، خواب آلودگی، اختلال در قدرت تفکر و تکلم و ... مواجه می گردند که ضرورت دارد شرایط آنان را درک کرده و برخوردی مناسب با آنها داشته باشیم.

- فراموش نکنید اکثریت افراد معلول این توانایی را دارند که به طور مستقل زندگی کنند، اغلب این افراد، از کار افتاده و بیمار نیستند.

## افراد با مشکلات گفتاری

اختلالات گفتاری، دسته ای از اختلالات هستند که به نحوی در بیان و درک گفتار ایجاد مشکل می کنند.



فرد دارای اختلال  
گفتاری در یک یا چند  
بخش از سیستم  
اعصاب مرکزی وابسته  
به گفتار و زبان یا در  
یکی از اندام‌های  
گفتاری دارای نقص

است که در نهایت بر گفتار، زبان و آهنگ گفتار وی اثر می گذارد. آسیب های گفتار و زبان متنوع بوده و از دوران کودکی تا بزرگسالی مشاهده می شود از میان آنها می توان به لکنت، اختلالات تلفظی، اختلالات گفتار و زبان در کودکان، افراد کم شنوا، عقب مانده گان ذهنی، اتیستیک، بیماران سکته مغزی و اختلالات گفتاری ناشی از فقدان حنجره و آسیب های آن اشاره نمود. هرگونه اشکال در نحوه گفتار و یا ناتوانی در درک گفته های دیگران می تواند موجب اختلال در روابط اجتماعی شخص مبتلا گشته و مانعی در راه پیشرفت تحصیلی فرد در جامعه و شکوفائی کامل توانایی ها و استعدادهای بالقوه وی شود. این مسأله به نوبه خود می تواند منجر به بروز صدمات روحی عاطفی و رفتارهایی نظیر گوشه گیری، پرخاشگری و ... گردد و در نهایت تزلزل بهداشت روانی فرد و خانواده او را در پی خواهد داشت.

در رابطه با اختلال گفتاری به توصیه های ذیل توجه داشته باشید:

- در هنگام صحبت با افراد دارای اختلال گفتاری عجله نکنید. سعی کنید با آرامش خیال و حوصله به حرفهای او گوش دهید و گفتگوی راحتی با او داشته باشید.

- زمانی که مخاطب شما مشغول حرف زدن است اجازه دهید صحبت کردن او تمام شود سپس حرف بزنید (وسط حرف او نپزید) و به جای او سخن نگویید و مطالب او را تصحیح نکنید.

- در هنگام گفتگو با چنین مخاطبی، برای نشان دادن علاقه مندی خود به ادامه صحبت با او ضمن دقت کردن به گفته هایش در صورت نیاز از او بخواهید بخش هایی از گفته های خود را مجدداً تکرار کند. (با انجام رفتارهای صحیح مانند تکان دادن سر، علاقه خود را به ادامه دادن گفتگو با او نشان دهید).

- سؤالات خود را به صورت قابل درک و کوتاه مطرح کنید و در صورتی که پاسخ مناسب را دریافت کردید سر خود را به علامت تأیید تکان دهید.

- با حالات چهره و حرکات بدن به مخاطب نشان دهید که به محتوای صحبت او گوش می دهید نه به نحوه ی صحبت کردنش.

- سعی کنید کاملاً روبه رو و چهره به چهره مخاطب خود قرار گیرید و نسبت به سخنان او تمرکز کافی داشته باشید. هیچگاه او را دستپاچه نکرده و یا جملات او را کامل نکنید.



- با مخاطب خود آرام، با مکتب و عاری از هرگونه عجله صحبت نمایید. وقتی که صحبتش تمام می شود چند ثانیه صبر کنید بعد شروع به صحبت کنید. صحبت های آرام و راحت شما تاثیر بیشتری در او خواهد داشت.
- در هنگام مواجه شدن با مخاطب خود سعی کنید از تحمل و انعطاف پذیری بالایی برخوردار باشید و محدودیت زمانی قائل نشوید. اگر شما باعث شوید که دیگران تصور کنند که به عقایدشان احترام نمی گذارید، این امر سبب می شود که آنان احساس کنند شما شنونده خوبی نیستید.
- در برخورد با افراد دارای اختلالات گفتاری، خود را برای دادن توضیحات بیشتر آماده کنید و فکر خود را بیشتر روی نکات و مفاهیم گفتاری مخاطبتان متمرکز کنید تا بتوانید گفتگوی مناسبی داشته باشید.
- اگر مخاطب شما همراه و راهنما دارد سعی کنید در تفهیم کردن مطالب و یا درخواست پاسخ لازم از راهنمای او استفاده نکنید اجازه دهید مخاطب شما شخصاً مطالب خود را طرح نماید. (هرگز در خواست یا نکاتی را در ارتباط با مخاطب، بدون اجازه با همراه وی در میان نگذارید).
- تصور نادرستی است که شما فکر کنید مخاطب شما به دلیل ابتلاء به اختلالات گفتاری نمی تواند مطالب شما را درک کند.
- اگر در برقراری ارتباط با مخاطب خود مشکل عمده ای دارید می توانید از وسایل نوشتاری، رایانه و یا از

وسیله کمک شنوایی ارتباطی TTY/TDD استفاده کنید. (پیام های تایپ شده از طریق تلفن به شخص مخاطب در صورت داشتن دستگاه فوق منتقل می شود.)

- نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که نباید در مورد نکات مهم و ارزشمندی که در گفتار مخاطبتان با اختلالات گفتاری وجود دارد، پیش داوری کرده و یا نسنجیده قضاوت کنید. زمانی که به سخنان دیگران گوش نمی دهید، در حقیقت روابط صمیمانه و نزدیک خود را با آنان از بین می برید و تفاوتی ندارد که دلیل این گوش ندادن چیست. (چه به دلیل عدم تمرکز و دقت بر افکار و عقاید خودمان، چه به دلیل پیش داوری در مورد نکات مهم و ارزشمند سخنان دیگران و ...).
- نحوه ی برخورد غیراصولی با افراد دارای اختلال گفتاری نه تنها مشکل گفتاری آنها را تشدید می کند، بلکه عزت نفس و اعتماد به نفس فرد مبتلا را کاهش می دهد.
- گفتار مخاطب خود را قطع نکنید و از بیان جملاتی مانند "زود حرفتو بزن یا می دونم میخوای چی بگی" گفتار او را کامل نکنید، بگذارید حرفش را تا آخر بگوید.
- هرگز به فرزندتان نگویید "چرا این جور حرف می زنی و درست صحبت کن" بهتر است در این مورد با افراد متخصص مشورت کرده و آموزش های لازم را ببینید.

## افراد با مشکلات شنوایی

شنوایی شاید مهم ترین سیستم حسی انسان باشد به نحوی که بدون بهره مندی از آن توانایی انسان در ایجاد



برقراری ارتباط با محیط اطراف خود به طور محسوسی کاهش می یابد. اختلال شنوایی یک واژه عام و نشانگر یک ناتوانی در شنیدن است که می تواند از لحاظ

شدت از درجه خفیف تا عمیق طبقه بندی گردد این اختلال که دارای تنوع و گستردگی می باشد احتمال دارد در هر زمان و برای هر فردی رخ بدهد برخی افراد از زمان تولد، شنوایی خود را از دست می دهند و بعضی دیگر به صورت تدریجی دچار افت شنوایی می شوند. افراد با ناتوانی شنوایی در برقراری ارتباط با دیگران از روش های مختلف استفاده می کنند که بستگی به فاکتورهایی مانند سن شروع اختلال شنوایی، نوع اختلال، میزان ضریب هوشی، محیط خانوادگی، سطح تحصیلی و ... دارد. در کسانی که ناشنوا هستند، مهارت بینایی برای برقراری ارتباط ها حائز اهمیت ویژه ای است.

در رابطه با افراد با ناتوانی شنوایی به توصیه های ذیل توجه داشته باشید:

- بر خلاف توصیه های ارائه شده مبنی بر این که در هنگام برخورد با افراد ناتوان سعی شود از کلمه

معلولیت استفاده نگردد، در مورد افراد با اختلالات شنوایی می توان از واژه ناشنوا استفاده نمود.

- اختلال شنوایی دامنه وسیعی دارد و شیوه های مختلفی در نحوه چگونگی ارتباط با آنان وجود دارد. بهتر است با مخاطب خود در رابطه با روش صحیح برقراری ارتباط مشورت کنید. (در برقراری ارتباط با افراد با ناتوانی شنوایی از روش لب خوانی، زبان اشاره، نگارش، ابزار های کمک شنوایی و ... استفاده می گردد).

- برای جلب کردن توجه مخاطب اسم او را صدا بزنید اگر واکنشی نشان نداد شما می توانید با رعایت احترام و شأن او بازو و یا شانه هایش را لمس کنید و یا دست خود را تکان بدهید.

- در حضور رابط ناشنوا، برای رعایت احترام و شأن مخاطب همیشه سعی کنید سؤال و یا درخواست خود را مستقیماً با او در میان بگذارید و سعی کنید حتی الامکان از طریق رابط اقدام ننمایید.

- در هنگام گفتگو همیشه چهره خود را به طرف شخص مخاطب قرار دهید.

- در هنگام نگاه کردن چهره به چهره با فرد دچار اختلال شنوایی سعی کنید از تغییرات چهره و حرکات بدن احساسات و هیجان مربوطه را در پیامتان ابراز کنید مانند خشنودی، ناخشنودی و ...

- به چهره مخاطب نگاه کنید تا مطمئن شود که شما مطلب او را درک کرده اید. (تکان دادن سر دلیل تأیید کردن نمی باشد).

- جهت تماس با مخاطب می توانید از طریق ایمیل و یا سایر وسایل ارتباطی مربوطه اقدام کنید.
- تمام افراد کم شنوا مهارت کافی در لب خوانی ندارند، پس بهتر است با آنها واضح، موزون و آهسته صحبت کنید تا مطالب را درک کنند. اگر شخص می تواند لب خوانی کند، لب های خود را بیشتر از حد معمول و مبالغه آمیز حرکت ندهید.
- توجه کنید: افراد با اختلال شنوایی به طور تقریبی قادر به درک ۲۰ تا ۲۵ درصد مطالب از طریق لب خوانی هستند لذا سعی کنید هنگام صحبت کردن در محلی مناسب و روشن قرار گیرید و در هنگام حرف زدن از خوردن غذا، کشیدن سیگار و یا قرار دادن دست ها روی دهان خود جداً خودداری نمایید.
- در صورت نیاز جملات خود را برای چند بار تکرار کنید و کوشش کنید جمله ها را به صورت واژه به واژه بگویید.
- در صورت نیاز ارقام یا آدرس را برای او بیان نمایید، بهتر است این کار از طریق نوشتاری، ایمیل زدن و یا دورنویس انجام گردد.
- همیشه کاغذ و قلم را در دسترس خود داشته باشید تا در صورت نیاز از آن استفاده کنید.
- اگر توضیح دادن مطالب به صورت گفتاری برای او بسیار مشکل است از او بخواهید در صورت تمایل مطالب خود را بنویسد. هرگز به او نگویید فراموش کن مهم نیست.
- در هنگام صحبت کردن، محیط اطراف را زیر نظر داشته باشید از قرار گرفتن در اماکن خیلی بزرگ،

شلوغ، کریدورها و یا درهای ورودی تالارها خودداری کنید زیرا ممکن است موجب اختلال در شنوایی شخص کم شنوا شود. نور شدید خورشید و سایه هم می تواند از دیگر موانع گفتگوی دو جانبه باشد.

● در یک نشست گروهی و یا شرکت در جلسه رعایت نکات زیر الزامی است:

○ اجازه بدهید که فرد ناشنوا بهترین موقعیت و محل نشستن را برای خود انتخاب کند که بتواند بهتر گوینده و رابط را ببیند.

○ در صورتی که فرد ناشنوا مایل به شرکت در بحث جلسه باشد مراقب علامت دادن او باشید.

○ زمانی که شما مطالب را بیان می کنید راه نروید.

○ هرگز زمانی که روی تخت سیاه یا وایت برد مطالبی را می نویسید صحبت نکنید چون برای فرد ناشنوا قابل درک نیست.

● هیچ زمانی موضوع گفتگو را بدون اطلاع تغییر ندهید برای این کار، می توانید کمی مکث کرده و به او بگویید که مجبور هستید مطالب دیگری را شروع کنید.

● زمانی که که صحبت می کنید صدای خود را از حد مجاز بلندتر نکنید. این کار نه تنها کمک کننده نمی باشد بلکه می تواند زیان بار باشد. زمانی صدای خود را بلند کنید که مورد درخواست مخاطب باشد آن هم به صورت کوتاه و مختصر.

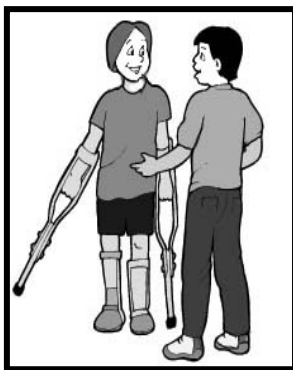
● اگر شما به شخص ناشنوا یا کم شنوا تلفن می زنید اجازه بدهید قدری بیشتر از حد معمول تلفن زنگ بخورد، ابتدا به صورت شمرده و خیلی واضح خود را

معرفی کنید و علت تلفن زدن خود را بیان نمایید.  
اگر مخاطب شما مشکلات عمیق شنوایی و یا  
اختلال گفتاری دارد می توانید از وسیله کمک  
شنوایی ارتباطی TTY/TDD استفاده کنید.  
(پیامهای تایپ شده از طریق تلفن به شخص  
مخاطب در صورت داشتن دستگاه فوق انتقال می  
شود.)

## افراد با مشکلات حرکتی

در رابطه با افراد با مشکلات حرکتی به توصیه های ذیل توجه داشته باشید:

- در افراد استفاده کننده از وسایل کمک حرکتی مانند (ویلچر، عصا، واکر و ...) این گونه وسایل جزو



تجهیزات شخصی

آنان محسوب می

شود هرگز به آن

تکیه نداده و هیچ

وقت بدون اجازه

آنها حرکت ندهید.

- زمانی که می

خواهید با افراد

دارای اختلال

حرکتی صحبت کنید سعی کنید خود را به طریقی هم سطح چشم او قرار دهید (اگر ایستاده اید بنشینید و اگر روی صندلی نشسته اید آن را هم سطح او را تنظیم نمایید و در غیر اینصورت به طریقی بایستید که بدون ایجاد کشش در گردن خود بتواند به چشم های شما نگاه کرده و با شما صحبت کند).

- از پیشنهاد کمک کردن به آنها نترسید، اگر او نیاز به کمک دارد از او بپرسید که آیا شما کاری می توانید برای او انجام دهید. اجازه دهید پیشنهاد شما را قبول کند سپس طریقه صحیح کمک کردن به او را سؤال کنید.



- اگر به شما اجازه داده شد که ویلچر را به حرکت در آورید، ابتدا به صورت آهسته آن را هل دهید زیرا ممکن است ویلچر جهش آنی داشته باشد.
- از آنجا که بعضی از افراد ناتوان با خود حیوان آموزش دیده دارند هرگز تمرکز حیوان او را به هم نزنید. دقت داشته باشید که این یک حیوان دست آموز خانگی نیست و برای کار خاصی آموزش دیده است و برای این گونه اشخاص به منزله عامل اطمینان بخش تلقی می گردد.
- زمانی که شخص استفاده کننده از ویلچر به دلیلی برای استفاده از دستشویی و یا نشستن روی صندلی و نیمکت از ویلچر خود جدا می شود، ویلچر را از دسترس او دور نکنید و از او درباره بهترین محل قرار گرفتن ویلچر سؤال کنید.
- توجه داشته باشید که این افراد در دسترسی به وسائل خود محدودیت هایی دارند لذا وسائل مورد نیازشان را در دسترس آنان قرار دهید.
- قبل از ورود این گونه افراد به اماکن مورد نظر مانند جلسات، مهمانی ها، سرویس های بهداشتی و ... محل مورد نظر را جهت استفاده آنها تا حد امکان مناسب سازی کنید.
- زمانی که می خواهید او را راهنمایی کنید تمامی مسائل موجود مانند بعد مسافت، شرایط اقلیمی، موانع فیزیکی (پله و سرازیری و یا سربالایی و ...) را بازگو نمایید.
- افراد استفاده کننده از ویلچر مانند سایر افراد جامعه دارای توانایی هایی هستند. بعضی از آنها می توانند

بازو و دست های خود را حرکت دهند و بعضی می توانند از روی ویلچر بلند شوند و حتی مسافت کوتاهی راه بروند.

- در هنگام ملاقات کردن با آنها به لحاظ رعایت احترام و برقراری ارتباط بیشتر، به آنها پیشنهاد دست دادن بکنید حتی اگر مخاطب شما محدودیت حرکت دست داشته و یا دست مصنوعی دارد، می تواند از دست چپ خود استفاده کند.

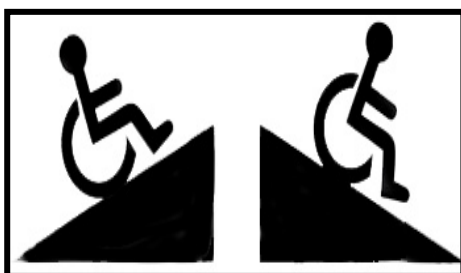
- کودکان خود را از سؤال کردن در مورد وضعیت و مشکلات این گونه افراد خاص منع نکنید اجازه دهید به تدریج درک و قضاوت آنها اصلاح شود.

- اگر به شخصی که با محدودیت حرکتی روبرو است برای نشستن تعارف می کنید، مراقب باشید صندلی مورد نظر دسته دار بوده و نشیمنگاه آن مناسب باشد.

- اگر ساختمان شما درهای ورود و خروجی زیادی دارند باید این درها برای این گونه افراد علامت گذاری شود و مطمئن شوید نگهبان و یا سرایدار ساختمان درهای ورودی و خروجی معلولین را به درستی می داند تا آنها را راهنمایی کند، اگر سرویس های بهداشتی عمومی قابل دسترس آنها نیست و یا در طبقات غیرقابل دسترسی قرار دارد اجازه بدهید که آنها از دستشویی شخصی و یا ویژه کارکنان استفاده کنند.

- هیچ گاه عصای معمولی و یا عصای زیر بغل افراد با اختلالات حرکتی را از آنها نگیرید زیرا ممکن است دچار عدم تعادل گردند.

- وسایل کمک توانبخشی جزء تجهیزات ضروری افراد معلول محسوب می شود. هیچگاه در جلسات و مهمانی ها درخواست گرفتن این وسایل را ننمایید.
- در محل تردد افراد با محدودیت حرکتی (مانند کسانی که عصا و یا عصای زیر بغل دارند) مواظب باز و بسته شدن درها باشید چون ممکن است که به در تکیه داده باشند و موجب سقوط آنها گردد.
- در محل تردد افراد با محدودیت حرکتی مانند سازمانها، مراکز خرید و ... جهت استراحت موقت آنها جایگاهی مناسب را در نظر بگیرید.



## افراد با مشکلات بینایی

برای پدیده معلولیت نمی توان حد و مرز مشخص و معینی قائل شد. تمامی کشورهای جهان اعم از پیشرفته و یا در حال توسعه به نوعی با این موضوع اجتناب ناپذیر



مواجه هستند. اختلالات بینایی از جمله مواردی است که مشکلات عدیده ای را برای افراد مبتلا، اطرافیان و جامعه در پی دارد و پیامدهای آن می تواند معضلات فراوانی را بر پیکره

جوامع تحمیل نماید، لذا ضرورت دارد با توجه به امکانات و تسهیلات موجود راهکارهای مناسبی در خصوص کاهش و یا کنترل آن مد نظر قرار گیرد.

در رابطه با نابینایان به توصیه های ذیل باید توجه داشته باشید:

- هیچ زمانی فکر نکنید که افراد با اختلالات بینایی صدای شما را به خاطر می آورند. لذا در هنگام برخورد با آنان ابتدا خود را معرفی کرده و پس از اتمام گفتگو از آنها خداحافظی نمایید. از طرح این سؤال که (آیا شما صدای مرا به خاطر می آورید؟) جداً خودداری کنید
- به خاطر داشته باشید او قادر به دیدن سر تکان دادن شما نیست لذا برای برقراری ارتباط با او از کلام استفاده کنید.

- هرگز بدون خداحافظی، او را ترک نکنید، مطمئن شوید که او به شما احتیاج خاصی ندارد.
- در برخورد با آنان تن صدای عادی داشته باشید.
- در هنگام گفتگو با آنان از گفتن کلماتی مانند ببین، نگاه کن و ... هراس نداشته باشید.
- لزومی ندارد با افراد نابینا بلندتر از حد معمول صحبت کنید چون ممکن است مغل آرامش درونی او و یا دیگران گردد.
- ضمن رعایت احترام و حرمت آنان، با تماس سبک دست خود به شانه و یا دست نابینا موقعیت خود را برای او مشخص نمایید.
- در هنگام راهنمایی افراد نابینا جهت نشستن، دست او را به آرامی به پشت مبل و یا دسته صندلی هدایت نمایید.
- سؤال یا درخواست خود را مستقیماً با شخص نابینا مطرح نمایید و بدون هماهنگی با همراه او در میان نگذارید.
- به صورت خلاصه موقعیت و محیط اطراف را برای فرد با اختلال بینایی توضیح دهید برای مثال میز در وسط اتاق قرار دارد در حدود یک متر جلوی شما و یا میز چای طرف چپ در قرار گرفته است.
- هیچگاه بدون اجازه و بدون نظر و مشورت با فرد نابینا، محل قرار گرفتن وسایل و لوازم آنان را تغییر ندهید (جا به جا نکنید).
- زمانی که با فرد با اختلال بینایی مواجه می شوید در رابطه با موقعیت مکانی، صدای اطراف و مسافت او را راهنمایی کنید.

- در صورتی که فرد با اختلال بینایی تمایل به دریافت کمک دارد، در هنگام حرکت در کنار او به صورت عادی حرکت نمایید و قبل از رسیدن به موانع او را مطلع سازید.
- اگر شخص نابینا کمک شما را نپذیرفت از رفتار او دلخور نشوید و در کمک کردن به او سماجت ننمایید.
- سگ راهنما به عنوان حیوانی تعلیم دیده عمل می کند لذا با او مانند سایر حیوانات دست آموز خانگی رفتار نکنید، هیچ گاه بدون اجازه و هماهنگی به سگ او غذا ندهید، او را لمس نکنید و تمرکز او را به هم نزنید.
- هرگز عصای او را نگیرید و یا با عصا او را هدایت نکنید.
- فیلدهای اطلاعاتی مورد نیاز او را مشخص کنید. این فیلدها معمولا شامل بریل، یا ضبط صوت، یا دیسک کامپیوتر و غیره می باشد.
- اگر برای فرد نا بینا می خواهید مطالبی را بخوانید، ابتدا رئیس مطالب را برای او مشخص کنید، اجازه دهید تا او موضوع مورد علاقه خود را انتخاب و سپس به خواندن آن اقدام کنید، مطالب را با صدای صاف و طبیعی بخوانید، مطالب را بر اساس علاقه و تمایل او بازگو کنید (از خلاصه کردن مطالب جدا خودداری کنید).
- اگر برای امضای متن دچار مشکل است پس از کسب اجازه، دست او را در محل مورد نظر قرار دهید.

- اگر چه اشخاص کم بینا به نور کافی نیاز دارند ولی نباید مقدار آن بیشتر از اندازه باشد. در حقیقت اشیاء براق باعث انعکاس شدید نور برای آنها می گردد.
- موانع موجود در مسیر رفت و آمد او را در صورت امکان برطرف نمایید.
- هنگام عبور کردن از عرض خیابان توجه او را به پیاده روی مقابل و موانع موجود جلب کنید.

## افراد با مشکلات روانی

ما به دلایل مختلف در بعضی شرایط دچار آشفتگی های



هیجانی می شویم. گاهی احساس غمگینی می کنیم، زمانی حالت تنش و اضطراب داریم و بعضی مواقع خشم و سردرگمی وجود ما را فرا می گیرد که

این حالت ها چندان به طول نمی انجامد. چنین حالاتی در رفتارهای روزمره ما خیلی تکرار می شوند و حتی افرادی هم هستند که تحت هیچ شرایطی خشمگین نمی شوند. چنین حالات و تغییراتی غیر طبیعی نیست و به عنوان اوقات تلخی، عصبانیت و ناراحتی شناخته می شود. در میانی روانشناختی به هر نوع ناهنجاری رفتاری و تغییر در حالات خلقی، احساسی، عواطفی، شناختی و ... که به نحوی در کارکرد روزمره و عملکرد فردی و اجتماعی تأثیر بگذارد، اختلال روانی گفته می شود. هم اکنون در جهان بیش از ۳۰۰ نوع اختلال روانی شناخته شده که ساده ترین نوع آن استرس یا همان اختلالات اضطرابی است که حادثترین آن اسکیزوفرنی می باشد.



## ویژگی های بیماریهای روانی

تغییرات غیرطبیعی در تفکر، عاطفه، حافظه و قضاوت فرد از نحوه صحبت کردن و رفتار او شناخته می شود. این تغییرات و ناراحتی های حاصل از آن باعث اختلال در فعالیتهای روزمره شغلی، تحصیلی، فردی و ارتباط او با دیگران می شود. شیوع بیماری روانی در حال گسترش است شاید دلیل اصلی آن وجود مشکلات روزمره جوامع بشری و یا استفاده از ابزارهای مدرن جهت شناسایی بیماریها باشد. بیمار روانی یک انسان دردمند است که مانند سایر افراد جامعه دارای احساساتی نظیر دوست داشتن، محبت کردن، نفرت داشتن و احساس احترام به خود می باشد لذا نباید شخصیت او خدشه دار گردد. باید دانست که سلامت روان، ازارکان اصلی سلامت عمومی است. سیاستها، طرحها، قوانین و خدمات مورد نیاز باید در جهت حمایت و تامین نیازها و ارتقای سلامت روان و در نتیجه رفاه عامه مردم تدوین گردد. از سوی دیگر، خدمات سلامت روان باید پاسخگوی نیازها و قابل دسترس برای گروه هدف مربوطه باشند.

در رابطه با بیماران روانی به توصیه های ذیل توجه داشته باشید :

- اکثریت بیماران روانی، عقب ماندگی ذهنی ندارند و از طرفی بسیاری از افراد با عقب ماندگی ذهنی ممکن است بیماری روانی داشته باشند.
- هیچ زمانی تصور نکنید که افراد با بیماری روانی از نظر بهره هوشی در سطح پایین تر از حد نرمال

جامعه هستند بلکه بسیاری از آنها ضریب هوشی بالاتر از حد متوسط دارند.

- هیچ زمانی فکر نکنید افراد دارای مشکلات روانی افرادی یاغی و یا سرکش هستند.
- این گونه افراد را می توان از طیف کنش پذیر تا از هم گسیخته (قانون گریز) طبقه بندی کرد تنها زمانی که آنان از لحاظ روحی غیرطبیعی باشند ممکن است به خود یا دیگران آسیب برسانند.
- هیچ زمانی تصور نکنید تمامی افراد روانی لزوماً به مساعدت، کمک های ویژه و یا درمان های مختلفی نیاز دارند.
- هیچگاه نباید با خنده، انتقاد و یا برخورد کلامی با آنان رفتار کرده و به نصیحت کردن و یا انتقاد از آنان پرداخت.
- هر فرد روانی مانند افراد جامعه، ویژگی و ماهیت های منحصر به فردی دارد، لذا تصور نکنید با تمام آنان می توان با یک روش واحد و یکسان برخورد کرد.
- این گونه فرض نکنید این گروه از افراد توانایی انجام کارهای مهارتی را ندارند.
- هیچ زمانی فکر نکنید که این گروه افراد نمی دانند چه چیز برای آنها خوب است و یا از نظر دآوری (قضاوت) در سطح پایینی قرار دارند.
- هنگامی که این افراد با آشفتگی و اضطراب روبرو هستند ضمن رعایت احترام از آنها بخواهید آرام باشند و بپرسید که چه کمکی می توانید برای خواسته معقول آنها انجام دهید.

- هیچ زمانی تصور نکنید که آنها قادر به کنترل خشم خود نیستند.
- هیچ زمانی فکر نکنید که این طبقه از افراد لزوماً نیاز به دارو دارند.
- بیماری های روانی به دیگران سرایت نمی کنند اما می توانند به گونه ای دیگران را تحت تأثیر قرار دهد.
- با آنها مهربان باشید، خواسته های معقول آنها را در صورت امکان انجام دهید.
- احترام به دیدگاه های درست افراد با بیماری روانی موجب استقلال روحی و افزایش توان جسمی آنان می گردد.
- دادن شخصیت، اعتماد به نفس و احترام موجب افزایش توان فکری و ذهنی آنها خواهد شد.
- با خوش بینی و مثبت گرایی به سخنان آنها گوش دهید.
- قبل از آنکه شخصاً نیازهای آنان را تشخیص دهید، در مورد آن با بیماران روانی مشورت نمایید.

## افراد با مشکلات ذهنی

کم توانی ذهنی یکی از عمده ترین مسائل جوامع بشری بوده است. کودکان عقب مانده ذهنی نیازهای تکاملی و مراقبتی منحصر به فردی دارند که انجام مشاوره،



آموزش کودکان و خانواده، آموزش مهارت‌های کلامی، محیطی، ارتباطی و اجتماعی و نحوه رفتار و احترام به آنها همگی

می توانند در سازگاری، رشد و توانبخشی آنان موثر باشد. با توجه به این که عقب ماندگی ذهنی قابل درمان نیست، لذا کار اصلی در مورد این دسته بیماران توانبخشی و آموزش آنها می باشد.

طبق تعریف انجمن آمریکایی افراد دارای معلولیت ذهنی (AAMR) عقب ماندگی ذهنی به IQ کمتر از ۷۰ تا ۷۵ اطلاق می شود که قبل از ۱۸ سالگی شروع شده و همراه با محدودیت هایی در دو یا چند مهارت تطابقی فرد باشد. منظور از مهارت‌های انطباقی انجام کارهایی است که در مقاطع سنی خاص به طور معمول از افراد انتظار می رود. (بهره هوشی جمعیت نرمال جامعه از ۷۰ تا ۱۳۵ متغیر است که میزان حد متوسط آن بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ می باشد)، عقب ماندگی ذهنی یا به اصطلاح دیگر نارسایی رشد قوای ذهنی موضوع تازه و جدیدی نیست بلکه در هر دوره و زمان افرادی در اجتماع وجود داشته اند که از نظر فعالیتهای ذهنی در حد طبیعی نبوده اند.

## علل عقب ماندگی ذهنی:

- عوامل پیش از تولد
  - عوامل در زمان تولد
  - عوامل بعد از تولد
  - عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی
- ۶ درصد از علل ناتوانی های ذهنی ناشی از تأثیرات ژنتیک می باشد. (پسران بیش از دختران در معرض بیماری های ژنتیکی ذهنی قرار دارند).
- عقب ماندگی ذهنی بر اساس میزان بهره هوشی از خفیف تا بسیار (عمیق) طبقه بندی می گردد:
- افراد دچار عقب ماندگی خفیف (ملایم) - تقریباً ۸۵٪ مبتلایان به عقب ماندگی را تشکیل می دهند. به طور کلی کودکان مبتلا به عقب ماندگی خفیف تا کلاس اول یا دوم دبستان زمانی که تقاضای تحصیلی افزایش می یابد شناخته نمی شوند. بسیاری از افراد مبتلاء به عقب ماندگی ذهنی می توانند با مختصر سرپرستی به طور مستقل زندگی کرده و خانواده خود را اداره کنند.
  - افراد دچار عقب ماندگی متوسط - حدود ۱۰٪ مبتلایان به عقب ماندگی ذهنی را تشکیل می دهند. اکثر کودکان مبتلا به عقب ماندگی ذهنی متوسط می توانند زبان را یاد بگیرند. در اوایل کودکی قادر به برقراری رابطه کافی هستند. تحصیل برای آنان دشوار است و معمولاً تا کلاس دوم یا سوم بالاتر نمی روند و ممکن است بتوانند کارهای کم و بیش ماهرانه را با سرپرستی مناسب انجام دهند.

- افراد دچار عقب‌ماندگی شدید (سخت) - تقریباً ۴٪  
افراد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی را تشکیل می‌دهند. ممکن است بتوانند در کودکی مهارت‌های ارتباطی پیدا کنند، غالباً می‌توانند شمارش و واژه‌های محدود را که برای کاربرد شخصی مناسب است فرا گیرند. در بزرگسالی افراد مبتلا به عقب‌ماندگی شدید ممکن است با نظارت دیگران تطابق خوبی با شرایط زندگی (نظیر زندگی در خانه‌های گروهی) را پیدا کنند و برخی تکالیف مربوط را انجام دهند.
- افراد دچار عقب‌ماندگی بسیار شدید (عمیق) یا ایزوله - ۱ تا ۲ درصد مبتلایان به عقب‌ماندگی ذهنی را تشکیل می‌دهند. اکثر مبتلایان به عقب‌ماندگی ذهنی عمیق علل شناخته شده برای اختلال خود دارند. به کودکان مبتلا به اختلال ذهنی عمیق می‌توان برخی مهارت‌های مراقبت از خود را یاد داد و برقراری ارتباط برای نیازهای خودشان را به آنان آموخت.

در رابطه با افراد با عقب‌ماندگی ذهنی، به توصیه‌های ذیل توجه داشته باشید:

- در بالغین کم‌توان ذهنی از نظر رفتاری و گفتاری همانند بقیه افراد با آنان رفتار گردد. هرگز به آنان با دید تحقیر نگاه نکنید. فرض کنید که آنها مانند بقیه افراد جامعه دارای تجربه هستند.
- افراد کم‌توان ذهنی مانند تمامی گروه‌ها دارای علاقه و توانمندی‌های مختلفی هستند هیچ‌گاه تصور نکنید تمام این افراد از انجام کارهای تکراری


- لذت می برند یا می خواهند در فعالیت های ساده مانند رستوران، سوپرمارکت و ... کار کنند.
- اکثریت افراد این گروه قادر به خواندن و نوشتن می باشند، هرگز فکر نکنید که آنها قادر به افزایش سطح مهارت آکادمیک خود از قبیل ریاضیات، خواندن و نوشتن نیستند.
  - کم توانان ذهنی اگرچه دارای تحصیلات در سطح محدود ابتدایی هستند ولی این به این معنی نیست که نمی توانند همکاری و کمک کنند و یا صاحب عقیده و تفکر نیستند.
  - با این گروه از افراد مانند بقیه آحاد جامعه رفتار کنید و زمانی که در حال گفتگو با آنان هستید طوری رفتار کنید که همانند سایر افراد دیگر صحبت می کنید، مثلاً درباره تعطیلات آخر هفته، وضعیت هوا، اتفاقات و ... اجازه بدهید تا آنها در باره مسایل گوناگون فکر کنند.
  - این افراد را راهنمایی کرده و آموزش های لازم را به آنان ارائه دهید در صورت داشتن حوصله و بردباری آنها می توانند دستورات عملی های ساده را درک کنند.
  - زمانی که آنها با مربی یا خانواده خود هستند سعی کنید مستقیم با خود معلول صحبت کنید و اجازه ندهید کسی به جای او صحبت کند.
  - با افراد ناتوان ذهنی به صورت شفاف و کوتاه صحبت کرده و از او بخواهید تا مطالب را برای شما بازگو کند. اگر لازم باشد مطالب را چندین بار تکرار کرده

تا مطمئن شوید اطلاعات ارائه شده را دریافت نموده است.

- این افراد مانند سایر گروه های جامعه خواهان احترام متقابل هستند این کمترین چیزی است که طلب می کنند.
- با نشان دادن چهره بشاش و خندان هم می توان در برقراری ارتباط سازنده و دوستانه با این افراد موفق شد.
- سوءرفتار عاطفی موجب عدم کارایی آنان می گردد.
- بدرفتاری با آنها موجب عدم اجرای روند توانبخشی به موقع در آنان خواهد شد.
- ضمن حفظ احترام آنها سعی کنید دستورات واقع بینانه به آنها بدهید.
- رفتار خوب را برای آنها الگوسازی کنید.
- در طول بحث روحیه شاداب و پسندیده خود را حفظ کنید. به آنها اعتماد به نفس برای انجام کار بدهید.
- با در نظر گرفتن مشکلات آنها، فرصت هایی مناسب و شایسته برای آنها ایجاد نمایید.
- برخورد عادی و معمولی موجب آرامش خاطر در آنها خواهد شد.
- در برخورد با آنها واقع بینانه و درست رفتار کنید، خواسته واهی و غیرمنطقی نسبت به توان آنها نداشته باشید و هرگز آنها را با دیگران مقایسه نکنید.



- همان طور که از دوست خود عذرخواهی و دل جویی می کنید، از افراد با عقب ماندگی ذهنی نیز در صورت نیاز معذرت بخواهید.
- از سایر کودکان در منزل، مجتمع آپارتمانی و یا مدرسه بخواهید که با افراد عقب مانده ذهنی همکاری و تعامل داشته باشند و به آنها احترام شایسته بگذارد.



رفتار با معلولین  
در  
سیره معصومین علیهم السلام



## فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: جایگاه معلولین	۷
الف. احترام و کمک به معلولان	۷
ب. وظیفه مسئولان	۱۰
فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی	۱۳
الف: مسئولیت عالمان	۱۳
ب. همکاری و تعاون	۱۵
ج. فقرزدایی	۲۱
د. رهایی از گرفتاری	۲۴
ه. نمونه‌هایی از سیره ائمه	۲۹
و. نتیجه‌گیری	۳۵

## مقدمه

از امور مسلم در مشی پیامبر خدا «ص» و ائمه هدی «ع»، اهتمام ایشان نسبت به امور مردم و مستضعفان و توجه به رفع گرفتاری‌های مردم است. یعنی با مردم بودن، نشستن و برخاستن با مردم، حفظ کرامت آنها، تلاش برای زدودن محرومیت‌هایشان و سیر دادن آنها به عزت حقیقی‌شان. اهتمام نسبت به امور کسانی که از حقوق واقعی خود محروم شده‌اند، اهتمام برای آزاد ساختن آنان از اسارت‌ها و فراهم کردن زمینه صعود، اهتمام برای آنان که طالب حق‌اند و محروم از حقوق. آنها که بهترین بندگان خدا هستند. معلولان یکی از مصداق‌های طبقه محرومان‌اند. هرچند قلبی از آنان، وضع مالی قابل قبولی دارند، چون از پدر یا مادر یا دیگر اقوام ارثی به آنها رسیده یا اقبالی داشته‌اند یا به هر دلیل دیگر به ثروتی رسیده‌اند. ولی آمارها نشانگر اینست که اکثریت آحاد جامعه معلولین فاقد شغل مناسب و در خور شوون آنان، فاقد درآمد مکفی و کافی می‌باشند. از اینرو جزء طبقه محرومین جای گرفته‌اند.

اما اسلام اجازه نداده کسی معلولین را تحقیر کند، در عوض گویاترین تکریم‌ها و احترام‌ها را نسبت به آنها داشته است. این متن به مباحث کلی در باب تکریم معلولان می‌پردازد. یعنی قواعد کلی که معلولان را نیز یکی از موارد و مصادیق آن می‌شمارند.

## فصل اول: جایگاه معلولین

### الف. احترام و کمک به معلولان

❖ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»: لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْدُومِينَ فَإِنَّهُ يَخْزَنُهُمْ<sup>۱</sup>  
امام صادق «ع» - از پیامبر اکرم «ص»: نگاه پیوسته به گرفتاران و معلولین مکنید که مایه اندوه آنها است.

❖ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»: مَنْ قَادَ ضَرِيْرًا أَرْبَعِينَ خُطْوَةً عَلَى أَرْضٍ سَهْلَةٍ - لَا يَفِي بِقَدْرِ إِثْرَةٍ مِنْ جَمِيعِهِ طِلَاعُ الْأَرْضِ ذَهَبًا فَإِنْ كَانَ فِيهَا قَادُهُ مَهْلِكَةً جَوْرَهُ عَنْهَا وَجَدَ ذَلِكَ فِي مِيزَانِ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ رَجَحَ بِسَيِّئَاتِهِ كُلِّهَا وَ مَحَقَّهَا وَ أَنْزَلَهُ فِي أَعْلَى الْجَنَانِ وَ غُرْفِهَا<sup>۲</sup>.

رسول خدا «ص»: کسی که شخصی نابینا را چهار چهل گام در زمین هموار راه ببرد هرگز نمی‌توان به اندازه یک سوزن از کار او را به طلاهای جهان ارزیابی کرد. و اگر نابینایی را از خطر افتادن در چاهی نجات دهد، روز قیامت پاداش این عمل بالاتر از صد هزار بار انفاق جهان است و این حسنات بر همه گناهان او برتری دارد و آن را محو و نابود می‌کند و او را به فردوس اعلی می‌برد.

۱. بحار الانوار، جلد ۷۲، ص ۱۵.

۲. همان.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین (ع)

﴿ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَقَدْ مَرَّ عَلِيٌّ بِبَنِي الْحُسَيْنِ عِ  
بِمَجْدُومِينَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَهُمْ يَأْكُلُونَ فَمَضَى ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ إِنِّي صَائِمٌ وَقَالَ اتُّنُونِي بِهِمْ فِي  
الْمَنْزِلِ قَالَ فَآتَوْهُ فَأَطَعَهُمْ ثُمَّ أَعْطَاهُمْ<sup>١</sup>﴾

امام صادق «ع»: علی بن حسین «ع» به چند جزامی گذر کرد و  
بر آنها سلام داد و آنها در خوراک بودند و گذشت و سپس  
فرمود: خدا سبکترها را دوست ندارد و نزد آنها برگشت و  
فرمود: من روزه دارم شما به منزل من آید، فرمود: به منزل آن  
حضرت رفتند و به آنها خوراک داد و سپس به آنها بخشش داد.

﴿ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَعَانَ ضَعِيفًا فِي بَدَنِهِ عَلَى أَمْرِهِ أَعَانَهُ  
اللَّهُ عَلَى أَمْرِهِ وَنَصَبَ لَهُ فِي الْقِيَامَةِ مَلَائِكَةً يُعِينُونَهُ عَلَى قَطْعِ  
تِلْكَ الْأَهْوَالِ وَغُبُورِ تِلْكَ الْخَنَادِقِ مِنَ النَّارِ حَتَّى لَا يُصِيبَهُ مِنْ  
دُخَانِهَا وَعَلَى سُمُومِهَا وَعَلَى غُبُورِ الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ سَالِمًا آمِنًا  
وَمَنْ أَعَانَ ضَعِيفًا فِي فَهْمِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَلَقَنَهُ حُجَّتَهُ عَلَى خَصْمِ  
الدِّينِ طَلَّابِ الْبَاطِلِ أَعَانَهُ اللَّهُ عِنْدَ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ عَلَى شَهَادَةِ  
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ  
الْإِقْرَارِ بِمَا يَنْصِلُ بِهِمَا وَالِاعْتِقَادِ لَهُ حَتَّى يَكُونَ خُرُوجُهُ مِنَ الدُّنْيَا  
وَرُجُوعُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَفْضَلِ أَعْمَالِهِ وَأَجَلِّ أَحْوَالِهِ  
فِيحْيَا عِنْدَ ذَلِكَ بَرُوحٍ وَرَيْحَانٍ وَيُبَشِّرُ بَأَنَّ رَبَّهُ عَنْهُ رَاضٍ وَ  
عَلَيْهِ غَيْرُ غَضَبَانَ وَمَنْ أَعَانَ مَشْغُولًا بِمَصَالِحِ دُنْيَاهُ أَوْ دِينِهِ عَلَى  
أَمْرِهِ حَتَّى لَا يَتَعَسَّرَ عَلَيْهِ أَعَانَهُ اللَّهُ تَرَاحُمَ الْأَشْغَالِ وَانْتِشَارَ

## فصل اول: جایگاه معلولین

الْأَحْوَالِ يَوْمَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ فَمَيِّزُهُ مِنَ الْأَشْرَارِ وَ  
جَعَلَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ.<sup>۱</sup>

رسول خدا فرمود: هر که معلولی را در کارهایش کمک کند، خدا در کارش به او کمک دهد و در قیامت فرشته‌هایی روا دارد که او را در گذر از هراسها کمک دهند، و از خندق‌های آتش بگذرانند و از صراط او را سالم به بهشت رسانند. و کسی که ناتوان در فهم و معرفت را کمک دهد و در برابر خصم باطل به او دلیلی آموزد، خدایش در سكرات مرگ بر شهادت به یگانگی خدا و اینکه محمد(ص) بنده و رسول او است کمک دهد و بر اقرار بدان چه بدین دو مربوط است و بر اعتقاد او تا اینکه از دنیا برون شود و به خدای عز و جل برگردد با بهترین کردار و خوشترین حال، و در آن به روح و ریحان خوشامدش گویند و مژده‌اش دهند با اینکه پروردگارش از او خشنود است و خشمی بر او ندارد.

\* به روایت محمد بن عتمة، از پدرش، از عمویش که گوید:  
«در مدینه مردی را دیدم که بر دوش خود انبانی و در دست خود کاسه‌ای داشت... چندان نزدیک شدم تا او را شناختم که علی بن ابی طالب است، پس نزدیک مردی رسید و به او خوراک داد».<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۲۱.

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۱، ص ۵۴۰.

## رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

### ب. وظیفه مسئولان

❖ الإمام علی «ع» - فی العهد الأشتري: ثمَّ اللهُ! اللهُ! اللهُ! في الطَّبقة السفلى، من الذين لا حيلة لهم من المساكين و المحتاجين و أهل البؤسى و الزمّنى، فإنَّ في هذه الطَّبقة قانعا و معترا؛ و احفظ لله ما استحفظك من حقّه فيهم، و اجعل لهم قسما من بيت مالك، و قسما من غلّات صوافى الإسلام في كلِّ بلد، فإنَّ للأقصى منهم مثل الذي للأدنى، و كلَّ قد استرعيت حقّه، فلا يشغلنك عنهم بطر. امام علی «ع» - از عهدنامه، خطاب به مالک اشتر: خدا را! خدا را! در باره مسکینان و نیازمندان و تیره بختان و معلولین که هیچ چاره‌ای برای تأمین زندگی ندارند؛ در این طبقه، مستمندان و مستحقان هستند؛ برای خدا حقی را که به آنان اختصاص داده و نگهبانی آن را بر عهده تو نهاده است پاس دار، و بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های زمینهای خالصه را در هر شهر به آنان واگذار، که برای دوردست‌ترین آنان همان حقی ثابت است که برای نزدیکترین، و آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است.<sup>۱</sup>

❖ الامام الحسين «ع» - فیما خاطب به علماء الامة و غیرهم:.. و أنتم بالله، فی عباده، تکرمون. و قد ترون عهود الله منقوضة فلا تفرعون. و أنتم لبعض ذمم آبائکم تفرعون، و ذمّة رسول الله «ص» محقورة، و العمی و البکم و الزمّنى فی المدائن مهملة لا ترحمون، و لا فی منزلتکم تعملون، و لا من عمل فیها تعینون،



### فصل اول: جایگاه معلولین

و بالادهان و المصانعة عند الظلمة تأمنون. كل ذلك مما أمركم الله به، من النهي و التناهي و أنتم عنه غافلون. و أنتم أعظم الناس مصيبة - لما غلبتم عليه من منازل العلماء - لو كنتم تشعرون.<sup>۱</sup>

امام حسین «ع» - در خطاب به علمای امت و عیبجویی از ایشان... شما به خاطر خدا در میان مردم صاحب عزت و احترامید. با این حال، می بینید که عهدهای خدایی (مقررات دین) را می شکنند، و هیچ باکشان نیست. اگر یکی از پیمانهای پدرانتان شکسته شود، هراسان خواهید گشت، و اکنون در این اندیشه نیستند که پیمان (سنت) پیامبر خدا شکسته شده است. نابینایان و ناشنوایان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده اند و هیچ به حال آنان رحمت نمی آورید، و به کاری که شایسته شما است و بر نمی خیزید، و دیگران را نیز به چنین کارها و انمی دارید. به سازشکاری و مداهنه با ستمگران دل می بندید و به آن آرام می گیرید. و این همه وظایفی است که خدا بر عهده شما گذاشته است، یعنی نهی از منکر کردن و خود از آن اجتناب ورزیدن، و شما غافلید. کاش می دانستید که «منزلت علما» که به آن دست یافته اید، مصیبت شما را بزرگتر کرده است.

---

۱. تحف العقول، ص ۱۷۲.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

قال: «هو رابع اربعة، من اشد الناس عذابا يوم القيامة: ابليس، و فرعون، و قاتل النفس، و رابعهم سلطان جائر»<sup>۱</sup>

از وصایای پیامبر «ص» و خطبه‌های او در ایام اخیر زندگی:.. هر که به اجازه قومی امامت نماز ایشان کند، و آنان از او راضی باشند، و در حضور و قرائت و رکوع و سجود و قیام، میانه روی اختیار کند، پاداشی همچون پاداش ایشان خواهد داشت. و هر که بر قومی امام شود، و در حضور و قرائت و رکوع و سجود و قیام میانه روی نکند، نماز او به وی بازگردانده می‌شود و به آسمان بالا نمی‌رود. و منزلت او در نزد خدا مانند حاکم ستمگر و متجاوز است که در اندیشه صلاح رعایای خود نیست، و برای اجرای احکام خدای عزّ و جلّ در میان آنان گامی بر نمی‌دارد. در اینجا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب از جا برخاست و گفت: «یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، منزلت حاکم ستمگر و متجاوز که در اندیشه صلاح رعایای خود نیست و برای اجرای احکام خدا در میان آنان گامی بر نمی‌دارد چیست؟» گفت: «او نفر چهارم از چهار نفری است که در روز بازپسین به سختترین عذاب گرفتار خواهند شد: ابلیس، و فرعون، و آدمکش، و چهارمین سلطان ستمگر»<sup>۲</sup>.

---

۱. ثواب الاعمال، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۲. الحیة، همان، ص ۴۷۳.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

❖ الامام الصادق «ع» - فی بیان هذه الآية: وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ<sup>۱</sup>، قال: لیکن الناس عندک فی العلم سواء.<sup>۲</sup>  
امام صادق «ع» - در شرح این آیه: «وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ: چهره‌ات را برای مردمان عبوس و دگرگونه مکن» گفت: مقصود این است که باید مردمان در علم (و یاد دادن آن) نزد تو برابر باشند (و چنان نباشد که به کسی بیاموزی و از کسی دریغ داری).<sup>۳</sup>

❖ الامام الصادق «ع»:... من العلماء من یری أن یضع العلم عند ذوی الثروة و الشرف، و لا یری له فی المساکین وضعاً، فذلک فی الدرک الثالث من النار.<sup>۴</sup>  
امام صادق «ع»: بعضی از علما را نظر آن است که علم را به صاحبان مال و شرف بیاموزند، و برای آموختن آن به ضعیفان اهمیتی قائل نیستند. و این گونه کسان در درک (قعر) سوم از آتش جای دارند.<sup>۵</sup>

### ب. همکاری و تعاون

تعاون و همکاری در قرآن کریم، فراوان به چشم می‌خورد. همچنین در احادیث معصومین (ع) همکاری و دست‌همدیگر را

۱. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۸.

۲. الکافی، جلد ۱، ص ۴۱.

۳. الحیة، همان.

۴. روضة الواعظین، ص ۷؛ بحار الانوار، جلد ۲، ص ۱۰۸.

۵. الحیة، همان.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

گرفتن به ویژه دست محرومان مثل ایتام و معلولان را گرفتن و آنان را مساعدت کردن، در روایات متعدد هست. در اینجا به گزیده‌ای از آیات و روایات می‌پردازیم.

❖ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ: برای دست یافتن به نیکوکاری و پرهیزگاری، به یاری یک دیگر برخیزید.

❖ الإمام السَّجَّاد «ع»: ... أَمَا حَقَّ الْجَارُ فَحَفْظُهُ غَائِبًا، و کرامته شاهد، و نصرته و معونته فی الحالین جمیعاً...<sup>۲</sup>  
امام سجَّاد «ع»: ... حَقَّ هَمْسَايَه، حفظ حرمت او در غیاب و مراعات کرامت او در حضور است، و یاری کردن و کمک رساندن به او در هر دو حال.

❖ الإمام الصَّادِق «ع»: ... و لِيَعْنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، فَإِنَّ أَبَانَا رَسُولَ اللَّهِ «ص» كَانَ يَقُولُ: «إِنَّ مَعَاوَنَةَ الْمُسْلِمِ خَيْرٌ، وَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صِيَامِ شَهْرِ وَ اعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ».<sup>۳</sup>

امام صادق «ع»: ... باید برخی از شما به یاری برخی دیگر برخیزند، چه پدر ما رسول خدا «ص» می‌فرمود: «یاری رساندن به مسلمان بهتر و پراجتر است از روزه یک ماه، به‌مراه اعتکاف در مسجد الحرام».

❖ الإمام الصَّادِق «ع»: أَرْبَعَةٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: الْبِرُّ، وَ السَّخَاءُ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ الْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ.<sup>۴</sup>

۱. سوره مائده(۵)، آیه ۲.

۲. تحف العقول، ص ۱۹۱.

۳. بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۲۱۷.

۴. همان، ص ۲۶۰.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

امام صادق «ع»: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: نیکی کردن، بخشنده دست بودن، بر مصیبت شکیبایی نمودن، و قیام کردن به حق مؤمن (و ادای وظیفه نسبت به او).

\* عَنْ الصَّادِقِ «ع» قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُدْخِلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي رَحْمَتِهِ وَيُسْكِنَهُ جَنَّتَهُ فَلْيُحْسِنْ خُلُقَهُ وَلْيُعْطِ النَّصْفَةَ مِنْ نَفْسِهِ وَ لِيُرْحَمِ الْيَتِيمَ وَ لِيُعِنِ الضَّعِيفَ وَ لِيَتَوَاضَعَ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُ.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع): هر که خواهد خدایش عز و جل در رحمت خود درآورد، و به بهشتش جا دهد باید خوشخو باشد، و از طرف خود انصاف دهد و به یتیم مهر ورزد، و ناتوان را کمک کند و برای خدا که او را آفریده تواضع کند.

\* مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ، وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ<sup>۲</sup>: کیست آن کس که به صورتی نیکو به خداوند وام (قرض الحسنه) بدهد، تا آن را برای او دو چندان کند، و مزدی کریمانه بهره او شود؟

\* وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ<sup>۳</sup>: اگر (وام گیرنده) گرفتار سختی و تنگدستی باشد، باید به او مهلت دهند تا فراخ دست شود...

\* النَّبِيُّ «ص»: ... و من أقرض ملهوفاً فأحسن طلبته، استأنف العمل؛ و أعطاه الله بكلّ درهم ألف فنطار من الجنة.<sup>۴</sup>

۱. همان، جلد ۷۲، ص ۱۸.

۲. سوره حدید (۵۷)، آیه ۱۱.

۳. سوره بقره (۲)، آیه ۲۸۰.

۴. ثواب الاعمال، ص ۳۴۱.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

پیامبر «ص»: ... هر کس به ستمدیده (و حرمان رسیده) ای وام دهد و در مطالبه آن خوشرفتاری کند، اعمال خویش از سر گیرد (که خداوند گذشته او را آمرزیده است)؛ و خدا در برابر هر درهم او هزار قنطار<sup>۱</sup> از بهشت به وی خواهد بخشید.<sup>۲</sup>

❖ النبی «ص»: الصدقة بعشر، و القرض بثمانية عشر، و صلة الإخوان بعشرين، و صلة الرحم بأربعة و عشرين.<sup>۳</sup>

پیامبر «ص»: (پاداش) صدقه ده برابر است، و وام دادن هجده، و کمک به دوستان بیست، و کمک به ارحام بیست و چهار.

❖ فیما رواه الإمام الصادق: سعد رسول الله «ص» المنبر ذات يوم، فحمد الله و أتى عليه ثم قال: أيها الناس! ليبلغ الشاهد منكم الغائب: ألا! و من أنظر معسرا كان له على الله عز و جل، في كل يوم صدقة بمثل ماله حتى يستوفيه...<sup>۴</sup>

پیامبر «ص»: به روایت امام صادق «ع»: پیامبر «ص» روزی بر منبر بالا رفت و به حمد و ثنای خدا پرداخت و فرمود: «ای مردم! حاضران شما به غایبان خبر دهند که: آگاه باشید! هر کس وامدار تنگدستی را مهلت دهد، خدای متعال برای هر روزی که به وامدار مهلت داده است، صدقه‌ای به اندازه تمام آن مال در حق او بنویسد، تا آن روز که وام بتامی پرداخته شود».<sup>۵</sup>

۱. «قنطار»، به معنی پوست گاو پر از طلا، و کنایه است از نعمت متنوع و بسیار.

۲. الحیة، همان، ص ۱۵۰.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۵۴۶؛ من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، ص ۲۲.

۴. وسائل الشیعه، همان، ص ۵۴۷.

۵. الحیة، همان.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

❖ النَّبِيُّ «ص»: ... من شكَا إليه أخوه المسلم فلم يقرضه، حرّم الله عليه الجنّة يوم يجزى المحسنين.<sup>۱</sup>

پیامبر «ص»: ... هر کس که برادر مسلمانش (از تنگدستی) نزد او شکایت کند و به او وام ندهد، در آن روز که نیکوکاران پاداش خواهند گرفت، خداوند بهشت را بر او حرام کند.

❖ النَّبِيُّ «ص»: ... من احتاج إليه أخوه المسلم في قرض فلم يقرضه، حرّم الله عليه الجنّة...<sup>۲</sup>

پیامبر «ص»: ... هر کس که برادر مسلمانش نیازی به وام گرفتن از او پیدا کند، و به او وام ندهد، خدا بهشت را بر او حرام خواهد.

❖ الإمام الصادق «ع»: قرض المؤمن غنیمة و تعجیل خیر، إن أبسر أداه، و إن مات احتسب من الزکاة.<sup>۳</sup>

امام صادق «ع»: وام دادن به مؤمن غنیمتی است و شتابی در رسیدن به خیر؛ اگر وام‌گیرنده تمکّن یابد آن را خواهد پرداخت، و اگر بمیرد به حساب زکات برای وام دهنده محسوب خواهد شد.

در زمینه برآوردن نیازهای و نیازمندی‌های محرومان جامعه سفارش‌هایی در قرآن و نیز از طرف ائمه «ع» شده است از جمله:

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ؛<sup>۴</sup> ای مؤمنان! از چیزهای پاکیزه‌ای (و مالهای حلالی) که به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین (از انواع دانه‌ها

۱. ثواب الاعمال، همان.

۲. همان، ص ۳۳۹.

۳. الکافی، جلد ۴، ص ۳۴.

۴. سوره بقره (۲)، آیه ۲۶۷.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

و میوه‌ها و معدنها و...)، برای شما بیرون داده‌ایم، (به دیگران) بدهید (و برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی هزینه کنید).  
\* وَ أَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ، مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ؛  
پیش از آن هنگام که مرگ هر یک از شما فرا رسد، از آنچه روزی شما کرده‌ایم به دیگران (و نیازداران) بدهید.

\* الإمام علی «ع» - فی بیان أسباب معایش الخلق: أما وجه الصدقات فإنما هي لأقوام ليس لهم في الإمارة نصيب، و لا في العمارة حظ، و لا في التجارة مال، و لا في الإجارة معرفة و قدرة، ففرض الله في أموال الأغنياء ما يقوتهم و يقوم به أودهم.<sup>۱</sup>  
امام علی «ع» - در بیان اسباب معیشت‌های مردمان: پول صدقات (زکات و...) برای گروه‌هایی است که نه در فرمانروایی نصیبی دارند، و نه در آبادانی بهره‌ای، و نه در تجارت مالی، و نه در اجاره شناختی و توانی؛ پس خداوند در اموال ثروتمندان مبلغی برای ایشان واجب کرده است که وسیله تأمین خوراکشان باشد و رنج و سختی فقر را از ایشان دور کند.

\* الإمام السَّجَّاد «ع»: من كان عنده فضل ثوب و قدر أن يخصَّ به مؤمنا يحتاج إليه فلم يدفعه إليه، أكبه الله في النار على منخرية.<sup>۲</sup>

۱. سوره منافقون (۶۳)، آیه ۱۰.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۶، ص ۱۴۶.

۳. همان، جلد ۱، ص ۴۲۱.



## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

امام سجّاد «ع»: هر کس که لباس زیادی دارد و می‌تواند آن را به مؤمنی نیازمند بدهد و ندهد، خدا او را در روز قیامت به رو به آتش می‌اندازد.

### ج. فقرزدایی

\* الإمام الصادق «ع»: جاء رجل إلى النبي «ص»، قال: يا رسول الله! أفي المال حقّ سوى الزّكاة؟ قال: «نعم، على المسلم أن يطعم الجائع إذا سأله، و يكسو العارى إذا سأله». قال: إنّه يخاف أن يكون كاذبا. قال: «أ فلا يخاف صدقه؟»<sup>۱</sup>

امام صادق «ع»: مردی نزد پیامبر «ص» آمد و گفت: یا رسول الله! آیا در مال حقّ دیگری جز زکات وجود دارد؟ فرمود: «آری، بر مسلمان است که گرسنه را، اگر خواستار خوراک باشد، سیر کند؛ و برهنه را که خواستار پوشش باشد جامه دهد». پرسنده گفت: ترس آن دارد که دروغ بگوید. فرمود: «آیا از راست بودن سخن او ترس ندارد؟»<sup>۲</sup>

\* الإمام الصادق «ع» - سماعه بن مهران قال: سألت أبا عبد الله «ع» قلت: قوم عندهم فضول و یاخوانهم حاجة شديدة و ليس تسعهم الزّكاة، أ يسعهم أن يشبعوا و يجوع إخوانهم، فإنّ الزّمان شديد؟ فقال «ع»: المسلم أخو المسلم لا يظلمه و لا يخذله و لا يحرمه، فيحقّ على المسلمين الاجتهاد فيه، و

۱. بحارنوار، جلد ۷۵، ص ۴۶۱.

۲. الحیة، همان، جلد ۶، ص ۱۴۴.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین (ع)

التَّوَّاصِلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَيْهِ، وَالمُؤَاَسَاةَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَالعَطْفَ مِنْكُمْ، تَكُونُونَ عَلَيَّ مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ، رَحْمَاءَ بَيْنَكُمْ مَتْرَاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) - سماعه می گوید: از ابو عبدالله (امام صادق) (ع) پرسیدم که: اگر قومی مالی بیش از نیاز داشته باشند، و برادران ایشان نیاز فراوان، و زکات کفایت نیازمندی آنان را نکند، آیا آن ثروتمندان حق دارند که سیر باشند و برادرانشان گرسنه بمانند، زیرا روزگار سخت شده است، فرمود: مسلمان برادر مسلمان است و به او ستم روا نمی‌دارد، و او را خوار نمی‌سازد، (۱) و ناکام نمی‌گذارد؛ پس مسلمانان باید در هر زمانی تلاش کنند، و در کار رسیدگی و همیاری باشند، و باید چیزی از مال خود را در اختیار نیاز داران و یاریخواهانی که در میان شما هستند قرار دهند، تا چنان رفتار کرده باشید که خداوند امر کرده است: همه نسبت به یک دیگر مهربان باشند، و میان خود - از دو سر - مهربانی و بخشندگی را مراعات کنند.<sup>۲</sup>

در قرآن و روایت درباره شریک کردن فقیران در اموال بدان گونه که خدای متعال آنان را شریک قرار داده است آمده است:

﴿الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالمَحْرُومِ﴾: کسانی که در اموال ایشان حقی است معلوم برای سائل و محروم.

﴿الإمام علی (ع)... فقراء المسلمین أشركوهم فی معیشتکم﴾.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۵۹۷.

۲. الحیة، همان، ص ۱۴۸.

۳. سوره ماعون (۱۰۷)، آیه ۷.

۴. امالی شیخ طوسی، جلد ۲، ص ۱۳۶.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

امام علی «ع»: ... فقراى مسلمان را در معيشت شريك خود قرار دهيد.

❖ الإمام الصادق «ع»: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ، فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ.<sup>۱</sup>

امام صادق «ع»: خداوند متعال ثروتمندان و فقیران را در اموال شریک یک دیگر قرار کرده است، پس ثروتمندان حق ندارند اموال را با غیر شریکان خود مصرف کنند. درباره اصلاح امور مالی گرفتاران در قرآن و روایات توصیه‌هایی ذکر شده است.

❖ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَ آتُوا الزَّكَاةَ، وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّكَّعِينَ.<sup>۲</sup> نماز را بر پای دارید، و زکات بدهید، و یا رکوع‌کنندگان رکوع کنید. زکات - با همین لفظ و جز آن - در «قرآن کریم»، بسی بیشتر از سی بار ذکر شده است.

❖ الإمام الرضا «ع» - فيما نقله فضل بن شاذان النيسابورى: ... عِلَّةُ الزَّكَاةِ... لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّامَانَةِ وَالْبَلْوَى.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، جلد ۶، ص ۱۵۰.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۴۳.

۳. عیون اخبار الرضا، جلد ۲، ص ۸۹.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین (ع)

امام رضا «ع» - به روایت فضل بن شاذان نیشابوری: ... علّت زکات... آن است که خداوند متعال، مردمان سالم را به رسیدگی به کارهای مردمان زمینگیر و گرفتاران مکلف ساخته است.

### د. رهایی از گرفتاری

❖ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»: مَنْ أَغَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْهُمْ وَكُرْبَةً وَوَرْطَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَعْطَاهُ ثَوَابَ عِتْقِ عَشْرِ نَسَمَاتٍ وَ دَفَعَ عَنْهُ عَشْرَ نَقِمَاتٍ وَ أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ.<sup>۱</sup>

رسول خدا «ص»: که هر که بداد برادر مؤمنش رسد تا او را از غم و گرفتاری و یرتگاه برهاند خدا برایش ده حسنه نویسد، و ده درجه او را بالا برد، و ثواب آزاد کردن ده بنده باو دهد، و ده بدی از او بگرداند، و در قیامت ده شفاعت از او بپذیرد.

❖ وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ؟<sup>۲</sup>: شما را چه شده است که در راه خدا و (گرفتن حقوق). مردان و زنان و کودکان مستضعف کارزار نمی‌کنید؟

❖ الإمام الحسين «ع» - في الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، مخاطبا لعلماء المسلمين:.... فأما حقّ الضّعفاء فضيقتهم... و العمى و البكم و الزّمنى في المدائن مهملة لا ترحمون...<sup>۳</sup>.

۱. همان.

۲. سوره نساء (۴)، آیه ۷۵.

۳. تحف العقول، ص ۱۷۲.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

امام حسین «ع» - در باره امر به معروف و نهی از منکر، خطاب به علمای مسلمانان: ... حقّ ضعیفان را ضایع کردید... و نابینایان و ناشنوایان و معلولان را در شهرها به حال خود رها ساختید، که هیچ کس به ایشان رحم نمی‌کند.

❖ الإمام الجواد «ع» - فیما یصف به العلماء العاملين بواجبهم: یبذلون دماءهم دون هلكة العباد.<sup>۱</sup>

امام جواد «ع» - در توصیف علمای عامل به وظیفه: در راه جلوگیری از هلاک شدن بندگان خدا کشته می‌شوند. ❖ النبی «ص»: ... من منع طالبا حاجته، و هو قادر علی قضائها، فعليه مثل خطیئة عشار<sup>۲</sup>.

پیامبر «ص»: ... هر کس خواستار حاجتی را - با اینکه بر آوردن آن توانا باشد - رد کند، برای او گناهی چون گناه عشاران (باج بگیران) خواهند نوشت.

❖ الإمام الصادق «ع»: ما آمن بالله، و لا بمحمد «ص»، و لا بعلی «ع»، من إذا أتاه أخوه المؤمن فی حاجة لم یضحک فی وجهه، فإن كانت حاجته عنده سارع إلى قضائها، و إن لم تکن عنده تکلف من عند غیره حتی یقضیها له؛ فإن کان بخلاف ما وصفته فلا ولاية بیننا و بینة.<sup>۳</sup>

---

۱. الکافی، جلد ۸، ص ۵۷.

۲. ثواب الاعمال، ص ۳۴۱.

۳. بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۱۷۶.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

امام صادق(ع): «آن کس که چون برادر مؤمنش برای طلب نیازی به او رو کند، به روی او لیخند نزند، به خدا و به محمد(ص) و به علی(ع) ایمان نیاورده است. اگر آنچه به آن نیاز دارد، در نزد او موجود باشد، باید هر چه زودتر به او بدهد، و اگر خود نداشته باشد، از دیگری برای او تقاضا کند تا برآورده شود؛ اگر بر خلاف این باشد که گفتیم، میان ما و آن شخص، دوستی و ولایتی وجود ندارد.

❖ الإمام الصادق(ع): «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ، أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسُودًا وَجْهَهُ، مَزْرُقَةً عَيْنَاهُ. مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.

امام صادق(ع): «هر مؤمنی که خود- یا آشنایانش- توانایی برآوردن حاجت مؤمنی را داشته باشند و به رفع حاجت او اقدام نکنند، خدای متعال در روز قیامت او را با چهره سیاه و چشمان برگشته محشور خواهد کرد، در حالی که دستهای او به گردنش بسته شده است، پس گفته می‌شود: این آن خائنی است که به خدا و رسول او خیانت کرده است. و سپس فرمان می‌رسد تا او را به دوزخ برند.<sup>۱</sup>

❖ الإمام الصادق(ع): «من كانت له دار فاحتاج مؤمن إلى سكنها فمنعه إيّاها، قال الله عزّ وجلّ: «يا ملائكتي! أ بخل

---

۱. الحیة، همان، ص ۱۴۹.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

عبدی بسکنی الدار الدنیا؟ و عزتی و جلالی لا یسکن جنانی  
أبدا»<sup>۱</sup>.

امام صادق «ع»: هر کس که خانه‌ای دارد و مؤمنی محتاج ساکن شدن در آن است و خانه را به او نمی‌دهد، خدای بزرگ در این باره می‌گوید: «ای فرشتگان من! آیا بنده من به بنده دیگرم برای خانه دنیا بخل ورزید؟ سوگند به عزت و جلالم که هرگز در بهشت من سکونت نخواهد کرد»<sup>۲</sup>.

\* الإمام الصادق «ع»: «أیما مؤمن حبس مؤمنا عن ماله، و هو محتاج إليه، لم یذقه الله من طعام الجنة، و لا یشرب من الریحق المختوم»<sup>۳</sup>.

امام صادق «ع»: هر مؤمنی که مالی را که مؤمنی دیگر به آن نیاز دارد به او ندهد، خدا او را از چشیدن مزه خوراک بهشت محروم خواهد کرد، و از نوشیدن شراب بهشتی سر بمر بهره‌ای نخواهد داشت.

\* الإمام کاظم «ع»- فیما رواه عنه أخوه علی بن جعفر: من قصد إليه رجل من إخوانه مستجیرا به فی بعض أحواله فلم یجره، بعد أن یقدر علیه، فقد قطع ولایة الله تبارک و تعالی<sup>۴</sup>.  
امام کاظم «ع»- به روایت برادر آن حضرت، جناب علی بن جعفر از ایشان: هر کس که یکی از برادرانش برای رفع نیازی

۱. اصول کافی، جلد ۲، ص ۳۶۷.

۲. الحیة، همان، ص ۱۵۵.

۳. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۶۰۱.

۴. اصول کافی، جلد ۲، ص ۳۶۸.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین (ع)

به او پناه برد و او را در پناه نگیرد (و نیاز او را بر نیاورد) و بر این کار توانایی داشته باشد، ولایت خدای متعال (و پیوستگی میان خود و خدا) را قطع کرده است.

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ، وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ، إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾: اگر (وامدار) گرفتار سختی (تنگدستی) باشد، به او مهلت دهید تا دستش باز (و توانا بر ادای وام) شود؛ و چون آن را به حساب خیرات بگذارید، برای شما بهتر است، اگر بدانید.

﴿الإمام الصادق (ع)﴾: ... إِيَّاكُمْ وَ إِعْسَارَ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَعْسُرُوهُ بَشْيءٍ يَكُونُ لَكُمْ قَبْلَهُ، وَ هُوَ مَعْسُرٌ، فَإِنَّ أَبَانَا رَسُولَ اللَّهِ «ص» كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَعْسُرَ مُسْلِمًا. وَ مِنْ أَنْظَرَ مَعْسِرًا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَظْلَهُ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ.<sup>۲</sup>

امام صادق (ع): ... بیرهیزید از اینکه یکی از برادران مسلمان خود را برای باز پس گرفتن مالی که در نزد او دارید، در فشار قرار دهید، با اینکه او در حال تنگدستی است، زیرا پدر ما رسول خدا «ص» می فرمود: «مسلمان را نرسد که مسلمانی دیگر را به عسرت اندازد (و زیر فشار گذارد). هر کس معسری (تنگدستی) را مهلت دهد، خداوند متعال در روز قیامت - که سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد - وی را در سایه خویش قرار خواهد داد».

۱. همان، آیه ۲۸۰.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱۳، ص ۱۱۳.



## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

❖ الإمام الصادق «ع» - إسحاق بن عمّار قال: قلت لأبي عبد الله «ع»: ما للرجل أن يبلغ من غريمه؟ قال: لا يبلغ به شيئاً، الله أنظره.<sup>۱</sup>

امام صادق «ع» - اسحاق بن عمّار می گوید: به ابوعبدالله (امام صادق) «ع» گفتم: شخص تا چه اندازه می تواند بر بدهکار نادار خود سختگیری کند؟ فرمود: هیچ اندازه! خدا به او مهلت داده است.

❖ الإمام الصادق «ع»: خلّوا سبيل المعسر، كما خلّاه الله عزّ وجلّ.<sup>۲</sup>

امام صادق «ع»: وامدار تنگدست (معسر) را به حال خود واگذارید، همان گونه که خدای بزرگ او را به حال خود واگذارده است.

### ه نمونه‌هایی از سیره ائمه<sup>۳</sup>

اول: ابوالطفیل کنانی گوید: «علی را دیدم که یتیمان را می خواند و به آنان غسل می خوراند، تا آنجا که یکی از اصحاب او گفت: دوست می داشتم که من هم یتیم بودم».<sup>۴</sup>

دوم: امام حسن مجتبی «ع»، دو بار از همه مال خود دست کشید، و سه بار اموالش را در راه خدا تقسیم کرد، حتی

۱. همان، ص ۱۱۴.

۲. همان، جلد ۱۱، ص ۵۴۷.

۳. الحیة، جلد ۳، ص ۳۰۱-۳۰۴.

۴. بحار/انوار، جلد ۴۱، ص ۲۹.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

پافزاری می داد و پافزاری نگاه می داشت، کفشی را می بخشید و کفشی دیگر را نگاه می داشت.<sup>۱</sup>

سوم: بر پشت امام حسین «ع» در واقعه عاشورا اثری دیده شد، چون از کیفیت آن از امام سجّاد «ع» پرسیدند، فرمود: «این اثر انبانهایی است که بر دوش می کشید و به خانه های بیوه زنان و یتیمان و مسکینان می رساند».<sup>۲</sup>

چهارم: امام سجّاد «ع» در تاریکی شب از خانه بیرون می رفت، و انبانی بر دوش خود حمل می کرد که در آن کیسه های درهم و دینار بود، و بسا می شد که بر پشت خود خوراکی یا هیزم حمل می کرد، و به در یکایک خانه های مورد نظر می رفت و آن را می کوبید تا کسی بیرون آید و آنچه را که سهم او بود بگیرد. صورت خود را در هنگام بخشیدن چیزی به فقیر می پوشاند تا او را نشناسد؛ هنگامی که از دنیا رفت و بینوایان از آنچه می گرفتند محروم ماندند، دانستند که او علی بن الحسین «ع» بوده است. و چون او را پس از مرگ بر محلّ غسل دادن نهادند، بر پشت ایشان لکه هایی همچون لکه های زانوی شتر بود که اثر حمل بار به خانه های فقیران و نیازمندان را نشان می داد. آن امام صد خانه از خانه های فقیران مدینه را معاش می داد، و از آن دلشاد می گشت که یتیمان و بیماران و زمینگیران و مسکینان - که هیچ راهی برای به دست آوردن طعام نداشتند -

---

۱. همان، جلد ۴۳، ص ۳۴۹.

۲. همان، جلد ۴۴، ص ۱۹۰.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

بر سر سفره او بنشینند و از طعام او بخورند، و او خود خوراک را به دست خود به ایشان می‌داد، و هر کس که عیالی داشت سهم آنان را نیز به او می‌داد تا برای عیال خود ببرد.<sup>۱</sup>

پنجم: امام صادق «ع»، چون پاسی از شب می‌گذشت، انبانی با خود بر می‌داشت که در آن نان و گوشت و مقداری درهم بود، و آن را بر دوش خود حمل می‌کرد، و به جاهای نیازمندان مدینه می‌رفت و آنها را میان ایشان پخش می‌کرد.<sup>۲</sup>

ششم: معلی بن خنیس گوید: امام صادق «ع» در شبی که باران می‌بارید، به قصد «ظله بنی ساعده» از خانه بیرون شد... ناگاه دیدم انبانی از نان بر دوش دارد که من از حمل آن ناتوانم... آنگاه رفتم و چون به آنجا رسیدیم همه خفته بودند، امام صادق «ع»، یک نان و دو نان (به آرامی - تا از خواب بیدار نشوند - در کنار هر یک) نهان کرد، تا سهم همه تمام شد.<sup>۳</sup>

هفتم: امام موسی بن جعفر «ع»، شب هنگام به بینویان مدینه سرکشی می‌کرد، و زنبیلی را با خود می‌برد که در آن پول و آرد و خرما بود، و آن را به ایشان می‌رساند، و نمی‌دانستند که این چیزها از کجا می‌آید.<sup>۴</sup>

هشتم: معمر بن خلاد گوید: هنگامی که امام رضا «ع» به طعام خوردن می‌نشست، ظرفی را برای او می‌آوردند و نزدیک او

۱. خصال، جلد ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۶، ص ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۷۹.

۴. ارشاد شیخ مفید، ص ۲۹۶.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

می‌گذاشتند. و آن امام از پاکیزه‌ترین خوراکیها سهمی اختیار می‌کرد و در آن ظرف می‌گذاشت، سپس دستور می‌داد که آن را به مسکینان بدهند.<sup>۱</sup>

نهم: امام رضا(ع) بسیار در نهان صدقه می‌داد، این کار بیشتر در شبهای تاریک صورت می‌گرفت.<sup>۲</sup>

دهم: بزنتی گوید: نامه امام رضا(ع) را به ابو جعفر (امام جواد(ع)) چنین خواندم: «ای ابو جعفر! شنیده‌ام که هنگامی که سوار می‌شوی، غلامان تو را از در کوچک خارج می‌کنند، و این از بخل ایشان است که نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد؛ به حقّ پدری که بر تو دارم از تو می‌خواهم که آمد و رفتت جز از در بزرگ نباشد. و چون بیرون می‌روی با خود سیم و زر داشته باشی، و هر کس چیزی از تو خواست باید به او بدهی...»<sup>۳</sup> این حدید گوید: «با گروهی به قصد حجّ خانه خدا به راه افتادیم، دزدان در راه بر ما تاختند، هنگامی که به مدینه در آمدم، امام جواد(ع) را در راهی دیدم و همراه او به خانه‌اش رفتم و از آنچه بر ما گذشته بود آگاهش ساختم؛ امام دستور داد تا برایم لباسی آوردند و مقداری دینار به من داد و فرمود: آن را به نسبت مالی که از دست ایشان رفته است میانشان تقسیم کن».<sup>۴</sup>

---

۱. بحار الانوار، جلد ۴۹، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، جلد ۵۰، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۴۴.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

یازدهم: امام هادی «ع» و امام حسن عسکری «ع» نیز اموال فراوانی به وامداران و نیازمندان و نظایر ایشان می‌دادند؛ و بسا می‌شد که هزینه ازدواج برای مردی می‌فرستادند که همسرش از دنیا رفته بود، با اینکه ایشان خود زندگی سخت داشتند.<sup>۱</sup> و بدین شکله و صورتهای گدایان و گرسنگانی را سیر می‌کردند که حق ایشان به آنان نمی‌رسید و زاد ایشان دزدیده می‌شد. و با این عمل متعهدانه بزرگ به این کارهای سترگ دست می‌یازید: (۱) مردمانی را از درد و رنج گرسنگی و سوز سرمای سوزان نجات می‌دادند.

(۲) ایمان آنان را نگاه می‌داشتند، و از دستبرد کفر و الحاد دورشان می‌ساختند.

(۳) به آنان کمک می‌کردند تا بتوانند به تکالیف دینی خود عمل کنند.

(۴) کرامت و آبروی ایشان را از خواری گدایی پاس می‌داشتند. (۵) از این راه پاره‌ای از آثار فقر کوبنده را - در اجتماعی که اضرار عدالت و قسط بر آن حکمفرما شده بود - خنثی می‌کردند. و از جمله انفاقهای گرانبار امیر المؤمنین «ع» به مردم نیازمند و کمک رسانی به آنان چنین است که در منابع حدیث و تاریخ آمده است:

«درآمد علی «ع» چهل هزار دینار بود، او همه را صدقه قرار داد (و وقف کرد) و شمشیرش را فروخت و فرمود: لو کان

---

۱. همان، ص ۲۶۴.

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

عندی عشاء ما بعته اگر خوراک شام را می‌داشتیم آن را نمی‌فروختم». و از غفلت است که این موضوع با عنوان «کثرة مال امیر المؤمنین فراوانی مال امیر المؤمنین» یاد شود، یا بگویند که آن امام مال فراوان داشته است، که در آن صورت برای اشخاص بی‌اطلاع این توهّم پیش آید، که او این اموال را برای خود نگاه می‌داشت و آنها را صرف معیشت و رفاه‌گرایی خود و نزدیکانش می‌کرد. و این امر دستاویزی فراهم سازد برای نیکو جلوه دادن تکاثر و ثروتمندی، به توسط شیاطین متکاثر یا فریب‌خوردگان نیرنگهای آنان و این ناروا است. و حق آن است که گفته شود: «انفاق گرانبار امیر المؤمنین» یا «زهد بسیار او» یا «فقر اختیاری او» یا «اهتمام شدید او به بی‌نیاز کردن مردم و زدودن فقر از اجتماع» و نظایر اینها. آن مال چگونه می‌تواند عنوان مال‌داری وافر داشته باشد، در صورتی که دارنده آن شمشیرش را می‌فروشد و می‌گوید: «اگر خوراک شام را می‌داشتیم آن را نمی‌فروختم»؟ پس امیر المؤمنین(ع) مال را برای انفاق به دست می‌آورد نه برای نگاه داشتن و ذخیره کردن و بهره‌مند شدن.<sup>۱</sup>

### و. نتیجه‌گیری

آیات و احادیث و توضیحاتی که آمده است، بیشتر دلیل بر لزوم رساندن آذوقه و نفقه به توده‌ها و تأمین نیازمندیهای مردم

---

۱. الحیة، جلد ۳، ص ۳۰۴.

## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

است، خواه مربوط باشد به از بین بردن تکاثر (از آن جهت که از علتهای عمده فقر فقیران و نیازمندی نیازمندان است)، یا از میان بردن فقر، که اغلب از نتایج شوم تکاثر، و برخاسته از تجاوز اقتصادی و ظلم‌های معیشتی است.

ما هنگامی که تعالیم اسلامی مربوط به مسأله اموال و انفاق و همگانی کردن عملی آنها را به صورتهای مختلف آن ملاحظه می‌کنیم - متوجه می‌شویم که اسلام قصد آن دارد که:

- اجتماعی بدون فقر بسازد؛ از این رو جز آن رضا نمی‌دهد که همه افراد اجتماع اسلامی در فراوانی معیشت روزگار بگذرانند و از مسکنت و فقر دور بمانند (مگر کسانی که فقر را از روی اختیار بعنوان یک ریاضت در زندگی زاهدانه برگزیده‌اند. که البته وجود چند تنی با این خصوصیت مقیاسی برای اجتماع و افراد آن محسوب نمی‌شود).

- و در جامعه اسلامی، سیمای فقر و سؤال و گدایی و ذلت مالی مشاهده نشود، چنان که مثلاً، امام کاظم «ع»، در «احادیث زکات» می‌فرماید: «و أغنه، إن قدرت أن تغنيه: اگر توانایی آن را داری که فقیر را بی‌نیاز کنی، بی‌نیاز کن!».

پس کسانی که از دست یافتن به معیشت‌ها و نعمت‌ها، به سبب بیماری یا آفتی دیگر محروم مانده‌اند، بر دیگران واجب است که زاد و توشه به ایشان برسانند، تا آنان نیز به حد کفاف و بسندگی معیشت دست یابند. و این در مورد فقر طبیعی و برخاسته از علتهای طبیعی است، اما توده‌های مستضعفی که

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

ناکامی و فقر بر ایشان تحمیل شده است، شاید قیام کردن برای احقاق حقوق ایشان و باز پس گرفتن آن حقوق، و داد ایشان را از ستمگران اقتصادی و قارونان مالی گرفتن، و به تنگدستی سخت آنان رضا ندادن، از مهمترین واجبات محسوب شود، و «قرآن کریم»- چنان که در آیه معروف آمده است- مردمان را به مبارزه در این راه برانگیخته است. پس آن جامعه اسلامی که اسلام برای ساختن آن می‌کوشد، جامعه تکافل و همیاری، جامعه مواسات و مساوات، جامعه عزت و بی‌نیازی، جامعه برادری و همزیستی، جامعه وحدت صادقانه و انسجام امت است، نه جامعه از هم بریدن و قطع رابطه کردن، جامعه خودخواهی و تفاوت‌های فاحش در زندگی، جامعه فرعونیت و قارونیت از یکسو (اقلیت) و جامعه نیازمندی و زبونی، و جامعه ضد برادری و همزیستی و یگانگی و انسجام از سوی دیگر (اکثریت)، هیئات- و صد هیئات- که این اسلام باشد، و مورد رضای امام زمان «عج»<sup>۱</sup>.

در پایان این فصل یادآوری این نکته لازم است که یکی از راههای مهم «انفاق» و «هزینه‌گذاری ماندگار»، موضوع «وقف» است، به ویژه که این هزینه‌گذاری و صرف مال همواره باقی است و در روزگار ماندگار می‌ماند، و پیوسته جامعه و افراد آن- نسل در نسل- از آن بهره می‌برند. پس کسانی که-

---

۱. الحیاء، همان، ص ۱۷۰-۱۷۱.



## فصل دوم: تأمین اجتماعی عمومی

به هر اندازه - توانایی دارند نباید از این خیر ماندگار و ثواب پیوسته غافل شوند.

البته توانگران و کسانی که می‌خواهند چیزی یا زمینی یا باغی یا مالی را وقف کنند، باید با درایت و کفایت به این کار بپردازند، و اگر شرطهایی می‌گذارند شرطهایی باشد عملی و مؤثر در جهت رشد انسانی، و پیشرفت اجتماعی، و اعتلای اسلامی. و چنان که برخی از فاضلان و عالمان نیز یاد کرده‌اند - وقف می‌تواند دارای فایده‌هایی بس مهم و سازنده و آثاری گوناگون و تکامل آفرین باشد:

۱. ایجاد اشتغال

۲. زدایش فقر

۳. نشر فرهنگ

۴. تعدیل ثروت (مبارزه با تکاثر و تفاخر و ...)

۵. نبرد با حرص درونی و رسیدن به تعالی روحی

۶. صرفه‌جویی و تعمیم در بهره‌مندی

۷. از میان بردن برخی از تنشها و تشنجهای اجتماعی

۸. تبدیل «چیزهای فانی» (مال، خانه و دیگر امکانات معیشت)

به «پادشاهای باقی» (باقیات الصالحات)

۹. نشر محبت و نشان دادن علاقه گذشتگان به آیندگان و

اهمیت «انسانی - الهی» آن

۱۰. دعا و طلب آموزش آیندگان برای رفتگان

### رفتار با معلولین در سیره معصومین(ع)

نیز باید دقت شود که در هر جا و هر مناسبت چه مواردی - در حال حاضر و در آینده - مورد نیاز جامعه است. و چه بسیار وقفهایی با برکت که با خلوص نیت و به قصد قربت انجام یافته است، و سالها و سده‌هاست که تا هم اکنون - و در آینده - در جامعه‌های اسلامی مانند خورشید می‌درخشد و خیر و برکت می‌رساند و حیات می‌بخشد، از جمله: کتابخانه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها.

امروزه موارد تازه و پر اجری برای وقف اموال و املاک و امثال آنها - در نتیجه تحوّل در فرهنگ و زندگی - به وجود آمده است که کسانی که می‌توانند - به هرگونه و هر اندازه - چیزی در این موارد وقف کنند، نباید کوتاهی ورزند، که این کوتاهی ورزیدن کوتاهی در حقّ خود است.